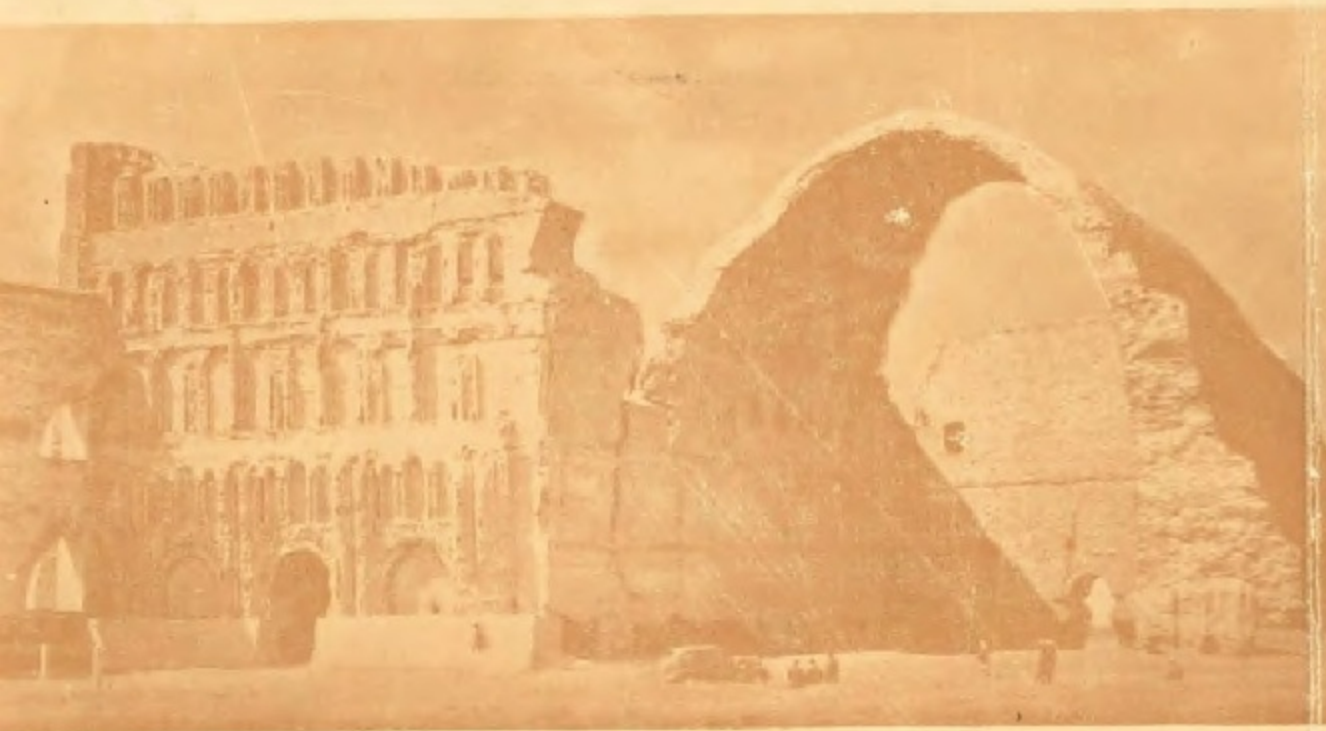


تاریخچه
فرهنگ ایران در کشور عراق



از سال

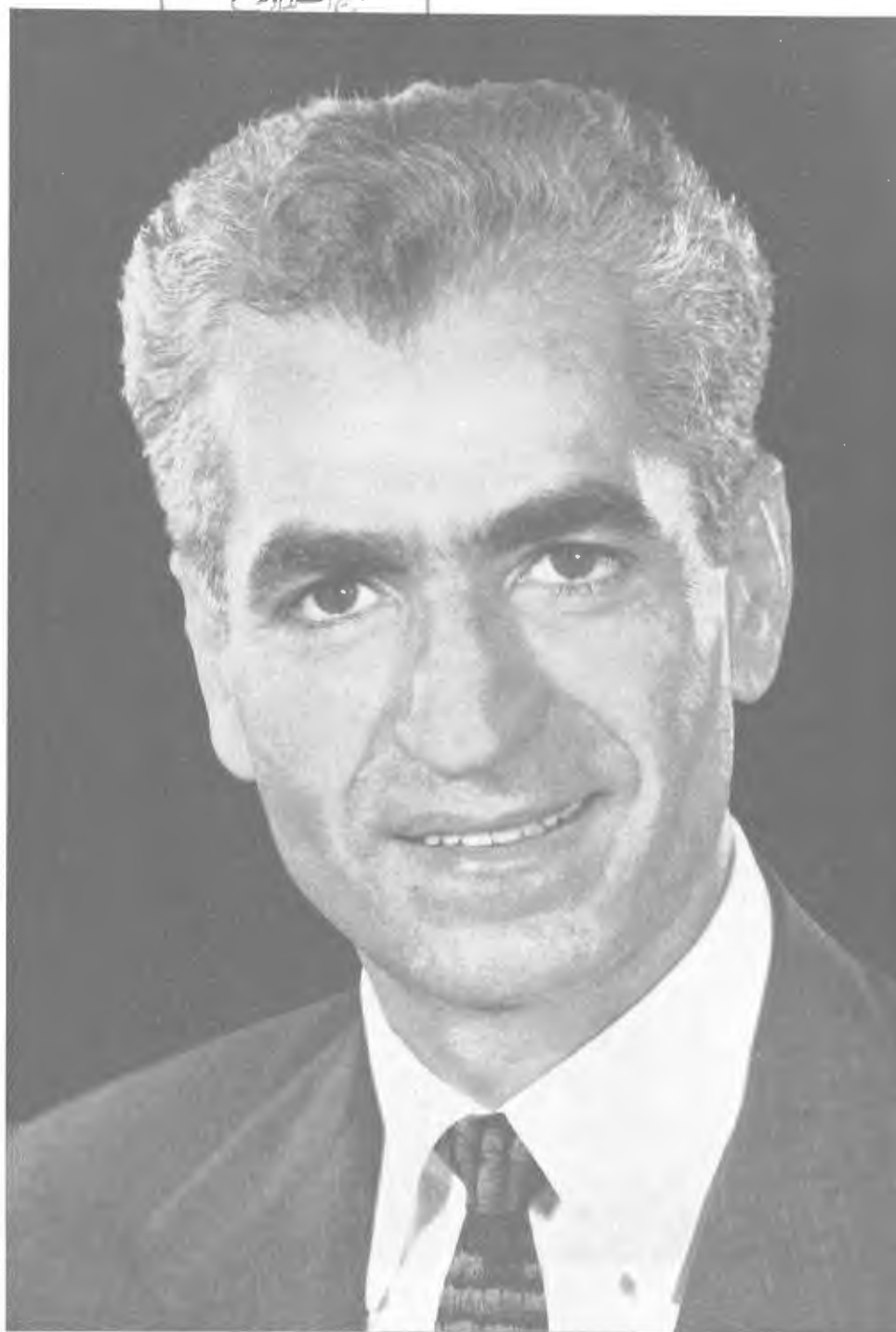
۱۲۸۵ تا ۱۳۴۵ خورشیدی

05R

۸۲۰۹

چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر

کیا بچائے نہ جھمکے
تا بچے نہ ہو اور







السنن شد

تاریخچه

فرهنگ ایران در کشور عراق

از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۵ خورشیدی

فهرست مطالب

صفحه	مطلب
۱۱	مقدمه
۱۳	غرض از انتشار این مجموعه
۱۶	تاریخچه روابط سیاسی ایران و عراق
۲۳	روابط ادبی
۲۸	تاریخچه مدارس ایران در عراق
۳۲	اداره سرپرستی
۳۳	سازمان اداری سرپرستی
۳۷	مدارس ایرانی در عراق - دبستان ودییرستان شرافت
۴۶	دبستان دخترانه فرح بغداد
۴۹	دبستان پسرانه اخوت کاظمین
۵۷	دبستان دخترانه شهربانو کاظمین
۶۰	دبستان ودییرستان علوی نجف

صفحه	مطلب
۶۶	دبستان ودبیرستان حسینی کربلا
۷۶	دبستان دخترانه حسینی کربلا
۷۸	دبستان پهلوی بصره
۸۲	آموزشگاههای شبانه
۸۵	آخرین آمار
۸۸	سفرهای فرهنگی
۹۰	کاروانهای عراقی که بایران سفر کردند
۹۴	کاروانهای ایرانی که بعراق سفر کردند
۹۶	تشکیل مجالس و جشنها
۱۰۰	سخنرانی آقای کوثری در جشن روز اقبال
۱۰۶	نظر بازرسان نسبت بمدارس ایرانی
۱۱۰	تاریخچه پیشاهنگی ایرانیان درعراق
۱۱۳	اقدامات رایزنی فرهنگی
۱۲۴	استادان زبان فارسی دانشگاه بغداد
۱۲۶	جشن فرهنگی دراداره رایزنی
۱۳۲	تجلیل ازبازنشستگان فرهنگ
۱۴۲	علی کیست (قصیده)
۱۳۷	مقالات - دارالعلم نجف
۱۴۵	درمدح مولای متقیان (قصیده)
۱۴۷	هدیه شاهانه
۱۴۹	اهداء چهلچراغ ولیعهد ایران
۱۵۲	آئینه کاری حرم مطهر
۱۵۴	هیئت خدام آستان قدس رضوی درکربلا
۱۵۵	این عون کیست ؟



بقلم جناب آقای دکتر سید مهدی پیراسته
سفیر کبیر ایران در عراق

مقدمه

بسمه تبارک و تعالی

قریب بشصت سال است که دولت شاهنشاهی ایران در عراق دارای تأسیسات فرهنگی است. تأسیس این مدارس بهمت و فداکاری جمعی از ایرانیان پاکدل و باایمان انجام گرفت و بعد از آن نیز سفراء و مأموران وزارت فرهنگ در پیشرفت و نگاهداری آن کوششها کردند. خدمت و نقش مؤثر این مدارس بنشر زبان و ادب فارسی و اشاعه تمدن ایرانی کمک شایانی کرده است. صحیح است که وجود اعتاب مقدسه منبع فیض و ملجاء و پناهگاه ایرانیان میباشد ولی باید گفت که اگر این مدارس وجود نداشت عده کثیری از عراقیها بخصوص ایرانیان مقیم عراق زبان شیرین پارسی را بهمان نحو که در مرکز مملکت تکلم میشود یاد نمیگرفتند. این خدمت ارزنده را باید همیشه در نظر بگیریم و بدیده انصاف بخادمان این دستگاه تکریم نماییم و با کمال تأسف باید اقرار کنیم که در بهبود وضع این مدارس اقدام مؤثری نشده است

بلکه آنرا بوضع موجود نگاهداری کرده‌اند . برای هرایرانی وطن پرست موجب کمال تأثر است که ببیند پس از شصت سال هنوز یکی از مدارس ایران در عراق دارای محل مناسب دولتی و بهداشتی نیست خاصه آنکه فرصتهای مغتنم برای بنای مدرسه در پیش بود و کاری نشده است . درینموقع که فرمان مقدس شاهنشاه مبنی بر تعمیم دانش از رهگذر اعزام سپاهیان دانش بکلیه روستاها و اقصی نقاط کشور شرفصدور یافت بحمدالله در اجرای منویات ملوکانه اعتبار ساختمان یکباب دبیرستان تأمین گردید و امید است پس از تحصیل اجازه خرید زمین ازدولت عراق بساختن آن اقدام شود . مشکل دیگر موضوع کثرت جمعیت ایرانیان در نجف و کربلا و فقدان مدرسه دخترانه بوده است که خوشبختانه سال گذشته در کربلا دبستان دخترانه دایر گردید و امسال در نجف نیز این نقیصه مرتفع خواهد شد . نواقص دیگری هم وجود دارد که ذکر آن بيمورد است امیدوارم توفیق انجام آن حاصل شود که بوضع مدارس و دانش آموزان سروصورت صحیحی داده شود و یادگاری از ایام خدمت در این سرزمین مقدس برجای ماند . یکی دیگر از کارهای لازم که میبایست شده باشد و تاکنون انجام نگردیده بود اقدام بتدوین و چاپ همین سالنامه است تا تاریخ فرهنگ ایران در این خطه محفوظ بماند و زحمات جوانمردان پاکدل خیراندیش مشکور نسلهای آینده بوده و ازین نرود . باین جهت در پایان مقال شایسته است از کارکنان راینی فرهنگی و اداره سرپرستی که باین اقدام دست زده‌اند تشکر کنیم و توفیق خدمت بیشتر آنان را در اجرای منویات شاهنشاه معظم و ملت عزیز ایران از خدای متعال و ائمه طاهرین (ع) بخواهیم .

بقلم آقای علی اکبر کوثری
رایزن فرهنگی و سرپرست
مدارس ایرانیان در عراق

غرض از انتشار این مجموعه

وزارت آموزش و پرورش امروز بر راحتی و آسانی در اقصی نقاط مملکت مدرسه باز میکند دختران و پسران و جوانان و پیران شب و روز بر روی نیمکتهای کلاس درس میخوانند . سالخوردگان میدانند که آسایش امروزی مفت و آسان بدست نیامده کوششها و زحمات مردمانی از خود گذشته و پاکدل راه را بر ما هموار کرده است . اما بطور قطع جوانان نسل معاصر از تاریخچه شروع مدارس جدید و خدمات رجال فرهنگی و سیاسی ما در این راه آگاهی کامل ندارند .

درست است که ایران دارای فرهنگی قدیمی است و همین منبع فیضان و جاویدان است که فیض بخش فرهنگ جدید ماست و اگر این چشمه فیاض نبود و این سرمایه روشنی بخش مدد نمیکرد کار علم و دانش باین سرعت پیشرفت نداشت . ممالکی می شناسیم که از ما زودتر به قبول فرهنگ جدید دست زدند ولی چون مایه و سابقه تمدن ما را نداشته اند با علاقه زیاد و زحمات رجال خود سرعت ما پیش نرفته اند ، چه قبول تمدن و فرهنگ

مانند قبول هردانشی استعداد و لیاقت میخواهد . داشتن سابقه و سرمایه تنها کافی نیست همت و فداکاری نیز لازم است تا ملتی دارای حیثیت فرهنگی و تمدنی درخشان گردد . اگر بسوابق تاریخی ایران توجه کنیم می بینیم پایه و اساس فرهنگ ما تمدن چندین هزارساله شاهنشاهی با عظمت ایران است . این تمدن عظیم پس از قبول اسلام رنگ دیگری بخود گرفت و فرهنگ عظیم اسلامی را بوجود آورد که اگر آن تمدن بوجود نمی آمد و بدیار غرب انتقال نمی یافت دنیای امروز روشنائی فعلی را نداشت . همان فلسفه و دانش اسلامی توأم با تمدن قدیم ایرانی بود که خمیرمایه علم و صنعت امروزی گشت و مجدداً از اروپا به مشرق بازگشت نمود .

وقتی ایرانیان خواستند باسلوب اروپائی مدارس جدید را بازکنند با مخالفت کهنه پرستان مغرض روبرو گشتند چه قبول وضع نو و تازه با مزاج آنها سازگار نبود و با تمام قوا با استوارگشتن روش نو مخالفت میکردند . اگر بخواهیم داستان رنج و مصیبت افرادی امثال مرحوم رشديه ، سعیدالعلماء ، میرزا یحیی دولت آبادی ، شاهزاده خانم فروغ مؤسس دبیرستان دخترانه فروغ مشهد و سایر خدمتگزاران معارف را شرح دهم مثنوی هفتاد من کاغذ شود . بخاطر دارم وقتی که درآماندگان برای افتتاح مدرسه دخترانه ای می رفتم مرحوم مایل تویسرکانی که در آن زمان مریض و بمنظور معالجه کنار دریا آمده بود مرا دید و از قصدم آگاه شد . با آه و تأثر گفت : چه آسوده خاطر میروی ! واضافه کرد وقتی برای اولین بار درآماندگان مدرسه دخترانه تأسیس کردم سنگباران شدم و نیز شنیدم وقتی مرحوم دولت آبادی مدرسه سادات را افتتاح میکرد یکی از سرشناسان در پای رقعۀ دعوت نوشت :

دولت که نمیخواهد ملت که نمیداند

این مدرسه بازی را بگذار کنار آخر

چه قصه ها که از دهان خدمتگزاران فرهنگ جدید ایران درباره نصب تابلو ، نامگذاری مدرسه ، زدن زنگ و غیره شنیدم که اگر بخواهم شرح دهم سخن بدرازا میکشد . برای آنکه تهمت مخالفان و کارشکنی آنانرا خنثی نمایند بانیان فرهنگ جدید چه تمهیدات و چاره اندیشیها که نکردند ؟ درمشهد برای آنکه اجامر و اوباش تابلوی مدرسه را پائین نکشند تابلوها را به طناب می بستند و هر وقت این گروه حمله می آوردند طناب را می کشیدند و تابلو را پشت بام میبردند .

محمول این فداکاریها و زحمات است که امروز به امر شاهنشاه آریامهر در دور افتاده ترین نقاط کشور و دردهات و قصبات مردم باشوق و ذوق از معلمین استقبال میکنند و وسائل کار آنان را خود فراهم میسازند حسن نیت و صداقت خدمتگزاران فرهنگ نو و استعداد و لیاقت ایرانی و سابقه درخشان تمدن قدیم راه را بر ما آسان کرد و این سرعت عجیب را در توسعه فرهنگ بوجود آورد .

چون ممکنست بعضی از خوانندگان محترم مرا طرفداری قید و شرط فرهنگ اروپائی بدانند با اینکه از هدف این مقاله دوراست باید مختصراً توضیح دهم که من با تقلید کورکورانه از روش تعلیم و تربیت اروپائی و آمریکائی سخت مخالفم و معتقدم باید اسلوب تحصیل و قوانین و مقررات مدرسه داری موافق با سنن و آداب ملی و مقتضیات محیط باشد. ماکه دارای ریشه کهن و سرمایه عظیم تمدن شاهنشاهی ایران قدیم و فلسفه عالی اسلامی هستیم باید هرچه میگیریم آنرا هم رنگ با تمدن و فرهنگ قدیم خودسازیم خلاصه کار ما در فرهنگ داری، در عالم مقایسه، پیوند زدن علوم جدید بپایه عظیم و مستحکم تمدن و فرهنگ قدیم ایران میباشد .

باری. مدارس ایران در عراق درست مقارن همان جنبش تجددخواهی در داخل کشور ایران ایجاد گردید و بانیان این مدارس نظیر همان مشکلات را بل عظیمتر و دشوارتر در پیش پا داشتند .

وقتی اینجانب مأمور خدمت در عراق شدم و از دهان معلمان بازنشسته و پیرمردان ایرانی مقیم عراق داستانها و حکایات و شرح فداکاریهای بانیان این مدارس را شنیدم دریغ آمد که نام مؤسسان این مدارس در مجموعه ای گردآوری نشود و برای آیندگان ثبت نگردد . بطوریکه در خلال سطور این مجموعه ملاحظه خواهید فرمود چه مردان بزرگی با صرف وقت و مال این مدارس را بوجود آوردند و چه دانشمندانی نظیر استاد ارجمند جناب آقای سید محمد کاظم عصار برای ممانعت از تعطیل مدارس مجاناً بتدریس پرداختند. بنابراین سزاوار و واجب بود که ضمن این تاریخچه مختصر و در حد امکان نام عده ای از خدمتگزاران بفرهنگ و ادب ایران در کشور همسایه ثبت و بدست تاریخ سپرده شود .

از درگاه خداوند متعال برای درگذشتگان طلب مغفرت مینماید و توفیق سایرین را در ادامه خدمت مسئلت دارد .

تاریخچه

روابط سیاسی ایران و عراق

اگرچه رشته الفت و دوستی بین ایران و عراق ریشه دار و قدیمی است ولی تاریخ شروع روابط سیاسی بین ایران و عراق را میتوان پس از شناسائی عراق توسط دولت ایران دانست که در تیر ماه ۱۳۰۸ شمسی انجام گردیده است و متعاقب آن وزیر مختار ایران در دربار عراق تعیین و اعزام گردید . در هنگام تأسیس رابطه سیاسی ، درجه نمایندگی ایران سفارت بود و بعد سفارت کبرای شاهنشاهی تبدیل گردید تاکنون ۲۱ تن از سفرای ایران بریاست نمایندگی بدرجه وزیر مختاری و سفارت کبری بعراق آمده اند که از کلیه آقایان استدعا شد بیوگرافی و مدت خدمت و خاطرات خوش و تلخ خویش را مرقوم دارند تا در این کتاب چاپ گردد. آقایانی که پاسخ نداده اند ناگزیر بذکر اسم و مدت خدمت آنان اجمالاً اکتفا میشود و عکس و شرح حال آنانکه لطف بیشتر داشته اند باختصار درج میگردد .

* * *

اولین مأمور دولت شاهنشاهی که برای شناسائی دولت عراق ببغداد آمد و سپس با عنوان وزیر مختار مدتی انجام وظیفه نمود آقای نصرالملک هدایت بوده اند و پس از آن بترتیب رؤسای نمایندگی شاهنشاهی در عراق بشرح زیر تعیین شده اند :

- ۲ - جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیرمختار از تاریخ پنجم تیر ۱۳۰۸ الی نوزدهم بهمن ۱۳۰۹
 - ۳ - جناب آقای تقی‌نبوی وزیرمختار از تاریخ نوزدهم بهمن ۱۳۰۹ الی آخر خرداد ماه ۱۳۱۱
 - ۴ - جناب آقای باقر کاظمی وزیرمختار از تاریخ اول شهریور ۱۳۱۱ الی بیستم شهریور ماه ۱۳۱۲
 - ۵ - جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیرمختار مجدداً از اول آذرماه ۱۳۱۲ الی فروردین ۱۳۱۵
 - ۶ - جناب آقای مظفر اعلم وزیرمختار از تاریخ دوم اسفند ۱۳۱۵ الی سیزدهم مرداد ۱۳۱۷
 - ۷ - جناب آقای موسی نوری اسفندیاری (موفق السلطنه) وزیر مختار از تاریخ نوزدهم مرداد ۱۳۱۷ الی یازدهم تیرماه ۱۳۱۹
 - ۸ - جناب آقای محمدحسین نجم وزیرمختار از تاریخ دوازدهم تیرماه ۱۳۱۹ الی ششم مهرماه ۱۳۱۹
 - ۹ - جناب آقای موسی نوری اسفندیاری وزیرمختار از ۱۴ ر ۱۰ ر ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ ر ۱۱ ر
 - ۱۰ - جناب آقای محسن رئیس وزیرمختار از تاریخ اول فروردین ۱۳۲۲ تا سوم خرداد ماه ۱۳۲۶
- جناب آقای محسن رئیس فارغ التحصیل دانشکده حقوق ژنو (سویس) هستند و قبل از این تاریخ علاوه بر تصدی ادارات مختلف مرکزی وزارت خارجه عهده‌دار مقامات مشروحه زیر بوده‌اند : وزیرمختار در برلن - مدیر کل سیاسی وزارت امور خارجه - وزیرمختار در کشورهای بالکان - وزیرمختار در فرانسه (ویشی) - وزیر پست و تلگراف و تلفن .
- بعد از مأموریت بغداد که از طولانی‌ترین دوره مأموریت سفرای ایران در عراق بوده است مشاغل زیر را بعهدہ گرفته‌اند .
- سفیر کبیر در انگلستان - وزیر امور خارجه - سفیر کبیر در فرانسه - استاندار آذربایجان - سفیر کبیر در لاهه (هلند) - مجدداً سفیر کبیر در انگلستان - مجدداً سفیر کبیر در فرانسه و اکنون سناتور مجلس سنا .
- دوران مأموریت جناب آقای محسن رئیس در عراق مصادف با جنگ دوم جهانی بود که این وظیفه خطیر همجواری توأم با مشکلات موجود را

بر اثر توجه و دورانیشی شاهنشاه آریامهر با حسن وجه انجام داده اند .
۱۱ - آقای علی اصغر کیوانی کاردار موقت از تاریخ ششم خرداد

۱۳۲۶ الی فروردین ۱۳۲۷

۱۲ - جناب آقای محمد شایسته در تاریخ اول فروردین ۱۳۲۷ بسمت وزیر مختار شاهنشاهی در بغداد منصوب شده اند و در تاریخ اسفند ۱۳۲۹ که سفارت بغداد بسفارتکبرای ارتقاء یافته است بمقام سفیر کبیری ارتقاء یافته اند و تا ۲۹ فروردینماه ۱۳۳۰ در سفارتکبرا انجام وظیفه نموده اند .

۱۳ - جناب آقای حسین قدس نخعی سفیر کبیر از ۳۱/۲/۳۰ تا ۳۱/۷/۳۰ - جناب آقای قدس نخعی صاحب تألیفاتی هستند و دیوان رباعیاتشان از طرف چند نفر از شعرا و دانشمندان عراق بزبان عربی نظماً ترجمه گردیده است
۱۴ - جناب آقای مظفر اعلم سفیر کبیر از تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۳۲

تا اول شهریور ۱۳۳۲

۱۵ - جناب آقای قدس نخعی سفیر کبیر از تاریخ ۲۷/۸/۱۳۳۲

تا ۲۴/۵/۱۳۳۵

۱۶ - تیمسار سر لشکر نادر باتما نقلیچ (فعلاً سپهبد) سفیر کبیر از

تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۳۵ الی هفتم آبانماه ۱۳۳۷

تیمسار باتما نقلیچ در یک خانواده مشهور سپاهی دیده بجهان گشوده ، پس از اتمام دوره تحصیلات نظامی در مدرسه نظام و دانشکده افسری ، بخدمت پرداخته در محاربات جنوب غرب کشور و سرکوبی متجاوزین شرکت داشته اند و بر اثر ابراز لیاقت بدریافت نشان سپه و همایون از درجه یک مفتخر گردیده اند سپس با هیئتی مأمور خرید اسلحه در اروپا و امریکا شده پس از انجام خدمات شایسته و تحمل مصائب زیاد و صدمات جانی بایران مراجعت نموده اند - در مدت اقامت در اروپا دوره دانشکده افسری سویس و دوره های تخصصی مختلفی را طی نموده در آغاز جنگ دوم جهانی بریاست ستاد لشکر دوم مرکز منصوب و بعداً ریاست ستاد کل ارتش شاهنشاهی را عهده دار بوده اند و پس از گذراندن دوره اسارت انگلیسها در اردو کشی بآذربایجان شرکت کرده اند - پس از آن بسمت سفارت کبرای شاهنشاهی در کشور پاکستان انجام خدمت نموده و بعد از آن مأمور سفارت کبرای شاهنشاهی در بغداد شده اند - چندی نیز وزارت کشور را بعهده داشته و بمقام ژنرال آجودانی اعلی حضرت همایونی مفتخر شده اند مدتی نیز در هیئت بین المللی نظامی پیمان مرکزی نمایندگی دائمی

ارتش شاهنشاهی را بعهدہ داشته‌اند .
از آن پس با سمت نیابت تولیت آستان قدس رضوی و استانداری خراسان،
در مشهد مقدس تا تاریخ خرداد ۱۳۴۶ انجام خدمت نموده‌اند .
۱۷ - جناب آقای امان‌الله اردلان سفیر کبیر از تاریخ ۲۶ دی ۱۳۳۷
الی اول اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

جناب آقای اردلان سالهای متمادی شاغل مشاغل مهمه بوده اند اولین
سمت دولتی ایشان عضویت در وزارت تجارت بود . سپس مراحل ترقی را
در پرتویاقت و کاردانی خویش طی کرده متدرجاً بمقامات : پیشکاری دارائی -
مدیریت کل وزارت کشور - حکمرانی - استانداری - وزارت دروزارتخانه‌های
فوائد عامه و تجارت و صناعت - بهداری - دارائی - اقتصاد ملی و صنایع -
دادگستری - راه - کشور نائل آمده‌اند .

در ادوار تقنینیه دوم و سوم و پنجم و هیجدهم و نوزدهم بنمایندگی
ملت در مجلس شورای ملی انتخاب و مخصوصاً طرح رد کردن اولتیماتوم
دولت تزارای روسیه که در دوره دوم تقنینیه بتصویب رسیده از پیشنهادات
ایشان بوده است . جناب آقای اردلان هنگام تصدی سفارت کبیرای شاهنشاهی
در عراق نیز بمنظور تأمین رفاه حال اتباع دولت شاهنشاهی و تدارک وسائل
مراجعت آنعده که قصد بازگشت بوطن مألوف داشتند اهتمام کامل مبذول
داشته‌اند .

۱۸ - جناب آقای یدالله عضدی سفیر کبیر از تاریخ هفتم اردیبهشت
۱۳۳۹ الی دوازدهم شهریور ۱۳۳۹
۱۹ - جناب آقای عباس آرام سفیر کبیر از تاریخ یازدهم مهر الی
دوازدهم فروردین ۱۳۴۱

مشاغلی که تاکنون جناب آقای آرام عهده‌دار بوده‌اند ازین قرار است :
وابسته سفارت شاهنشاهی درلندن - دبیر دوم سفارت شاهنشاهی
درلندن - کارمند مقدم اداره سوم سیاسی - دبیر سفارت ایران درواشنگتن -
رئیس اداره چهارم سیاسی رایزن سفارت شاهنشاهی درواشنگتن - وزیر
مختار سفارت ایران درواشنگتن - مدیر کل سیاسی وزارت امور خارجه در سال
۱۳۳۶ - سفیر کبیر ایران در توکیو و در سال ۱۳۳۸ بسمت وزیر امور خارجه
و در سال ۱۳۳۹ بسمت سفیر کبیر شاهنشاهی در بغداد انتخاب شدند و در کابینه
آقای دکتر امینی ۱۳۴۰ وزیر امور خارجه بوده در کابینه آقای علم نیز بهمین



تیمسار سہید باتمانقلیچ



جناب آقای محسن رئیس



جناب آقای آرام



جناب آقای اردلان



جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی

سمت و در کابینه آقای حسنعلی منصور در روز شنبه هفدهم اسفند ۴۲ بحضور شاهنشاه بعنوان وزیر امور خارجه معرفی گردیدند و در کابینه آقای امیرعباس هویدا نیز بوزارت امور خارجه منصوب شدند . در تاریخ دیماه ۱۳۴۵ بسفارت کبرای شاهنشاهی در لندن منصوب و بمحل خدمت عزیمت نمودند - آقای آرام بزبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی دارند .

۲۰ - جناب آقای دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی ابتدا وزیر مختار و کاردار موقت بوده سپس بمقام سفیر کبیری ارتقاء یافته‌اند و مأموریتشان در عراق از تاریخ ۱۲/۱/۴۱ الی اول تیرماه ۱۳۴۳ ادامه داشته است .

جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی از سال ۱۳۱۸ بخدمت دروزارت آموزش و پرورش مشغول گردیده مشاغلی از قبیل دبیری ادبیات و فلسفه - بازرس فنی - بازرس عالی و مدیریت کل را عهده‌دار بوده‌اند . از سال ۱۳۲۸ بوزارت امور خارجه منتقل و تا قبل از ارتقاء بمقام سفیر کبیری در مشاغل رایزنی فرهنگی در پاکستان و هند - مشاور فرهنگی و مطبوعاتی وزارت امور خارجه رئیس اداره روابط فرهنگی - رئیس اداره اطلاعات و مطبوعات - رئیس اداره پنجم سیاسی انجام خدمت کرده‌اند . جناب آقای دکتر مشایخ

فریدنی درپست سفارت کبرای شاهنشاهی در عراق بسهم خویش منشاء خدماتی بوده از نظر علم و اطلاع بزبان و ادبیات عربی عضویت فرهنگستان عرب نیز نائل آمده اند فعلاً سفارت کبرای شاهنشاهی را در عربستان سعودی عهده دار میباشند .

۲۱ - جناب آقای دکتر سیدمهدی پیراسته از تاریخ هفدهم بهمن ۱۳۴۳ تا کنون سفیر کبیر شاهنشاهی در بغداد میباشند . متأسفانه جناب آقای دکتر پیراسته هم از آنجمله آقایان سفرائی هستند که بیوگرافی و شرح مشاغل و مقاماتشان را مرحمت نفرموده اند ولی تا آنجا که از سوابق ایشان اطلاع حاصل است معظم له پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه و عالی در طهران برای تکمیل تحصیلات عالی به اروپا رفتند و از دانشگاههای سویس و فرانسه درجه دکتری در حقوق گرفته اند. کاریر اصلی خدمتشان در دادگستری است چند دوره تقنینیه بنماینده گی مجلس شورای ملی انتخاب شدند و چندسالی استاندار فارس و خوزستان بودند و در این دو پست مصدر خدمات و منشاء آثاری واقع شده اند که هنوز ورد زبان خوزستانیها و شیرازیهای مشکل پسند است. در کابینه جناب آقای اسدالله علم سمت وزیر کشور داشتند و در پست سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در عراق با وجود آنکه مدت خیلی از آن میگذرد خدمات ارزنده ای در جهات مختلف منجمله بهبود وضع مدارس و آسایش دانش آموزان دبستانها و دبیرستانها انجام داده اند و توفیقاتیکه از این رهگذر نصیب سرپرستی گردیده مولود تلاشهای پی گیر و زحمات فراوان معظم له میباشد .

روابط ادبی

حال که شمه‌ای از روابط سیاسی و فرهنگی ایران و عراق سخن رفت
شایسته است بر روابط ادبی دو شاعر بزرگ معاصر ایران و عراق نیز بالا جمال
اشاره شود و صفحه‌ای از این تاریخ با آثار ادبی آن دو سخنور نامی مزین گردد.
در سال ۱۳۱۳ خورشیدی که جشن هزاره فردوسی در ایران برگزار
گردید و دانشمندان بزرگ اکثر کشورهای اروپائی و آسیائی و غیره در آن
جشن‌ها شرکت داشتند شادروان جمیل صنفی‌الزهاوی شاعر و دانشمند بزرگ
عراق نیز در جمع شرکت‌کنندگان حضور یافت و با ملک الشعراء بهار سخنور
نامی ایران از نزدیک آشنا شد و در چند روز اقامت او در تهران رشته محبت
و الفت بین آنان مستحکم گشت . پس از در گذشت وی که چند سال بعد در خاک
عراق رخ داد بهار در رثاء او ترکیب‌بندی بس‌عالی و جان‌سوز سرود که
مورد توجه و تحسین ادباء ایران و عراق قرار گرفت .

* * *

اینک چند بند از آنرا زینت‌بخش این تاریخچه مینمائیم .

دجله بغداد بر مرگ زهاوی خون گریست
نی‌خطا گفتم که شرق از نیل تاجیحون گریست

اشک‌ریزان شد عراق از ماتم فرزند خویش
 همچو یونان کز غم هجران افلاطون گریست
 زین بلای عام یعنی مرگ سلطان سخن
 مردم شهری بشهر و بدو در هامون گریست
 از غم شعر روانش فکر از گردش فتاد
 در فراق طبع پاکش لفظ برمضمون گریست
 زدگریبان چاک نظم و ریخت بر سر خاک نثر
 از غم او هریکی موزون و ناموزون گریست
 دوش بر خاک مزارش خیمه زد ابر بهار
 خواست تادهرجرش از چشم بهار افزون گریست
 خنده‌ای دندان‌نما زد برق و گفتا کای حسود
 قطره کمترزن تو آب افشانی و او خون گریست

ایها الزورا تو استادان فراوان دیده‌ای
 شاعرانی فحل و مردانی سخندان دیده‌ای
 گر ندیدیستی لبید و اخطل و اعشی و قیس
 دعبل و بوطیب و بشار و مروان دیده‌ای
 بونواس و بوتمام و بوالعلا و بوالاسد
 ابن معتز و ابن خازن و ابن حمدان دیده‌ای
 راست پرسم راست گو مانند صدقی جمیل
 کی وطن‌خواهی سخن گستر بدوران دیده‌ای
 زان کسان نشنیده‌ای الا نشید مدح و فخر
 یا هجا پرداز یا رند غزلخوان دیده‌ای
 بگذر از بوطیب و بر بند چشم از بوالعلا
 گر بحکمت شعرهائی چند از ایشان دیده‌ای
 زان حکیمان کهن کی چون زهاوی شعرنو
 در وطن‌خواهی و آبادی و عمران دیده‌ای

هیچ شادی نیستی گر در جهان غم نیستی
 نیستی گر هیچ غمگین هیچ خرم نیستی

روح را رنج دمامد خسته سازد در جهان
 کاشکی اندر جهان رنج دمامد نیستی
 گر زهاوی رفت ازوی چند دیوان بازجاست
 رنج ما پیوسته‌تر بودی گر اینهم نیستی
 در بهشت است او ولی فخر از جهنم میکند
 نیز کردی فخر اگر شعر جهنم نیستی
 زاهد از طامات اگر بدگفت او را باک نیست
 نیستی خفاش اگر عیسی بن مریم نیستی
 حکمت و اخلاق کافی بودی اندر فضل او
 فی‌المثل گر ملک شعر او را مسلم نیستی
 خشک ریش درد ماندی در دل از داغ غمش
 گر خود از شعر ترش در سینه مرهم نیستی

گفتم از ری رخت بر بندم سوی بغداد من
 پیشواز آید شوم از دیدنش دلشاد من
 جای سازم در وثاقش ، طرف بندم از رخس
 بهره‌ها برگیرم از دیدار آن استاد من
 دیدنم را سر کند از دل مبارکباد او
 دیدنش را سر کنم از دل مبارکباد من
 برکران دجله بغداد بنشینیم شاد
 چاه‌های پر خواند او شعری کنم بنیاد من
 وصف‌ها گوید ز لطف دامن البرز او
 شعرها خوانم بوصف دجله بغداد من
 کی گمان بردم زهاوی جان سپارد وانگهی
 مرثیت گویم من اندر ماتمش ای داد من
 از کفم یاری چنان این چرخ کج‌بنیاد برد
 داغها دارم بدل زین چرخ کج‌بنیاد من

روح صدقی درجنان شاداست گوئی نیست هست
 جاودان از محنت آزاداست گوئی نیست هست

در بهشت خاطر و گلخانه افکار خویش
 همنشین با سروشمناد است گوئی نیست هست
 روح شاعر غیر زیبائی نجوید در جهان
 خاصه آنکو پیر استاد است گوئی نیست هست
 هر که زیبائی بجوید غرقه در زیبائی است
 زانکه خود زیبا ز بنیاد است گوئی نیست هست
 روح چون زیبا بود او را خدا جویا بود
 این حدیث از نبی یاد است گوئی نیست هست
 نیست مشکل گر بحق واصل شود روح جمیل
 گرجز این گوئیم بیداد است گوئی نیست هست
 غرق غفران باد روحش وین دعا را بی خلاف
 جبرئیل آمین فرستادست گوئی نیست هست

* * *

چون یادی از شادروان جمیل صدقی شاعر بزرگ عرب شد مناسب
 است یکی از آثار نظمی او را نیز که بمناسبت جشن هزاره فردوسی در تهران
 بزبان پارسی سروده است در اینجا بیاوریم و روح آن مرد دانشمند را با ذکر
 خیر و طلب آمرزش شاد نمائیم - خدایش بیامرزد .

* * *

بعد از هزار سال

بفردوسی از من سلامی برید	پس از عرض حرمت پیامی برید
که ای شاعر خفته در زیر خاک	نهان از نظر دور از جان پاک
نمانده بگورش نشانی ازو	بجز ریزه استخوانی ازو
سر از خاک بردارو آنگه ببین	چه شورست بهرت بروی زمین
مگو مرده ام گرچه تو مرده ای	که تو در دل یکجهان زنده ای
فرو ریخت اعجاز از خامهات	بیفزود از آن قدر شهنامهات

جهانی برای تو جمع آمده	برای ثنای تو جمع آمده
ز هر مملکت صد صدا میرسد	ز هر سو نوائی جدا میرسد
چو پرشد زشعرت زمین و زمان	ستودند نام تو در هر زبان
هزارست در قبر خود خفته‌ای	ولی زنده است آنچه تو گفته‌ای
نوشتی به سی سال شهنامه را	نیفکندی از دست خود خامه را
در آخر شه غزنه بیداد کرد	درم جای زر داد و ناشاد کرد
ندانست قدر ترا غزنوی	بگو درس گیر از شه پهلوی
کرین امپراطور ایران زمین	که روشن از او هست دنیا و دین
جهانی ز عدل وی آباد شد	دل خلق در هر طرف شاد شد
مرادش همه پیش رفتن بود	سر آفت شرق خفتن بود

خدایا همیشه ورا زنده‌دار
بهر روز دلشاد و فرخنده دار

تاریخچه مدارس ایران در عراق

نیم قرن پیش که زمزمه حریت و آزادی در گوشه و کنار ایران بلند شد ایرانیان مقیم عراق نیز سابقه روح آزادی و آزادیخواهی از پای ننشسته به پیشوائی روحانیون عالیقدر از قبیل آیات الله مرحومین آخوند ملا محمد کاظم خراسانی - حاجی میرزا حسین میرزا خلیل - شیخ عبدالله مازندرانی و امثالهم با مشروطه خواهان ایران همصدا شده انجمنهائی برای پیشرفت مشروطه و بسط و توسعه فرهنگ ایرانی در خاک عراق تأسیس کردند. مرحوم حاجی علی اکبر اهرابی در کاظمین انجمن اخوت و مرحوم شیخ عبدالله اندرمانی و میرزا هادی شهرستانی در کربلا انجمن مساوات و مرحوم آقا محمد محلاتی در نجف اشرف انجمن علمیه را دایر نمودند. سرزمین عراق در آن زمان جزء قلمرو حکومت عثمانی بشمار میرفت که تصادفاً در کشور مزبور نیز قیامهائی علیه حکومت استبدادی سلطان عبدالحمید بعمل آمد و منجر بسقوط و تغییر رژیم گردید بهمین جهت فعالیت انجمنهای ملی ایرانیان مقیم عراق مورد توجه و تأیید آندولت قرار گرفت و حتی از کمکهای مالی باین انجمنها دریغ نورزیدند. انجمنها نیز با استفاده از کمکهای آزادیخواهان عثمانی و مساعدتهای دولت عراق و مخصوصاً همت عالی اعضای آن توانست سه باب دبستان با سامی دبستان علوی نجف - دبستان حسینی کربلا و دبستان اخوت کاظمین را تأسیس کند و اطفال ایرانی را به زبان مادری و ادب فارسی آشنا و طبق برنامه فرهنگ ایران

پرورش دهد.

این جریانات بطور کلی در سنوات ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ هجری قمری بوقوع پیوست پیشرفت این موسسات فرهنگی سبب شد که عراقیان نیز در آن زمان رغبت کنند فرزندان خویش را بمدارس ایرانی بپارند بطوریکه بعضی از رجال برجسته عراقی مانند فاضل جمالی نخست وزیر سابق و مشاور سیاسی فعلی حبیب بورقبیه رئیس جمهور تونس - عبدالکریم ارزی وزیر مالیه پیشین عبدالامیر ارزی وزیر شئون اجتماعی پیشین - عبدالجبار چلبی وزیر اقتصاد و کشاورزی سابق سید باقر ملاط وزیر دربار سابق و غیرهم . از فارغ التحصیلان مدارس ما هستند . دولت عثمانی هم فارغ التحصیلان مدارس ایرانی را بدون هیچگونه قید و شرطی در مدارس عثمانی میپذیرفت این وضع تا قبل از جنگ بین المللی اول (۱۸ - ۱۹۱۴ میلادی) ادامه یافت. درگیر شدن جنگ جهانی اول وانسداد طرق و قطع شدن اعانات و علل وعوامل دیگر لطافات فراوانی بمدارس ایرانی وارد آورد و چیزی نمانده بود که تمام مدارس ایرانی در محاق تعطیل قرار گیرد و زحمات چندین ساله روحانیون و رادمردان به دررود اما همت والای ایرانیان مقیم عراق بر مشکلات فائق آمد و تنها یکباب مدرسه مرتضوی که با مساعی شادروان حاج میرزا عبدالرحیم بلبله در نجف تشکیل یافته بود بعلت مهاجرت وی به هندوستان منحل گشت ولی در عوض سه باب مدرسه یکی در بغداد بنام شرافت ایرانیان بوسیله هیات مدرسه شرافت و یکی در کربلا بنام مدرسه احمدی باهتمام آقا شیخ مهدی رئیسی و یکی در بصره بنام دبستان پهلوی ایرانیان تأسیس شد که مدرسه احمدی بعداً ضمیمه دبستان حسینی کربلا گردید. انجمن ها تصمیم گرفتند مدارس موجود را صرفاً ب سرمایه خویش وبا استفاده از کمکهای زوار ایرانی دائر نگاهدارند و بدین ترتیب مدارس پنجگانه زیر تأسیس و نگاهداری شد .

۱ - دبستان اخوت کاظمین در سال ۱۳۲۵ هجری قمری بهمت انجمن اخوت ایرانیان مقیم کاظمین .

۲ - دبستان علوی نجف در سال ۱۳۲۶ هجری قمری بهمت هیأت علمیه نجف .

۳ - دبستان حسینی کربلا در سال ۱۳۲۷ هجری قمری بهمت انجمن مساوات .

۴ - دبستان شرافت بغداد در سال ۱۳۳۶ هجری قمری بهمت انجمن شرافت ایرانیان .

۵ - دبستان پهلوی بصره در سال ۱۳۴۰ هجری قمری بهمت ایرانیان مقیم بصره .

آموزشگاههای مزبور تا سال ۱۳۰۷ هجری شمسی کاملاً ملی بود و بدست ایرانیان و از کیسه فتوت و مردانگی آنان و زوار پاکدل اداره میشد . از حسن اتفاق در سال ۱۳۰۴ اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر پس از تصفیۀ کار خوزستان بمنظور زیارت اعتاب مقدسه به عراق نزول اجلال فرمودند . ایرانیان مقیم ضمن عرض گزارش وضع مدارس از اعلیحضرت فقید که در آن تاریخ مقام ریاست وزراء و فرماندهی کل قوا را داشتند استدعا کردند توجه مخصوصی باین آموزشگاهها مبذول فرمایند . اعلیحضرت فقید دستور فرمودند ماهانه مبلغ یکمصد تومان بعنوان کمک خرج بهر یک از مدارس ایرانی پرداخت شود و این امر مدت سه سال ادامه داشت و ایرانیان اصرار داشتند که این مدارس از صورت ملی بودن خارج شده در اختیار وزارت فرهنگ قرار گیرد و باصطلاح «دولتی» شود . باین جهت آقای احمد سعیدی بمنظور بررسی وضع مدارس به کشور عراق آمدند و گزارش مدلل ایشان موجب گردید که از سال ۱۳۰۷ بعد مدارس پنجگانه فوق الذکر دولتی شناخته شود و کلیۀ هزینههای نگاهداری آن از طرف وزارت فرهنگ ایران پرداخت گردد . در این موقع آقای احمد امین بعنوان نخستین سرپرست مدارس ایرانی در عراق منصوب گردیدند .

تجربه نشان داده است که تعلیم و تربیت دختران که مادران فردای جامعه هستند در اشاعه و رسوخ دانش و خرد و تقویت ملیت بیشتر موثر است تا تعلیم و پرورش پسران . هم اکنون در عراق خانوادههایی هستند که رئیس خانواده همسر ایرانی دارد و بهمین جهت فرزندان آن خانواده بدون استثناء بزبان مادری یعنی زبان شیرین پارسی آشنایی و تسلط کامل دارند . از طرف دیگر ایرانیانی در عراق سکونت دارند که بعلت داشتن همسران عراقی متأسفانه زبان فارسی از آن خانوادهها بکلی رخت بر بسته است . باین ملاحظات از چندین سال قبل سعی و کوشش شد که مدارس دخترانه بموازات مدارس ایرانی پسرانه در عراق تأسیس شود . نتیجتاً در سال ۱۳۳۶ شمسی دوباب دبستان دخترانه باسامی ثریا و شهر بانو در بغداد و کاظمین دائر گردید و باهمه مشکلات مالی و سیاسی که وجود داشت سال گذشته در کربلا یکباب کودکستان و دبستان



آقای احمد سعیدی

دخترانه تأسیس شد سال تحصیلی آینده نیز بفضل الهی و توجهات ملوکانه در نظر است که مدرسه دخترانه در نجف اشرف تأسیس شود تا دختران ایرانی بیش از این خانه نشین نشوند و یا اضطراراً به مدارس دیگر نروند .

باری - در حال حاضر ه باب دبستان پسرانه در بغداد و کاظمین و کربلا و نجف و بصره و سه باب دبستان دخترانه در بغداد و کاظمین و کربلا - دو باب دبیرستان دوره اول متوسطه پسران در کربلا و نجف و یک باب دبیرستان کامل پسران (شعبه طبیعی) در شهر بغداد دائر است . در این مدارس بالغ بر ۳۷۰۰ نفر دانش آموز تحصیل می کنند که در بین آنان فرزندان اتباع کشورهای هند و پاکستان و افغانستان بتعداد زیاد دیده می شوند و خود این موجب خوشوقتی است که بدینوسیله زبان شیرین فارسی در میان اتباع همسایه مقیم عراق نیز رواج و رونق پیدا کرده است . ناگفته نماند ، برای آنکه کلیه ایرانیان مقیم از نعمت سواد و تکلم بزبان فارسی محروم نمانند در مهرماه سال ۱۳۳۶ شمسی در بغداد و کربلا کلاسهای اکابر شبانه افتتاح گردید این کلاسها بدوای دوسه کلاسه بود ولی بر اثر اقبال و حسن تلقی ایرانیان متدرجاً کلاسهای بالاتر دایر و اکنون شش کلاسه شده است و عده کثیری از ایرانیان پسران فراغت از کارهای روزانه در آن بتحصیل علم و فراگرفتن زبان و ادب فارسی اشتغال دارند .

اداره سرپرستی

اداره سرپرستی بموازاات دولتی شدن مدارس در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی دائر گردید واسامی آقایان سرپرستانیکه از ۳۷ سال قبل تاکنون مصدر امور بوده اند بشرح زیر می باشد :

۱- آقای احمد امین از سال ۱۳۰۷ هجری شمسی تا سال ۱۳۰۹ هجری شمسی

۲- آقای محمدصادق نشأت از سال ۱۳۰۹ هجری شمسی تا سال ۱۳۲۵

۳- آقای حسن مبرهن از سال ۱۳۲۵ هجری شمسی تا سال ۱۳۲۶

۴- آقای سید عبدالحسین خلخالی از سال ۱۳۲۶ هجری شمسی تا سال

۱۳۲۷ هجری شمسی بسمت کفالت

۵- آقای مصطفی زمانی از سال ۱۳۲۷ هجری شمسی تا سال ۱۳۳۰

هجری شمسی

۶- آقای عبدالله رهنما از سال ۱۳۳۰ هجری شمسی تا سال ۱۳۳۶

۷- آقای مصطفی زمانی (مجدداً) از سال ۱۳۳۶ هجری شمسی تا

سال ۱۳۳۹ هجری شمسی

۸- آقای محمدقازی نوری از سال ۱۳۳۹ هجری شمسی تا سال ۱۳۴۰

هجری شمسی بسمت کفالت

۹- آقای مصطفی زمانی (مجدداً) از سال ۱۳۴۱ هجری شمسی تا سال

۱۳۴۲ هجری شمسی



شریفایی هیئت سرپرستی در کاخ مرمر (تهران) بحضور شاهنشاه

۱۰- آقای علی اکبر کوثری از سال ۱۳۴۲ هجری شمسی تاکنون اگرچه در خلال مدت سی و هفت سال که از تأسیس اداره سرپرستی میگذرد بر تعداد مدارس و کلاسها افزوده شد و رسیدگی با امور رایزنی فرهنگی نیز مزید بر وظایف گردید مع هذا در کادر اداری سرپرستی تغییر فاحشی داده نشد زیرا چون اصل و بنای کار بر تمشیت امور تعلیماتی و تکمیل کادر مدارس بود لذا آقایان سرپرستان اعزامی کمتر ب فکر توسعه سازمان اداری برآمدند و امور محوله را با کادر محدود و افراد معدود که غالباً عصره انیز در اداره کار میکنند . فیصله بخشیدند .

سازمان اداری سرپرستی در حال حاضر

- ۱- آقای علی اکبر کوثری رایزن فرهنگی و رئیس اداره سرپرستی
- ۲- آقای مهدی پرتوی معاون اداره سرپرستی و رایزنی فرهنگی
- ۳- آقای جعفر سلماسی رئیس اداره امور تربیتی
- ۴- آقای حسین غفاری رئیس حسابداری و کارگزینی
- ۵- آقای ابراهیم حکیمزاده بایگان و صندوقدار و مترجم
- ۶- آقای سید مهدی ریپور متصدی اموال
- ۷- آقای سید حسین یزدانیان متصدی امور دفتری



آقای مصطفی زمانی

آقای زمانی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی علوم ریاضی را در دانشسرای عالی بیابان رسانیده و از بهمن ماه ۱۳۱۳ با سمت دبیری بخد مت وزارت آموزش و پرورش درآمده اند و بعداً مراحل مختلفی از قبیل بازرسی فنی - نظامت و ریاست دبیرستان - کفالت و مدیریت کل فرهنگ تهران و خراسان و معاونت ثابت و پارلمانی وزارت آموزش و پرورش را با حسن اداره و لیاقت کامل پیموده اند و در سال ۱۳۲۷ برای مطالعه در امور فرهنگی و آموزشی با ر و پا مسافرت نموده اند .

آقای زمانی در خلا ل خدمات فرهنگی خود در سه نوبت متناوب سمت رایزنی فرهنگی و سرپرستی مدارس ایرانیان را در عراق عهده دار شده بدین جهت ادوار خدمت ایشان طولانی ترین ادوار سرپرستی بوده است و توانسته اند در دوران خدمت خود خدمات ذیقیمتی بفرهنگ و زبان فارسی در کشور عراق انجام دهند خدمات ایشان مورد نظر عموم ایرانیان مقیم عراق بوده و نام ایشان به نیکی یاد میشود . اکنون مقام معاونت پارلمانی وزارت فرهنگ و هنر را عهده دار میباشند .

سرپرستان سابق



آقای عبدالحسین خلخالی



آقای محمدصادق نشأت



آقای عبدالله رهنما



آقای جعفر سلماسی

اعضاء سرپرستی فعلی



آقای سیدمهدی ریهور



آقای مهدی پرتوی



آقای حسین یزدانیان



آقای حسین غفاری

مدارس ایرانی در عراق

۱ - دبستان و دبیرستان شرافت - بغداد

دبستان شرافت در سال ۱۳۳۶ هجری قمری بهمت انجمن شرافت ایرانیان تأسیس گردید و بهزیینه‌اعضای انجمن و سایر ایرانیان مقیم بغداد اداره میشد. سال ۱۳۰۴ هجری شمسی که اعلیحضرت فقید از طریق خوزستان بعراق تشریف‌فرما شده بودند دستور فرمودند که از طرف وزارت فرهنگ ایران ماهانه یکصد تومان بهریک از مدارس ایران در عراق منجمله دبستان شرافت بعنوان اعانه داده شود. دبستان مزبور در سال ۱۳۰۷ شمسی مانند سایر مدارس ایران در عراق بصورت دولتی درآمد و از آن تاریخ زیر نظر سازمان سرپرستی اداره میشود، نام اولیه‌اش (مدرسه ایرانیان در بغداد) بود در سنوات اولیه فقط چهار کلاس ابتدائی داشت در سال تحصیلی ۱۱ - ۱۳۱۰ کلاس پنجم و در سال تحصیلی ۱۲ - ۱۳۱۱ کلاس ششم ابتدائی بآن علاوه گردید، مدت پنج سال بدین منوال گذشت تا اینکه در سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۱۶ کلاس اول متوسطه و سنوات بعد کلاسهای دوم و سوم متوسطه بآن ضمیمه شد. در سال (۳۳ - ۱۳۳۲) بر اثر کوشش سرپرستی و مجاهدت آقایان دبیران کلاس چهارم طبیعی افتتاح و دو سال بعد کلاسهای پنجم و ششم طبیعی نیز دائر گردید و اکنون بصورت دبیرستان کامل متوسطه و مجهز بکلیه وسائل آزمایشگاهی اداره میشود.

آزمایشگاه فیزیک این دبیرستان اهدائی سازمان یونسکو میباشد
ولی آزمایشگاههای شیمی و طبیعی از بودجه سرپرستی دایر گردیده. احتیاجات
آقایان دبیران را از لحاظ تدریس عملی کاملاً تأمین میکند. دبستان و دبیرستان
شرافت دارای ۶۰۶ نفر دانش آموز بشرح زیر میباشد :

دبیرستان			دبستان		
کلاسها	تعداد کلاس	کلاسها	تعداد کلاس	کلاسها	تعداد کلاس
کلاس اول	۲	۱۰۱ نفر	کلاس اول	۲	۶۲ نفر
» دوم	۲	» ۸۲	» دوم	۱	» ۳۹
» سوم	۲	» ۷۵	» سوم	۱	» ۳۰
» چهارم	۲	» ۵۲	» چهارم	۱	» ۳۰
» پنجم	۲	» ۵۰	» پنجم	۱	» ۲۵
» ششم	۲	» ۵۰	» ششم	۱	» ۱۰
جمع	۱۲	۴۱۰ نفر	جمع	۷	۱۹۶ نفر

سازمان اداری و تعلیماتی دبستان و دبیرستان شرافت بقرار زیر است :

دبستان :

- | | |
|-----------------------------|-----------------|
| ۱ - آقای جعفر تابش | مدیر دبستان |
| ۲ - » غلامعلی فهمی | ناظم دبستان |
| ۳ - » ابوطالب سیهام | دفتر دار دبستان |
| ۴ - » حسن ناصحی تهرانی | هنر آموز موسیقی |
| ۵ - » هاشم مستوفی | آموزگار |
| ۶ - » محمد ابراهیم داغستانی | » |

- ۷ - آقای علی قدسی
- ۸ - » نصرالله حاج اکبر
- ۹ - » ابراهیم عادل
- ۱۰ - » احمد ریاض
- ۱۱ - » علی پور حاجی غلامی محمود آبادی
- ۱۲ - » محمود صالح بیک
- ۱۳ - » فرهاد ایزدی
- ۱۴ - » فریدون بایگان
- ۱۵ - » محمد حسن تبرائیان
- ۱۶ - » جاسم مسلم نجف آبادی
- ۱۷ - » مهدی فدوی
- آموزگار
- خدمتگذار

دییرستان :

- ۱ - آقای عباس هنرور
- ۲ - » جواد خلیلی
- ۳ - » غلامرضا کارگر
- ۴ - » احمد عمادزاده
- ۵ - » سعید رسا
- ۶ - » حسن نوروزی اصفهانی
- ۷ - » مرتضی خلخالی
- ۸ - » محمد حسین مجاهد
- ۹ - » محمد توکلی مرزبان
- ۱۰ - » امیر علی تبریزی زاده
- ۱۱ - » ابوالفتح طهماسب ویرانی
- ۱۲ - » حسین مدرک
- ۱۳ - » محمد تمهیدی
- ۱۴ - » عباسعلی صفائیان
- ۱۵ - » عزیز تابش
- ۱۶ - » محمد مظهر خالقی
- ۱۷ - » علی کریمی هوپه
- ۱۸ - » عزیز تابش
- رئیس دییرستان
- معاون دییرستان
- دفتردار دییرستان
- دییر
- خدمتگذار



آقای عباس هنرور رئیس
دبیرستان شرافت بغداد



آقای جعفر تابش مدیر
دبستان شرافت بغداد



رئیس ودبیران دبیرستان شرافت ایرانیان بغداد



والاحضرت شاهپور غلامرضا هنگام ورود بدبیرستان شرافت بغداد



عکس مدیر و کارکنان دبستان شرافت بغداد در سال تحصیلی ۴۴ - ۴۵
 ردیف نخست از راست بچپ: ۱- آقای محمود صالح بك ۲- آقای سیدهاشم مستوفی
 ۳- آقای نصرالله حاجی اکبر ۴- آقای جعفر تابش مدیر دبستان شرافت ۵- آقای
 ناصحی ۶- آقای سیه فام ۷- آقای فهیمی
 ردیف ایستاده از راست بچپ: ۱- آقای جاسم نجف آبادی ۲- آقای فریدون بایگان
 ۳- آقای فرهاد ایزدی ۴- آقای علی محمود آبادی ۵- آقای محمدحسن تبرائیان
 ۶- آقای علی قدسی ۷- آقای احمد ریاض



دانش‌آموزان در حال نماز



انجمن ورزش دبستان شرافت بغداد در سال تحصیلی ۴۴ - ۴۵
از راست بچپ: ۱ - علی چراغی ۲ - طه حسنی یکتا ۳ - محمد کاظم عثقه
۴ - صبار گورابی ۵ - موسی رهامیان



توزیع غذا بین دانش‌آموزان دبستان شرافت بغداد



تیم والیبال دبستان شرافت بغداد در سال تحصیلی ۴۴ - ۴۵
 ردیف نشسته از راست به چپ: ۱ - خیرالدین تاداس ۲ - قاسم یندید ۳ - نبیل سخاوت
 ردیف ایستاده از راست به چپ: ۱ - صباح شیرینجیان ۲ - محمد کاظم عثه
 ۳ - صبار گورابی ۴ - موسی رهامیان



حسین پروار فرزند ابراهیم
شاگرد اول کلاس ۶ دبستان
شرافت بغداد در سال تحصیلی
۴۳ - ۴۴



ورزشکاران دبستان شرافت بغداد - دست راست آقای اکبری دبیر ورزش

آزمایشگاه شیمی دبیرستان شرافت ایرانیان بغداد





ورزشکاران دبیرستان شرافت
 درصف جلو - آقایان کوثری ، پرتوی رئیس ومعاون سرپرستی ، نظری ، سلماسی
 واکبری دبیر ورزش دیده میشوند



مسابقه بسکتبال بین دانش آموزان دبیرستان شرافت بغداد

۲- دبستان دخترانه فرح بغداد

دبستان فرح در سال تحصیلی ۳۷- ۱۳۳۶ هجری شمسی بحکم ضرورت و بنابه پیشنهاد سرپرستی در بغداد تأسیس گردید و متدرجاً بصورت دبستان شش کلاسه درآمد. حسن استقبال ایرانیان مقیم بغداد بتأسیس این دبستان بقدری زیاد بود که بر طبق سوابق موجود در همان اولین سال تحصیلی بیش از یکصد نفر از دوشیزگان ایرانی در آن ثبت نام کردند و در حال حاضر متجاوز از دویست نفر دانش آموز باینشرح در دبستان مزبور اشتغال بنحصول دارند.

آمار دبستان فرح

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموزان
کلاس اول	۲	۶۰ نفر
کلاس دوم	۱	» ۴۵
کلاس سوم	۱	» ۳۵
کلاس چهارم	۱	» ۳۵
کلاس پنجم	۱	» ۲۵
کلاس ششم	۱	» ۱۸
جمع	۷	۲۱۸ نفر

سازمان اداری و تعلیماتی دبستان فرح بقرارزیراست :

- | | |
|-------------------|----------------------------|
| کفیل دبستان | ۱ - بانو مهری هاشمزاده |
| ناظم دبستان | ۲ - » مهرانگیز فهمی |
| آموزگار انگلیسی و | ۳ - » گوهریک ورطن سلطانیان |
| دفتردار عربی | |
| آموزگار | ۴ - » پریچهرارفع |
| » | ۵ - » فروغ اعظم دکتر بصیر |
| » | ۶ - » منیرالسادات دانشفر |
| » | ۷ - » ایران کاشی |
| » | ۸ - » شیرین کاشی |
| » | ۹ - » فائزه نواب |
| » | ۱۰ - » فریده صمیمیان |
| » | ۱۱ - » افتخارالسادات وحدتی |
| خدمتگزار | ۱۲ - » فاطمه حسن |
| » | ۱۳ - آقای رضا پنداشته |



بانو مهری هاشمزاده کفیل دبستان فرح



آموزگاران دبستان فرح

ردیف نشسته : ازراست بچپ بانوان فائزه نواب ومهرانگیز فهمی ومهری هاشمزاده
وگوهر سلطانیان وفروغ اعظم دکتر بصیر
ردیف ایستاده : بانوان فریده صمیمان وافتخارالسادات وحدتی وپریچهر ارفع وایران
کاشی وشیرین کاشی



بانو پریچهر ارفع آموزگار دبستان درحال تعلیم خیاطی

۳ - دبستان پسرانه اخوت در کاظمین

دبستان اخوت در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی یعنی متجاوز از نیم قرن پیش بهمت عده‌ای از ایرانیان پاکدل و وطن‌پرست کاظمین و برهبری و ارشاد شادروان حاجی‌علی اکبر اهرابی تأسیس و از محل اعانات و وجوهی که از طرف اشخاص خیراندیش جمع‌آوری می‌شده بویژه از کیسه فتوت و مردانگی مرحوم اهرابی اداره می‌شد. اگرچه مدرسه ملی مزبور در سنوات اولیه ظاهراً ابتدائی بود ولی سطح معلومات دانش‌آموزان که شائق بتحصیلات مرتب و کلاسیک بودند در درجات بالاتر قرار داشت. پس از فوت مرحوم اهرابی که بعداً معلوم شد تمام هستی و مایملک خویش را برای سروصورت دادن باین مؤسسه فرهنگی صرف نموده است جمعی از ایرانیان مقیم کاظمین انجمنی بنام (انجمن اخوت) تشکیل دادند و با جمع‌آوری اعانه نگذاشتند دبستان مزبور که از آن پس بنام (دبستان اخوت ایرانیان) نامگذاری شده بود منحل گردد. این روال و شیوه مرضیه تاسال ۱۳۰۷ شمسی ادامه داشت و در آن سال این دبستان نیز مانند سایر مدارس ایران در عراق از صورت ملی بودن خارج شده رسمی و دولتی گردید:

محل قبلی دبستان اخوت در خانه استیجاری بود ولی بعداً قطعه زمینی بمساحت ۲۵۰۰ مترمربع از طرف والدۀ ماجدۀ مرحوم آقاخان محلاتی بمنظور بنای دبستان اهدا گردید و ساختمان فعلی که منطبق با اصول تعلیم و تربیت است از اعتبار دولت در زمین مزبور احداث شد و در سال ۱۳۳۶ باحضور والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی که بمنظور زیارت اعتاب مقدسه تشریف آورده بودند افتتاح گردید. دبستان اخوت که از قدیمی‌ترین مدارس ایران در عراق محسوب می‌شود در بدو تأسیس در حدود دویست نفر دانش‌آموز داشت ولی اکنون بر اثر تراکم جمعیت کلاسهایش مکرر بوده و آمار اطفال آن از ۶۰۰ نفر تجاوز کرده است.



والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی هنگام ورود بمدرسه اخوت ایرانیان در کاظمین
۱۲ فروردین ۱۳۳۶

آمار دبستان اخوت

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموزان
کلاس اول	۲	۱۳۶ نفر
کلاس دوم	۲	» ۱۳۶
کلاس سوم	۳	» ۱۱۴
کلاس چهارم	۲	» ۱۰۵
کلاس پنجم	۲	» ۹۳
کلاس ششم	۲	» ۵۶
جمع	۱۳	۶۴۰ نفر



والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی با قطع نوار سه رنگ عمارت نوین یاد مدرسه
اخوت را افتتاح میفرمایند

سازمان اداری و تعلیماتی دبستان اخوت بقرار زیر است :

- | | |
|-----------------------|-------------------------------------|
| مدیر دبستان | ۱ - آقای اسماعیل علوی |
| ناظم دبستان | ۲ - » مهدی نقیب |
| دفتر دار برنامه فارسی | ۳ - » روح الله اشتهااردی |
| دفتر دار برنامه عربی | ۴ - » عبدالحسین دانش مطیعی |
| آموزگار | ۵ - » محمود گلستانه |
| » | ۶ - » ابوالقاسم رشیدی تبریزی |
| » | ۷ - » عباس پرتوی آملی |
| » | ۸ - » یدالله مشکگل گشا |
| » | ۹ - » سید هاشم آیت اله زاده اصفهانی |
| » | ۱۰ - » هوشنگ خبازی |



شادروان حاجی علی اکبر اهرابی
مؤسس و بنیانگذار دبستان ایرانی
اخوت در کاظمین

- | | |
|----------|----------------------------|
| آموزگار | ۱۱- آقای محمدصادق مختاری |
| » | ۱۲- قاسم حکیمزاده |
| » | ۱۳- محمدنقی عظیمی |
| » | ۱۴- مظفرظلی پور |
| » | ۱۵- احمد طباطبائی |
| » | ۱۶- محمد عمادی |
| » | ۱۷- جاسم علی اکبری |
| » | ۱۸- عبدالحمید پورصفوی |
| » | ۱۹- عبدالصاحب زرین نعل |
| سرایدار | ۲۰- عیدان جوشن پور |
| خدمتگزار | ۲۱- محمود صباح تخته فولادی |
| » | ۲۲- رحیم علی حسینی |



محمود گلستانه
مدیر دبستان اخوت کاظمین



آموزگاران دبستان اخوت کاظمین در سال تحصیلی ۴۴ - ۴۵



مرقد مطهر کاظمین



منظره‌ای از عمارت دبستان اخوت کاظمین



آقای قاسم حکیمزاده آموزگار دبستان اخوت کاظمین بیشتر مواقعی که امکان دارد اوقات بیکاری را بتنظیم کتابهای کتابخانه دبستان میگذرانند



منظره‌ای از جشن ورزشی دبستان اخوت



تیم والیبال دبستان اخوت کاظمین

آقایان زرین نعل و پرتوی سمت راست و سمت چپ عکس - عصرها پس از خاتمه درس ورزش دانش آموزان را زیر نظر دارند و آنها را راهنمایی میکنند
 دانش آموزان : از راست بچپ آقایان سهرابی - کشاورز - زرین نعل - سردابی - پردل - حاج بیگی - شیرین باغ



منظره ای از جشن ورزشی دبستان اخوت کاظمین

۴ - دبستان دخترانه شهربانو کاظمین

دبستان شهربانو تا سال تحصیلی ۳۸ - ۱۳۳۷ با دبستان پسرانه اخوت کاظمین مختلط بود و عده معدودی از دختران ایرانی در کلاسهای دبستان مزبور ادامه تحصیل میدادند. شورو علاقه و روشنفکری ایرانیان مقیم کاظمین بحدی بود که دختران خویش را تا کلاس ششم ابتدائی بدبستان پسرانه اخوت میفرستادند و از بعضی تعصبات و حوادث احتمالی بهیچوجه نمیهراسیدند. در سال تحصیلی مزبور بعثت کثرت عده دختران دانش آموز از طرف سرپرستی بتفکیک دختران از پسران اقدام شد و مدرسه دخترانه ای بنام (دبستان شهربانو) تأسیس گردید. دبستان مزبور حسب المعمول در اولین سال تحصیلی دو کلاسه بود و متدرجاً کلاسهای بالاتر بدان علاوه شد در سال تحصیلی ۴۲ - ۱۳۴۱ بصورت دبستان شش کلاسه درآمد. دبستان شهربانو در بدو تأسیس فقط ۹۱ نفر دانش آموز داشت ولی در سال تحصیلی جاری آمار دانش آموزان آن از سیصد نفر تجاوز کرده که بشرح زیر اشتغال بتحصیل دارند.

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموز
کلاس اول	۳	۱۱۱ نفر
کلاس دوم	۳	» ۱۱۳
کلاس سوم	۱	» ۵۹
کلاس چهارم	۱	» ۴۲
کلاس پنجم	۱	» ۳۳
کلاس ششم	۱	» ۲۷
جمع	۱۰	۳۸۵ نفر



بانو نیّره عابدی حسینی طهرانی
کفیل دبستان شهر بانو

سازمان اداری و تعلیماتی دبستان شهر بانو

- | | |
|-----------------------|-------------------------------|
| کفیل دبستان | ۱ - بانو نیّره عابدی طهرانی |
| آموزگار انگلیسی و | ۲ - « نظیمه عصابی |
| دفتردار عربی | |
| ناظم و دفتردار برنامه | ۳ - « رقیه الله دینی |
| فارسی | |
| آموزگار | ۴ - « اکرم خوشنویس |
| » | ۵ - « خدیجه محلاتی |
| » | ۶ - « توران مازندرانی |
| » | ۷ - « بهیجه روزبه کارگر |
| » | ۸ - « فوزیه تبرائیان |
| » | ۹ - « پروانه بحر العلوم |
| » | ۱۰ - « فروغ حجتی |
| » | ۱۱ - « ایران علوی |
| » | ۱۲ - « منیژه انزلیچی |
| » | ۱۳ - « جلیله شریعت (نیرنگ خو) |
| سرایدار دبستان | ۱۴ - آقای علی تورنگ |
| خدمتگزار | ۱۵ - « لطیف پارسا |
| » | ۱۶ - « احمد خسرو شاهی |

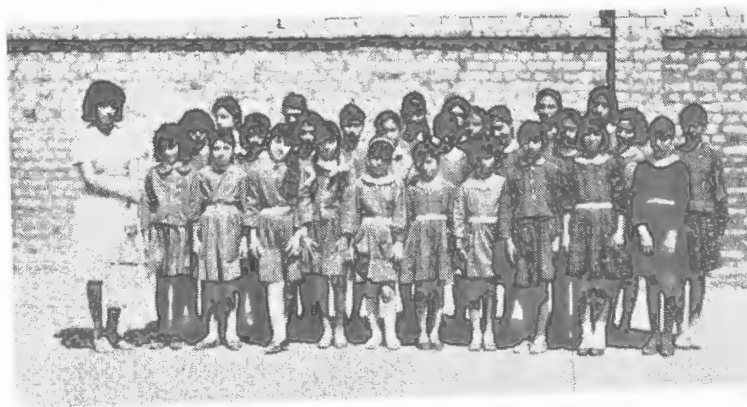


کارکنان دبستان دخترانه شهربانو

دوشیزه سوسن غفاری
شاگرد اول کلاس ششم در سال
تحصیلی ۴۴ - ۱۳۴۳ دبستان
شهربانو کاظمین



دختران دانش آموز کلاس ششم دبستان شهربانو کاظمین - سال ۴۴ - ۴۵



۵ - دبستان و دبیرستان علوی نجف

بسال ۱۳۲۵ هجری قمری یعنی شصت سال قبل بر طبق فتوای محکم وقایع علمای اعلام و روحانیون بزرگ مبنی بر لزوم و وجوب تأسیس مدارس جدید بمنظور تعلیم و تربیت نوباوگان موجب گردید که جمعی از وجوه ایرانیان مقیم نجف بفکر تأسیس مدرسه افتادند و بر آن شدند که با تحمل هر گونه سختی و مشقت در این امر خیر و مقدس توفیق حاصل نمایند . اعضای هیئت مؤسس غالباً از دانشمندان و روحانیون و ایرانیان وطن پرست بودند برای انجام مقصود هیئتی از افراد مفصله الاسلامی زیر تشکیل گردید :

- ۱ - آقای میرزا مهدی آیت الله زاده خراسانی
- ۲ - » حاجی میرزا احمد آیت الله زاده خراسانی
- ۳ - » شیخ محمد تقی آیت الله زاده تهرانی خلیلی
- ۴ - » حاجی آقا شیرازی
- ۵ - » میرزا علی آقا تبریزی
- ۶ - » سید مهدی لاهیجانی
- ۷ - » حاجی شیخ محمد حسن رشتی
- ۸ - » حاجی شیخ اسحق آیت الله زاده رشتی
- ۹ - » حاجی شیخ محمد باقر اصفهانی
- ۱۰ - » شریف رشتی
- ۱۱ - » حاجی میرزا عبدالحسین مدرس اصفهانی
- ۱۲ - » حاجی میرزا عبد الرحیم بلبله بادکوبه ای
- ۱۳ - » محمد محلاتی
- ۱۴ - » حاجی شیخ حسین اصفهانی صاحب امتیاز مجله «درة النجف» که در آن زمان در نجف انتشار می یافت و خدمات بزرگی در بیداری ملت مینمود .

این هیئت در تأمین مخارج تأسیس مدرسه جدید و تدارك وسائل آن از کیسه فتوت و مردانگی خویش و اعاناتیکه از مردم و زوار میبایستی میگرفتند اتفاق نظر حاصل کردند منتها اشکال کار در این بود که معلم مطلع و آگاه بعلوم و برنامه و کیفیت اداره کردن مدرسه بر طبق اصول تعلیم و تربیت جدید در دسترس نبود و همین امر موجب شد که اجابت مقصود در تأسیس

مدرسه یکسال بتعویق افتد. درغره ذیحجه الحرام سال ۱۳۲۶ هجری قمری مجدداً هیئتی از قاطبه اعضای فوق الذکر و آقایان: حاج شیخ محمد طالقانی - سید عبدالله اصفهانی - حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی - میرزا موسی رشتی و میرزا مهدی کاشانی نراقی تشکیل شد. خوشبختانه چون آقای میرزا مهدی کاشی نراقی مدتها در هندوستان میزیسته و برموز ودقایق مدارس جدید تاحدودی مطلع بود لذا مدرسه را بمدیریت نامبرده تأسیس و بنام «مدرسه علوی ایرانیان» افتتاح کردند چون برای تأمین بودجه و مخارج مدرسه اعتباری موجود نبود هیئت مؤسس مخارجش را برعهده گرفت و از مال خاص خویش و اعاناتیکه از نیکوکاران نجف و زواری ایرانی جمع آوری میکرد بودجه مدرسه را تأمین مینمود و گاهگاهی با انعقاد جشنهای مذهبی و استمداد از ایرانیان مقیم و زواری محترم در مقام جبران کمبود مخارج برمیآمدند. ناگفته نماند که مدرسه علوی نجف تا سال ۱۳۲۹ هجری قمری شش کلاسه بود ولی در این سال کلاس هفتم بآن علاوه گردید و تدریس دروس مهم آن از قبیل ریاضیات، فیزیک، شیمی، و فرانسه را حجة الاسلام حضرت آقای سید محمد کاظم عصار برعهده گرفتند.

باری مدت هفت سال بدین ترتیب گذشت ولی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری که یکسال از جنگ بین المللی اول گذشته بود امور مدرسه بعلت آشفتگی عالم و گرانی و قحط و غلاء مختل گردید و چیزی نمانده بود که بکلی منحل شود اما یکی از معلمان همان مدرسه بنام شیخ عبدالعلی تقبل کرد که مدرسه را تا اعاده نظم و آرامش و رفع بحران جهانی شخصاً نگاهداری کند و تا سال ۱۳۳۹ قمری بهر شکل و ترتیبی بود مدرسه را دائر نگاهداشت. در این موقع که جنگ جهانگیر اول بکلی خاتمه یافته بود - آقایان: حاجی محمود آقا کفائی - حاجی محمد رضا کفائی - حاجی حسین آقا کفائی - سید شکر الله بهبهانی - حاجی عبدالرحیم بوشهری و حاجی آقا احمد ملارکی باحضور کسول شاهنشاهی ایران در نجف تشکیل جلسه داده مدرسه را از آقای شیخ عبدالعلی تحویل گرفتند و بصورت چهار کلاسه ابتدائی بمدیریت آقای محمد ادیب الاشراف باوضع بهتر و آبرو مندتر دائر کردند و ضمناً آیات الله مرحومین آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نائینی و آقا سید محمد فیروز آبادی و آقا ضیاء الدین عراقی طاب ثرا هم تقبل کردند که هر یک ماهیانه پانزده روپیه ببودجه مدرسه کمک نمایند. پنجسال بدینمنوال

گذشت تا سال ۱۳۰۴ هجری شمسی که اعلیحضرت فقید از طریق خوزستان بعراق تشریف فرما شدند بشرحی که میدانیم ماهیانه مبلغ یکصد تومان برای هریک از مدارس ایرانی در عراق منظور فرمودند و در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی مدرسه علوی نجف هم مانند سایر مدارس رسماً دولتی شد و اکنون مدت ۳۷ سال است که از طرف وزارت آموزش و پرورش وزیر نظر سرپرستی اداره میشود دبستان و دبیرستان علوی نجف در حال حاضر دارای ۱۶ کلاس ابتدائی و چهار کلاس دوره اول متوسطه و ۸۴ نفر دانش آموز زیر میباید:

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموزان
کلاس اول	۴	۱۹۰ نفر
کلاس دوم	۳	۱۴۷ »
کلاس سوم	۳	۱۳۲ »
کلاس چهارم	۲	۹۸ »
کلاس پنجم	۲	۸۷ »
کلاس ششم	۲	۶۶ »
کلاس هفتم	۲	۴۷ »
کلاس هشتم	۱	۴۷ »
کلاس نهم	۱	۳۰ »
جمع	۲۰	۸۴۴ نفر



ادیب نادری مؤسس دبستان
علوی ایرانیان نجف اشرف



محمدباقر تاجبخش
کفیل سابق دبیرستان علوی نجف

سازمان اداری آموزشگاه

- | | |
|----------------------|---------------|
| ۱ - آقای اقبال دهقان | رئیس دبیرستان |
| ۲ - » عبدالامیر بهمن | ناظم دبستان |
| ۳ - » محمد رضا عماد | دفتردار عربی |
| ۴ - » سید علی طاهری | دفتردار فارسی |

سازمان تعلیماتی آموزشگاه

- | | |
|--------------------------------|----------------|
| ۱ - آقای سید اصغر قمی طباطبائی | دبیر دبیرستان |
| ۲ - » سید محمد مهدی اشرف آل طه | » |
| ۳ - » محمد کاظم غروی | » |
| ۴ - » محمد اسدی خوانساری | » |
| ۵ - » منوچهر ظلی پور | » |
| ۶ - » علی اکبر لطیفیان | آموزگار دبستان |
| ۷ - » مرتضی غروی | » |

آموزگار دبستان

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

» »

خدمتگزار

»

»

»

۸ - » باقر غروی

۹ - » حسین غروی

۱۰ - » طالب تاپش

۱۱ - » کاظم شبیه‌الحمدي

۱۲ - » نریمان طالبی

۱۳ - » عبدالرضا محمدی

۱۴ - » سیداحمد میرمنتظمی

۱۵ - » مرتضی محمد اسماعیلی

۱۶ - » جلال صحرائی

۱۷ - » محمدحسن کاظمی لاری

۱۸ - » مصطفی اشکوری

۱۹ - » محمدجواد زرین‌نعل

۲۰ - » مظفرسید شیرازی

۲۱ - » حسین سید شیرازی

۲۲ - » محمدکاشی‌زاده

۲۳ - » موسی مسجدی

۲۴ - » عبدالحسین مسجدی

۲۵ - » رشید عسگرزاده

۲۶ - » عبدعلی تیزمغز



آقای محمدباقر غروی دبیر
دبیرستان علوی نجف



کارکنان دبستان و دبیرستان علوی ایرانیان نجف



نماز جماعت دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان علوی نجف

۶ - دبستان ودییرستان حسینی کربلا

دبستان حسینی ایرانیان در سال ۱۳۲۵ یا بقولی ۱۳۲۷ هجری قمری مطابق با سال ۱۲۸۷ هجری شمسی از طرف هیئتی بنام «انجمن مساوات» مرکب از ایرانیان وطنخواه و دانش پژوه مقیم کربلا بریاست شادروان شیخ علی مازندرانی معروف به «شیخ العراقین» تأسیس یافت و شادروان آقامیرزا هادی شهرستانی که خود از بنیانگزاران مدرسه و از مؤسسين انجمن مساوات بود بعنوان نخستین مدیر مدرسه نو بنیاد منصوب گردید. تمام افراد انجمن مساوات و سایر ایرانیان مقیم کربلا فرزندان خویش را باین مدرسه فرستادند و مرحوم شیخ احمد که نظارت مدرسه را بر عهده داشت در بسط و توسعه آن حقاً فداکاری و جانفشانی میکرد. بودجه و مخارج مدرسه از طرف اعضای انجمن مساوات و ایرانیان مجاور و زائر تأمین میگردد. مرحوم شهرستانی پس از ده سال بعلت اشتغالات روزمره و خستگی مفرط از کار کناره جست و بدواً مرحوم سید محمد اعتماد موسوی پسر سید عیسی و سپس آقای سید محمد طباطبائی که از دانشمندان و محترمین کربلا بود مدیریت مدرسه را بعهده گرفت پس از چندی مجدداً مرحوم سید محمد اعتماد موسوی مدیر مدرسه شد ولی چون بعلت ضعف مالی مدرسه نتوانست در انجام مقصود خویش مبنی بر توسعه و پیشرفت آن کاری انجام دهد لذا اعضای انجمن مساوات پس از تمشیت امور مالی مدرسه با نظر و همراهی مرحوم محمد حسن خان بدیع کنسول شاهنشاهی ایران در کربلا مدیریت مدرسه را بعهده آقای سید محمد صادق نشأت محول کردند. وضع مدرسه بدینمنوال ادامه داشت تا هنگام تشریف فرمائی اعلیحضرت فقید بعثبات عالیات و بر طبق امریه معظم له مبلغ یکصد تومان ماهانه برای آن منظور گردید و در سال ۱۳۰۷ شمسی بصورت مدرسه دولتی درآمد. ناگفته نماند که آقایان سید جواد طباطبائی - سید عبدالحسین غفوری یزدی - سید باقر شیرازی - محمد علی نوبخت بروجرودی محمد علی غفوری - میرزا هادی شهرستانی - حسین جعفرقلی - میرزا سراج - حاجی میرزا علی بزاز بهبهانی و شیخ حسن کفشدار در ایجاد و تأسیس مدرسه حسینی کربلا نقش مؤثری داشته اند. مرحوم محمد علی غفوری که تا سال ۱۳۲۹ شمسی در قید حیات بود و در واپسین دقایق عمر بمدرسه میآمد تا اتمام بنای ساختمان مدرسه را بچشم خویش

ببیند ولدت ببرد . آرزویش این بود که درافتتاح مدرسه شرکت کند و سپس بمیرد ولی متأسفانه اجل مهلتش نداد و در سن ۸۱ سالگی بمرض سکنه قلبی بدیار باقی شتافت .

خدایشان رحمت کناد که ثمره زحمات وفداکاریهایشان اکنون درختی بارور گردیده است .

باری مدرسه حسینی کربلا مدت چندسال شش کلاسه ابتدائی بود ولی بعداً بر اثر پافشاری و مکاتبات اولیای اطفال و پیشنهاد سرپرستی تا کلاس سوم متوسطه نیز بآن ضمیمه گردید . در حال حاضر تعداد کلاسها و آمار دانش آموزان دبستان و دبیرستان حسینی ایرانیان کربلا بشرح زیر میباشد :

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموزان
کلاس اول	۴	۱۳۲ نفر
کلاس دوم	۳	» ۱۲۰
کلاس سوم	۲	» ۸۷
کلاس چهارم	۲	» ۵۹
کلاس پنجم	۲	» ۶۷
کلاس ششم	۲	» ۴۶
کلاس هفتم	۱	» ۲۳
کلاس هشتم	۱	» ۱۸
کلاس نهم	۱	» ۱۷
جمع	۱۸ کلاس	۵۶۹

سازمان اداری آموزشگاه

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| رئیس دبستان و دبیرستان | ۱ - آقای حسین حائری کرمانی |
| معاون دبیرستان | ۲ - » محمدجعفر تاج بخش |
| ناظم دبستان | ۳ - » محمدعلی صلواتی |
| دفتردار | ۴ - » سیدمحسن حکیمی زاده |

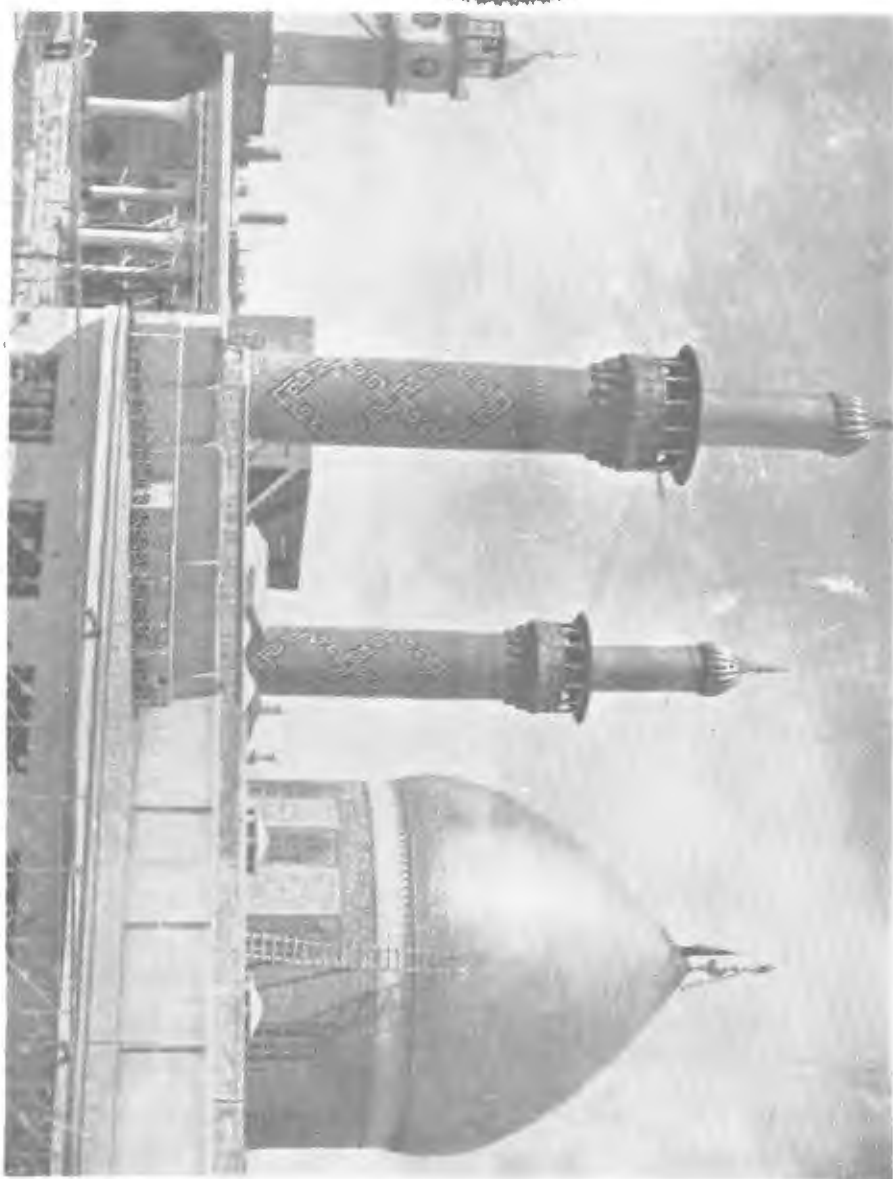
سازمان تعلیماتی آموزشگاه

- | | |
|----------------|---|
| دبیر دبیرستان | ۱ - آقای عبدالامیر آیت الله زاده شیرازی |
| » | ۲ - » منصور افشاری |
| » | ۳ - » محمدعلی فریپور |
| » | ۴ - » احمد تاجریان |
| آموزگار دبستان | ۵ - » احمد بهزادی |
| » | ۶ - » عبدالحمید فلسفی |
| » | ۷ - » محمدحسن اطراقچی |
| » | ۸ - » خلیل سراپی |
| » | ۹ - » عبدالله کتانی زاده |
| » | ۱۰ - » جمشید کتانی زاده |
| » | ۱۱ - » مهدی حافظ الصلحة |
| » | ۱۲ - » سیدامین شریف زاده |
| » | ۱۳ - » فرهاد یگانگی |
| » | ۱۴ - » ناصر حکیمی زاده |
| » | ۱۵ - » سیدحسین پورایوانی |
| » | ۱۶ - » محمدحسن فردوسیان |
| » | ۱۷ - » محمدجاسم دانشپور |
| خدمتگذار | ۱۸ - » محمدعلی کشمردی |
| » | ۱۹ - » عبدالله جان نثار |
| » | ۲۰ - » سلیم افشاری |
| » | ۲۱ - » حسین عباسی |



مرقد مطهر حضرت سیدالشهداء (ع) در کربلا

مرف مظہر حضرت ابراہیم الخلیل (ع)





آقای حسین حائری کرمانی
رئیس دبیرستان حسینی کربلا



مرحوم آقامیرزا هادی شهرستانی
اولین مدیر و مؤسس دبستان
حسینی کربلا



کارکنان دبستان حسینی ایرانیان کربلا



والاحضرت شاهپور احمد رضا هنگام بازدید از دبستان حسینی کربلا



کارکنان دبیرستان حسینی ایرانیان کربلا



کتابخانه آموزشگاه حسینی ایرانیان کربلا



موزه علوم طبیعی آموزشگاه حسینی ایرانیان کربلا



سلیمان افشاریپور شاگرد اول
کلاس سوم دبیرستان حسینی
ایرانیان کربلا سال تحصیلی
۱۳۴۴ - ۱۳۴۵



محمدعلی نورافزا شاگرد اول
کلاس ششم دبستان حسینی ایرانیان
کربلا سال تحصیلی ۴۴ - ۱۳۴۵



یادی از مرحوم ابرپوش معلم ورزش مدارس ایران در عراق
بازی شاگردان دبستان حسینی کربلا با آموزگارشان آقای ابرپوش



جشن چهارم آبان ۱۳۴۴ در دبیرستان ودستان حسینی ایرانیان در کربلا

از قدیمی‌ترین عکس‌های مدرسه حسینی کربلا



۷- دبستان دخترانه حسینی کربلا

همانطوریکه درمقاله تحت عنوان «تاریخچه تأسیس مدارس ایران درعراق» یادآور شد ضرورت و لزوم تعلیم و تربیت دختران ایرانی مقیم عراق ایجاب کرد که سال تحصیلی گذشته باوجود ضعف و کسری بودجه بتاسیس مدرسه دخترانه ضمیمه دبستان حسینی در کربلا اقدام نماید منتها چون لازم میآمد که دختران ایرانی قبلا مقدمات زبان فارسی و مکالمه را بخوبی فرا گیرند و هنگام ورود بدبستان از لحاظ تفهیم و تفهم دچار اشکال نشوند لذا سال گذشته یکباب کلاس کودکانستانی علاوه بر کلاسهای اول و دوم ابتدائی نیز دائر کرد و اطفال و دوشیزگان خردسال را در آن کلاس پذیرفت تا برای ورود بدبستان کاملاً آمادگی پیدا کنند. حسن استقبال و علاقمندی ایرانیان مقیم کربلا بکودکستان و دبستان مزبور بقدری عجیب و غیر منتظر بود که در همان روزهای اول بیش از یکصد نفر دختر ثبت نام کردند و آمار دانش آموزان در حال حاضر باین شرح است.

کلاسها	تعداد کلاس	آمار دانش آموزان
کلاس اول	۲	۱۱۱ نفر
کلاس دوم	۲	۶۹ »
کلاس سوم	۱	۲۱ »
جمع	۵	۲۰۱ نفر

سازمان تعلیماتی کودکستان ودبستان

- | | |
|--------------|---------------------------|
| مسئول دبستان | ۱- بانو منصوره قنات آبادی |
| آموزگار | ۲- » اعظم کریم زاده |
| » | ۳- » ملوک ارباب زاده |
| » | ۴- » ناجحه فریپور |
| » | ۵- » شهناز بلادی |
| » | ۶- » مرضیه حکیمی زاده |
| » | ۷- » شکریه نشأت |
| » | ۸- » افتخار قهاری |

بدیهی است درسنوات تحصیلی آینده سایر کلاسهای شش ساله ابتدائی بشرط وجود اعتبار متدرجاً افتتاح خواهد شد .

۸ - دبستان پهلوی بصره

دبستان بصره در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بهمت و رادمردی آقای حاجی زائر حسین تنگستانی و معاضدت آقایان اعلم کنسول وقت و عبدالرزاق پیمانکار دخانیات تأسیس گردید و مدت پنجاه سال با کمک مادی آقایان حاجی حسین دوباش و میرزا محمود صابرومیرزا محمدخان بهادر و حاجی عبدالرزاق شوشتری و سید محمود یزدی و جمعی از وجوه ایرانیان پاکدل و اولیای اطفال اداره میشد. از نیمه سال ۱۳۰۴ خورشیدی حسب الامر اعلیحضرت فقید که در آن موقع بعراق تشریف فرما شده بودند ماهیانه یک هزار ریال بعنوان کمک هزینه باین مدرسه داده میشد که بپاس این بذل توجه دبستان مزبور از همان تاریخ بنام (دبستان پهلوی) تسمیه و نامگذاری شده است. سه سال بدینمنوال گذشت و در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی دبستان مزبور مانند سایر مدارس ایران در عراق رسماً دولتی گردید و زیر نظر سرپرستی اداره میشود. دبستان پهلوی بصره مختلط است و دختران ایرانی در تمام کلاسها با پسران تحصیل میکنند. دبستان مزبور که در بدو تأسیس فقط ۷۱ نفر شاگرد داشت اکنون دارای شش کلاس و متجاوز از دویست نفر دانش آموز دختر و پسر بشرح زیر میباشد :

کلاسها	آمار دختران	آمار پسران
کلاس اول	۲۲ نفر	۲۶ نفر
کلاس دوم	۱۸ »	۱۶ »
کلاس سوم	۱۴ »	۲۹ »
کلاس چهارم	۱۰ »	۲۷ »
کلاس پنجم	۸ »	۲۹ »
کلاس ششم	۶ »	۱۷ »
جمع	۷۸ نفر	۱۴۴ نفر



مرحوم زائر حسین تنگستانی
مؤسس و بنیانگذار دبستان
پهلوی بصره



اسماعیل پور میرزا مدیر دبستان
پهلوی بصره

سازمان تعلیماتی دبستان پهلوی بصره بقرار زیر است :

- | | |
|-------------|--------------------------------|
| مدیر دبستان | ۱ - آقای اسماعیل پور میرزا |
| آموزگار | ۲ - ناصر کامکار |
| » | ۳ - بانو فخر السادات حاج حسینی |
| » | ۴ - آقای طغرل ایزدی |
| » | ۵ - عبدالکریم باغزری |
| » | ۶ - علی زنجانی |
| » | ۷ - فریدون صناعی کرمانی |
| » | ۸ - عبدالرحیم تراز |
| خدمتگذار | ۹ - حسن امانزاده |
| » | ۱۰ - داد خداری |



کارکنان دبستان پهلوی ایرانیان بصره

کلاس چهارم اکابر دبستان پهلوی بصره





دانش‌آموزان دبستان پهلوی ایرانیان بصره



بتول خزائی
نمره اول کلاس ششم ابتدائی
دبستان پهلوی بصره در سال
تحصیلی ۴۳ - ۱۳۴۴

۹- آموزشگاههای شبانه

بموازات تأسیس و توسعه مدارس روزانه در عراق از طرف قاطبهٔ ایرانیان مقیم عراق تقاضا شد که کلاسهای شبانه بزرگسالان نیز تشکیل گردد تا بتوانند زبان شیرین فارسی را که سالیان متمادی از آن بعیدالعهد شده بودند بخوبی فراگیرند و آنان نیز پیشاپیش فرزندان و نوباوگان خویش که در مدارس روزانه اشتغال بتحصيل دارند شبها پس از فراغ از مشاغل روزانه بتلمذ پرداخته با آداب و سنن ملی خاصه پیشرفتهای روزافزون وطن مألوف خویش آگاهی حاصل نمایند. بمنظور اجابت مسئول متقاضیان در سال تحصیلی ۳۷- ۱۳۳۶ اولین کلاس شبانه بزرگسالان در بغداد و کاظمین و نجف و کربلا و بصره افتتاح گردید و ایرانیان مقیم بین النهرین با شور و علاقه فراوان ثبت نام کرده بتحصيل پرداختند. رفته رفته تعداد کلاسها افزایش یافت و حتی در بغداد و کربلا تا کلاس ششم ابتدائی دائر گردید بقسمیکه اکنون اکثریت قریب باتفاق داوطلبان متفرقه ششم ابتدائی همین دانش آموزان بزرگسالان هستند که پایای فرزندان خویش در تحصیل دانش تلاش کرده باخذ گواهینامه پایان تحصیلات ابتدائی نائل میآیند:

در حال حاضر آمار کلاسهای شبانه بزرگسالان ایران در عراق بشرح زیر میباشد:

ردیف	شهر	تعداد کلاس شبانه	آمار دانش آموزان
۱	بغداد	شش کلاسه	۲۵۰
۲	کربلا	شش کلاسه	۹۹
۳	کاظمین	پنج کلاسه	۷۷
۴	بصره	چهار کلاسه	۱۷۵
جمع ۶۰۱			

لازم بتوضیح است که در سال ۳۷- ۱۳۳۶ يك باب کلاس اول شبانه بزرگسالان در نجف اشرف تشکیل گردید ولی چون غالب ایرانیان مقیم شهر مزبور را طلاب علوم دینی و طبقه باسواد تشکیل میدهد بنابراین کلاس شبانه بزرگسالان قهراً منحل گردید و از آن تاریخ تاکنون برای تشکیل کلاس شبانه احساس ضرورت نشده است.



کلاس اکابر شبانه در دبیرستان شرافت بغداد

يك عده از نوآموزان کلاسه‌های شبانه دبیرستان حسینی کربلا



آخرین آمار

دانش آموزان مدارس ایرانی در عراق - آبانماه ۱۳۴۵

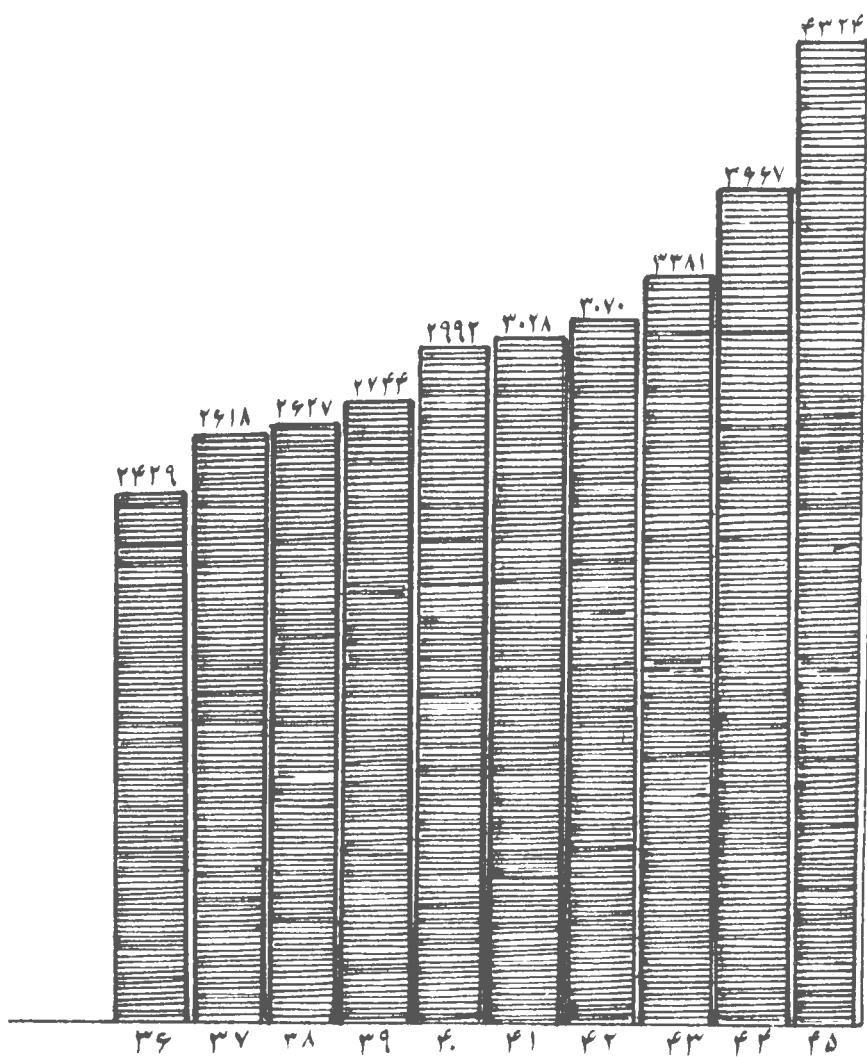
آموزشگاه	تعداد دانش آموز						جمع
	کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم	کلاس ششم	
دبستانها							
دبستان پسران شرافت بغداد	۸۲	۸۲	۷۴	۷۲	۴۵	۴۲	۳۹۷
» دختران فرح بغداد	۴۰	۴۹	۴۴	۲۹	۳۲	۱۳	۲۰۷
» پسران اخوت کاظمین	۱۸۰	۱۰۵	۱۰۷	۱۲۸	۹۶	۲۸	۶۸۶
» دختران شهر بانو	۱۲۵	۹۸	۶۹	۵۸	۳۲	۷۰	۴۱۰
» پسران علوی نجف	۲۶۹	۱۷۷	۱۳۹	۱۲۶	۹۸	۸۰	۸۸۹
» دختران علوی نجف	۹۲	۱۲	۹	۴			۱۱۷
» پسران حسینی کربلا	۱۸۳	۱۲۹	۹۹	۶۹	۶۷	۴۲	۵۸۹
» دختران حسینی کربلا	۱۰۶	۱۱۰	۵۲	۱۸			۲۸۶
» مختلط پهلوی بصره	۶۲	۳۱	۳۵	۳۹	۳۹	۳۱	۲۳۷
جمع دانش آموزان ابتدائی							
	۱۱۴۹	۷۹۴	۶۲۸	۵۴۳	۴۰۹	۳۰۶	۳۸۱۸
دبیرستانها							
دبیرستان پسران شرافت بغداد	۹۲	۳۵	۳۴	۴۹	۲۴	۱۹	۲۵۳
» » علوی نجف	۵۵	۳۸	۴۱				۱۳۴
» » حسینی کربلا	۲۹	۱۹	۲۰				۶۸
جمع دانش آموزان متوسطه							
	۱۷۶	۹۲	۹۵	۴۹	۲۴	۱۹	۴۵۵
جمع کل دانش آموزان							۴۲۷۳

آمار دانش‌آموزان خارجی
در مدارس ایرانی عراق

ملیت	عده
افغانی	۱۶۱
پاکستانی	۸۲
هندی	۲۴
عراقی	۱۶
زنگباری	۴
مجموع	۲۸۷

نمودار عده دانش‌آموزان مدارس ایرانی در عراق
از سال تحصیلی ۳۷-۱۳۳۶ تا ۴۶-۱۳۴۵

سال تحصیلی	عده دانش‌آموز	افزایش نسبت بسال قبل
۳۷-۱۳۳۶	۲۴۲۹	—
۳۸-۱۳۳۷	۲۶۱۸	۱۸۹
۳۹-۱۳۳۸	۲۶۲۷	۹
۴۰-۱۳۳۹	۲۷۴۴	۱۱۷
۴۱-۱۳۴۰	۲۹۹۲	۲۴۸
۴۲-۱۳۴۱	۳۰۲۸	۳۶
۴۳-۱۳۴۲	۳۰۷۰	۴۲
۴۴-۱۳۴۳	۳۳۸۱	۳۱۱
۴۵-۱۳۴۴	۳۶۶۷	۲۸۶
۴۶-۱۳۴۵	۴۳۲۴	۶۵۷



نمودار افزایش دانش‌آموزان مدارس ایران در عراق

سفرهای فرهنگی

لژوم مسافرت و دیدار جوانان ایرانی و عراقی از کشورهای یکدیگر :

راست است که ایجاد علاقه و همبستگی بین ملل و جوامع از طریق گوناگون انجام می‌پذیرد ولی بتجربه ثابت شده است که همبستگی فرهنگی و خلط و آمیزش از رهگذر تماس و رفت و آمد و مآلاً برخورد افکار و عقاید، مبانی دوستی و وداد و صمیمیت را بیشتر مستحکم میکند زیرا هر چه که فارغ از ماده و بر اساس معنی و معنویت پی‌ریزی شود قهراً استوارتر خواهد بود . ملتین ایران و عراق بشهادت تاریخ قرون و اعصار متمادی است که بایکدیگر تماس و ارتباط دارند . خوی و آدابشان در تمدای قرون چنان بهم آمیخت که تفکیک و تمایز آن خالی از اشکال نیست . قبل از اسلام روستائیان ایرانی در سواحل فرات و دجله کشاورزی و دامداری میکردند و شبکه آبیاری بین‌النهرین بسبک و روش ایران ترتیب و تنسيق یافت . فنون و صنعت و ساختمان نیز از افکار ایرانیان باین سرزمین تراوش کرده است قسمیکه غالب آلات و ابزار نجاری و آهنگری و بنائی و کشاورزی در عراق هنوز با سامی و اصطلاحات ایرانی نامیده میشوند .

نهضت مقدس محمد (ص) و ظهور دین مبین اسلام این رشته علاقه را بیشتر پیوند و استحکام بخشید و دولت را در عین آنکه ملیت و نژاد متمایز دارند بلحاظ اتحاد و تعاون همدردی و توحید افکار و عقاید دارای جهت



دانش‌آموزان ودانشجویان دبیرستان بیوت‌الامه کاظمین و هنرستان دختران منصور
ودانشرای بغداد درحضور آقای دکترهدایتی وزیر آموزش وپرورش ایران

جامعه ومابه‌الاشتراك واحدكرده است . ملتین ایران وعراق قطع‌نظر ازجنبه
سیاسی كه در حوصله این مقال نیست واقعاً یكدیگر علاقمند هستند . كمتر
خانواده عراقی است كه بعلى از علل وعوامل مختلفه گوشه چشمی بایران
نداشته باخانواده‌ای از خانواده‌های ایرانی قرابت و پیوستگی نداشته باشد . . .
دریغ آمد كه این علاقه پی‌گیر بدیده اعتنا نگرسته نشود وبر اثر
گذشت زمان در درون غبارنسیان وفراموشی مستور وتدریجاً محو ومعدوم
گردد بهمین جهت از چندی پیش در نظر گرفته شد كه برای استواری هرچه
بیشتر روابط دوستی وهمجواری بین دومت ایران وعراق از جهات مختلف
اقدام شود كه یكی از آن جهات وجوانب اعزام كاروانهای فرهنگی وجوانان
دانشجو ودانش‌آموز از عراق بایران وبالعكس بوده است . دوسال قبل این
فكر واندیشه از قوه بفعل آمد واز آن‌پس جوانان ایرانی وعراقی بسیر وسفر
ودید وبازدید از کشورهای یكدیگر پرداختند ودر خزینه خاطر از معارف

و معالِم دولتِ خاطراتِ فراوانی که صرفاً مبتنی بر محسوسات و مشهودات عینی است جمع‌آوری کرده‌اند. پیدا است بازدید جوانان عراقی از ایران و مشاهده آثار تاریخی و مظاهر ترقیات و آبادانیهای شگرف ایران در روح و جانیشان چنان حسن‌اثربخشید که خاطرات خوش و فراموش‌نشدنی آن سیر و سفرها در محیط مدارس و دانشکده‌ها و خانواده‌های عراقی هنوز نقل و نقل و مجالس مییابد.

کاروانهای عراقی که بایران سفر کردند

الف - در تعطیلات زمستانی بهمن‌ماه ۱۳۴۲ قریب سیصد نفر از استادان و دانشجویان و دانش‌آموزان و پیشاهنگان عراقی در نه دسته کاروان فرهنگی بشرح زیر بایران عزیمت کردند:

- ۱ - استادان و دانشجویان دانشکده علوم بغداد ۸ نفر
- ۲ - استادان و دانشجویان دانشکده ادبیات بغداد ۳۸ »
- ۳ - دانشجویان تونسی دانشگاه بغداد ۲۹ »
- ۴ - دانشجویان مراکشی دانشگاه بغداد ۲۹ »
- ۵ - پیشاهنگان عراقی ۴۹ »
- ۶ - دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان الکاظمیه ۵۱ »
- ۷ - دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان یعقوبیه بغداد ۲۱ »
- ۸ - دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان الشعب بغداد ۳۳ »
- ۹ - دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان شالجه بغداد ۱۶ »

اولیای وزارت آموزش و پرورش و پیش‌آهنگی ایران از این‌عده در شهرستانهای ایران استقبال و پذیرائی کردند آنانکه با راه‌آهن بخراسان و خوزستان عزیمت کردند برای آنان بلیط نصف‌بها تهیه شد. دودستگاه اتوبوس در تمام مدت اقامت در اختیارشان بود. هنگامیکه در تهران اقامت داشتند در هتل‌های ریتس و آپادانا و توریست و زیبا و سایر مهمانخانه‌های درجه اول ساکن بودند و کلیه مخارج آنان پرداخت گردید. مترجمین و راهنمایانیکه بزبانهای عربی و انگلیسی و فرانسه آشنا بودند کاروانیان را در همه‌جا هدایت و راهنمایی کردند. . . . خلاصه جوانان عراقی از این سیر و سفر با قلبی مملو از شادی و امتنان و ارمغانها و ره‌آوردهای فراموش‌نشدنی بوطن مألوف بازگشتند.

ب- چون مسافرتهاى قبلى كاروانهاى عراقى بايران و پذيرائيهاى گرم و صميمانه ايكه از آنان بعمل آمد و مقايسه آن باخونسردى بعضى كشورها نسبت بجوانان عراقى لزوم و تقدم مسافرت بايران را بر جوانان عراقى روشن كرده بود لذا در تعطيلات زمستانى بهمن ماه ۱۳۴۳ و ايام نوروز و خرداد و تير ماه ۱۳۴۴ رويهمرفته بيست و يك دسته كاروان عراقى مركب از ۶۵۰ نفر استاد، دبير، دانش جو، دانش آموز و پيشاهنگك بشرح زير بايران سفر كردند :

- ۱ - دختران پيشاهنگك دبيرستان شرقيه بغداد ۹۰ نفر
- ۲ - دبيران و دانش آموزان هنرستان دختران منصور بغداد ۲۶ »
- ۳ - دانشجويان دانشكده علوم بغداد ۲۷ »
- ۴ - دانشجويان دانشكده تجارت بغداد ۱۹ »
- ۵ - دانشجويان علوم ادارى دانشكده بغداد ۱۸ »
- ۶ - دانشجويان تونسى دانشگاه بغداد ۲۵ »
- ۷ - دانشجويان دانشسرايعالى و تربيت معلم بغداد ۴۰ »
- ۸ - ورزشكاران دانشسرايعالى بغداد ۳۹ »
- ۹ - دانش آموزان صنعتى و مكانيكى بغداد ۴۲ »
- ۱۰ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان عراقى كربلا ۳۶ »
- ۱۱ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان اعظميه بغداد ۴۰ »
- ۱۲ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان الجعيفر بغداد ۲۴ »
- ۱۳ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان بيوت الامة المسائية الكاظمية ۳۶ »
- ۱۴ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان شماسيه بغداد ۲۲ »
- ۱۵ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان ابى العلاء المعرى ۲۳ »
- ۱۶ - دبيران و دانش آموزان دبيرستان گر كوك ۲۹ »
- ۱۷ - معلمين و دانش آموزان مدرسه راهبات بغداد وابسته بميسيون مذهبى فرانسه ۲۹ »
- ۱۸ - پيشاهنگان دبيرستان العربيه بغداد ۱۳ »
- ۱۹ - پيشاهنگان دبيرستانهاى ابن رشد و صليخ بغداد ۲۶ »
- ۲۰ - پيشاهنگان دبيرستان پسران شرقيه بغداد ۳۹ »
- ۲۱ - پيشاهنگان ديوانيه ۴۸ »

جوانان عراقى در مسافرت بايران آنچنان شيفته مهر بانها و پذيرائيهاى گرم ايرانيان و عظمت آثار باستانى و پيشرفته هاى اخير ايران شده اند كه شور

و نشاط و جبین گشاده آنان بهنگام ابراز احساسات دوستانه و عواطف حقشناسی واقعا دیدنی بود . مرتباً با آقای کوثری رایزن فرهنگی میگفتند « آقا مملکت شما خیلی پیشرفت کرده بهر شهرستانیکه رفتیم همه جا را آباد و زیبا دیدیم . هرگز فکر نمی کردیم که تا این اندازه مورد محبت و نوازش ایرانیان واقع شویم . خواهش میکنم تشکر و درود و سلام گرم ما را بشاهنشاه مفخم و بمیزبانان گرامی و بکلیه ملت ایران ابلاغ کنید) عین این مطالب را با شرح و بسط کافی در جراید بغداد و این سرپرستی منعکس کردند که مراتب در همان موقع بمقامات مربوطه گزارش شده است . اکنون برای آنکه حسن اثر و نتایج سودمند سیروس و سیاحت جوانان عراقی در کشور ایران کاملاً روشن گردد لازم میدانم که رونوشت بعضی از نامه هارا از نظر خوانندگان محترم بگذرانم .

دفتر مخصوص شاهنشاهی

شماره ۲۷۷ - ۴۴۱۲۲

آقای رایزن فرهنگی سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در عراق

نامه شماره ۷۵۷۴ - ۴۳۱۲۲ متضمن گزارش درباره مسافرت استادان و دبیران و دانشجویان و پیشاهنگان عراقی که در بهمن ماه بایران مسافرت کرده اند بضمیمه رونوشت نامه شماره ۶۸ رئیس دبیرستان دخترانه شرقیه بغداد مبنی بر اظهار خشوقتی و امتنان از پذیرائی که در ایران از آنان بعمل آمده است از شرف عرض لحاظ مبارك ملو کانه گذشت و موجب خشنودی و انبساط خاطر مبارك شاهانه گردید . امر فرمودند از این احساسات صمیمی آنها بطور مقتضی قدر دانی شود .

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

دربار شاهنشاهی

شماره ۱۴۵۰۰

تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۸

آقای راین فرهنگی سفارت کبرای شاهنشاهی در بغداد
وسرپرست آموزشگاههای ایران در عراق

گزارش شماره ۷۵۷۴ مورخ ۱۳۴۳/۱۲/۲ سرکار همراه با ترجمه نامه
مدیره دبیرستان شرقیه دخترانه بغداد اشعاری بداره راینی فرهنگی سفارت
کبرای شاهنشاهی واصل گردید جای خوشوقتی است که همسایگان ما اقدامات
سودمندی را که در کلیه شئون مملکتی برهبری شاهنشاه معظم و خردمند ما
صورت گرفته است برأی العین مشاهده و تا این حد مورد توجه واقع شده
است. رونوشت گزارش سرکار از جهت اطلاع بوزارت آموزش و پرورش
و سازمان پیش آهنگی ایران ارسال گردیده است.
وزیر دربار شاهنشاهی

وزارت فرهنگ و هنر

شماره ۱۶۲۱۹۱۸۲

تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۲

آقای سرپرست آموزشگاههای ایران در عراق

نامه شماره ۷۵۷۴ مورخه ۱۳۴۳/۱۲/۲ شما با خشنودی دریافت شد.
از اینکه مهمان نوازی هموطنان از استادان و دبیران و دانشجویان و دانش آموزان
و پیشاهنگان عراقی مورد توجه مقامات فرهنگی کشور عراق قرار گرفته
بسیار مسرورم و مخصوصاً توجه آنان به پیشرفتهای کشور ما موجب خشنودی
و سرور وافر است. ضمن آرزوی موفقیت شما در امور فرهنگی امیدوارم

اینگونه مناسبات حسنه وروابط معنوی بین مقامات فرهنگی ایران و عراق
همواره ازدیاد یابد وموجبات تشیید وبسط آن بیش ازپیش فراهم آید .
وزیر فرهنگ وهنر - مهرداد پهلبد

وزارت اطلاعات

شماره ۳۸۲۴۱ ط ت ۷۳۷۴۴
تاریخ ۴۳/۱۲/۲۶

سرپرستی محترم آموزشگاههای ایران درعراق

بازگشت بنامه شماره ۷۵۷۴ مورخ ۴۳/۱۲/۲۲ ضمن اظهار تشکر
از مساعی آن سرپرستی درتنظیم برنامههای مسافرت گروههای فرهنگی
کشور عراق بایران وزارت اطلاعات نیزدرسهم خود سپاسگزارست .
وزارت اطلاعات

کاروانهای ایرانی که بعراق سفر کردند :

الف - در تعطیلات فروردین ۱۳۴۳ کاروان فرهنگی دبیرستان
سعید تهران بسرپرستی آقای بزرگ سعید وعده کثیری از فرهنگیان تهران
و کرمانشاه وسایر شهرستانهای ایران باتفاق عائله وبمنظور زیارت اعتاب
مقدسه بعراق آمدند ودرمدارس ایرانی کاظمین و کربلا ونجف درحدود
مقدورات وامکانات از آنان پذیرائی بعمل آمد .

ب - در آذرماه ۱۳۴۳ بدعوت جناب آقای دکتر پیراسته سفیر کبیر
شاهنشاهی ایران درعراق تعداد چهل وهشت نفر از دانشجویان دانشکده حقوق
تهران وابسته بجمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد بعراق آمدند
ودر سالن دبستان اخوت ایرانیان در کاظمین از آنان پذیرائی شد . دانشجویان

مزبور در این سفر بزیارت مشاهد متبرکه در نجف و کربلا و سامرا نیز نائل شدند و از طاق کسری نیز بازدید کرده پس از یک هفته بایران مراجعت کردند .
ج - در تعطیلات فروردین ۱۳۴۴ کاروانهای بشرح زیر از ایران بعراق آمدند :

- ۱ - رؤسای ادارات وزارت آموزش و پرورش و فرهنگهای نواحی تهران باتفاق عائله ۶۰ نفر
- ۲ - رؤسا و دبیران دبیرستانهای استان پنجم کرمانشاه باتفاق عائله ۵۰ »
- ۳ - کاروان فرهنگی دبیرستان سعید تهران بسرپرستی آقای بزرگ سعید ۵۰ »
- ۴ - دانشجویان کانون دانشجویان ایران و آمریکا بسرپرستی خانم ضیائی ۳۶ »

از کاروانهای فرهنگی مزبور بنحومطلوب و مقتضی در مدارس ایرانی اخوت و شهربانو در کازمین پذیرائی بعمل آمد و محل سکونت و وسائل لازم در اختیارشان گزارده شد .

د - تیرماه ۱۳۴۴ - یکی از مشگلاتیکه در راه تقویت حس ملیت دانشجویان و دانش آموزان ایرانی مقیم عراق وجود داشت این بود که غالب آنان با وجود ایرانی بودن هرگز وطن مالوف و زادگاه نیاکان خویش را ندیده بودند ، اطلاعات و معلومات آنان راجع بایران در حدود مسموعات بود که غالباً با واقعیت تطبیق نمیکرد . لذا بدعوت جناب آقای دکتر پیراسته سفیر کبیر شاهنشاهی ایران در عراق اولین دسته کاروان فرهنگی دانشجویان و دانش آموزان ایرانی مقیم عراق مرکب از ۳۷ نفر دانشجویان دانشگاه بغداد و ۲۹ نفر دانش آموزان دبیرستانهای ایرانی بغداد و نجف و کربلا بسرپرستی آقای عمادزاده دبیر دبیرستان شرافت ایرانیان بغداد و دو نفر کمک سرپرست و یک نفر خدمتگذار در تاریخ هشتم تیرماه ۴۴ بمست ایران عزیمت کردند و مدت بیست روز بر طبق برنامه منظم و مصوب از استانهای کرمانشاه و تهران و گیلان و مازندران و اصفهان و شیراز بازدید کردند و همه جا از آنان استقبال و پذیرائی گرم و صمیمانه بعمل آمد ، آثار تاریخی و مظاهر و ترقیات و پیشرفتهای آبادانیهای ایران را از نزدیک مشاهده کرده در اواخر تیرماه با خاطرات خوش و افکار و روحیاتی ممتلی از عشق و علاقه شورانگیز نسبت بشاه و وطن بعراق مراجعت کردند .

تشکیل مجالس و جشنها

مجلس دعا بشکرانه سلامت شاهنشاه

ساعت ۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۴۴ عده کثیری از ایرانیان مقیم بغداد و کاظمین و فرهنگیان و کارمندان سفارت کبری و سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در بغداد با حضور جناب آقای دکتر پیراسته سفیر کبیر شاهنشاهی در حیاط دبستان اخوت ایرانیان در کاظمین مجتمع گردیدند تا بشکرانه سلامت مظهر ملیت و تمامیت ایران که در سوء قصد معروف مشمول تفضل و عنایت الهی واقع شده اند بتوسل و دعا بپردازند. بدو آقای مهدی پرتوی معاون رایزنی فرهنگی قصیده ایراکه در پیرامون سوء قصد و لزوم رژیم شاهنشاهی و اهمیت مقام سلطنت سروده بودند قرائت کردند که با احساسات پر شور ایرانیان مقیم مواجه گردید. سپس آقای خدامراد مرادیان دبیر دبیرستان شرافت خطابه ای راجع به نابسامانیهای گذشته و ماهیت انقلاب ششم بهمن و نقش مؤثر شاهنشاه قرائت کردند که با هورا و کف زدنهای ممتد مورد تأیید قرار گرفت. در پایان جلسه جناب آقای دکتر پیراسته سفیر کبیر شاهنشاهی نطق مبسوطی در اطراف پیشرفتهای شگرف ایران که زاده و نتیجه انقلاب سفید شاه و مردم است ایراد کردند که شور و هلهله حاضران مجلس را مزید کرده صحن دبستان اخوت کاظمین

فی الواقع يك پارچه احساسات شور وطن پرستی و شاهدوستی شده بود .

جشن روز اقبال

ساعت ۷ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۴۴ مجلس جشنی بمناسبت روز تولد شاعر شیرین سخن پاکستانی شادروان اقبال لاهوری از طرف سفارت پاکستان در سالن قاعة الشعب بغداد منعقد گردید . در این مجلس که عده کثیری از وجوه معاریف و دانشمندان عراقی و سفراء و کارمندان سفارتین ایران و پاکستان و فرهنگیان ایرانی حضور داشتند بترتیب از طرف آقایان سفیر کبیر پاکستان و وزیر فرهنگ عراق و رئیس دانشکده ادبیات بغداد و یکی از دانشمندان عراقی خطابهائی در پیرامون مقام ادبی اقبال ایراد گردید و اشعاری را که دو نفر شاعر عراقی و پاکستانی بدین مناسبت سروده بودند قرائت کردند . در پایان جلسه رشته سخن بدست آقای علی اکبر کوثری رایزن فرهنگی و سرپرست مدارس ایران در عراق افتاد و خطابه شیوا و محققانه ای در اطراف مقام عرفانی اقبال و مقایسه آن با مشرب عرفانی مولانا جلال الدین



جشن روز اقبال در قاعة الشعب بغداد

از چپ براست : آقایان وزیر فرهنگ عراق و سفیر کبیر پاکستان و رئیس دانشکده ادبیات بغداد و کوثری رایزن فرهنگی در این عکس دیده میشوند

محمد بلخی (مولوی) وحافظ و سایر شعرای عرفانی ایران ایراد کردند که بی نهایت مورد توجه استادان فن واقع شده است . (خطابه مزبور بعثت احتوای بعض دقائق فلسفی و عرفانی در پایان این فصل درج میشود)

جشن چهارم آبان ۱۳۴۴

بمناسبت میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر جشنی باشکوه و جلال کم سابقه‌ای در محوطه دبستان شرافت ایرانیان بغداد واقع در خیابان (الرشید) برگزار گردید . کلیه کارکنان سفارت کبری و سرکنسولگری شاهنشاهی و فرهنگیان و ایرانیان مقیم بغداد و کاظمین در این جشن فرخنده حضور داشتند . سرتاسر حیاط و دیوارها و کریدورهای دبستان باتمثال مبارك شاهنشاه و شهبانوی و الاحضرت همایون ولایتعهد و پرچمهای سهرنگ و قالیه‌های ایران مزین شده بود .

ابتدا سرود ملی شاهنشاهی نواخته شد و مراسم برافراشتن پرچم از طرف پیشاهنگان انجام گردید . آنگاه آقای کوثری راین فرهنگی و سرپرست مدارس ایران و عراق در پیرامون مبارکی و میمنت این روز فرخنده و تحولات عظیم کشور و اهمیت و عظمت کنگره جهانی مبارزه



دبیرستان شرافت بغداد - جشن چهارم آبان سال ۱۳۴۳

با بیسوادی که بر اثر توجهات و ابتکارات خاصه ذات اقدس شهر یاری تحقق یافت شرح مبسوطی بیان کردند. گزارش امور تحصیلی از طرف آقای عباس هنرور رئیس دبیرستان شرافت قرائت گردید و مخصوصاً از اینکه دیپلمه‌های دبیرستان شرافت ایرانیان بغداد حسب الامر شاهنشاه و بر طبق تصویب‌نامه شورای مرکزی دانشگاه‌های ایران از سال تحصیلی ۴۵ - ۱۳۴۴ بدون انجام امتحان مسابقه ورودی در دانشگاه‌های ایران پذیرفته شدند موجب کمال سرور و خوشحالی حاضرین گردید. سپس برنامه جشن که بیشتر جنبه ورزش و بازیهای تفریحی داشت بنحویه مطلوبی اجراء شد و از مدعوین با صرف جای و شیرینی پذیرائی گرمی بعمل آمد. جشن مزبور در ساعت (۵) بعد از ظهر با فربادهای شادی حضار جلسه و غریو هلهله شورانگیز دانش‌آموزان و جوانان ایرانی مقیم عراق پایان یافت.

جشن نهم آبان در اداره سرپرستی

عصر روز یکشنبه نهم آبان ماه ۱۳۴۴ بمناسبت میلاد مسعود و الاحضرت همایون ولایتعهد جشن باشکوهی با حضور جناب آقای سفیر کبیر و اعضای سفارت و سرکنسولگری و خانمها و آقایان فرهنگیان و فرزندان ایشان در باغ سرپرستی منعقد گردید. بدو آ پنج شمع زیبا که بر روی نان کیک بزرگی بافتنار پنجمین سال ولادت و الاحضرت والا گهر روشن شده بود از طرف یکی از دختران خردسال خاموش شد. آنگاه جناب آقای دکتر پیراسته سفیر کبیر شاهنشاهی در پیرامون تاریخ رژیم شاهنشاهی و لزوم تبعیت و حمایت از این سنت مقدس و مخصوصاً توجهات خاصه شهر یاری نسبت بایرانیان مقیم عراق و تغییر محل مدارس، تهیه لباس و لوازم التحریر و تأمین یک وعده غذا برای دانش‌آموزان ایرانی نطق مبسوطی ایراد کردند. سپس از مدعوین بصرف میوه و شیرینی پذیرائی بعمل آمد و چند حلقه فیلم از زندگی و الاحضرت ولایتعهد و ورزش باستانی و پیشرفتهای اخیر ایران نمایش داده شد این جلسه پر شور در ساعت ۶:۵۰ بعد از ظهر با ابراز احساسات شدید نسبت بشاهنشاه آریامهر و دوام و بقای خاندان جلیل سلطنت پایان یافت.

اساسی فلسفہ اقبال شاعر پاکستانی

متن سخنرانی آقای کوثری در جشن (روز اقبال)
چندی پیش در سائن ملی بغداد مجلسی بیاد محمد اقبال فیلسوف
وشاعر نامدار پاکستانی با حضور سفرای کبار ممالک اسلامی و استادان
دانشگاه و دانشمندان عراقی بریاست آقای شگری صالح زکی وزیر
آموزش و پرورش برپا گردید. در آن مجلس آقای کوثری راین
فرهنگی ایران بدعوت سفارت پاکستان درباره اساس فلسفہ اقبال
سخنرانی جالبی ایراد نمودند که در زیر بنظر خوانندگان گرامی میرسد.

جناب آقای رئیس. خانمها، آقایان

از جناب آقای رئیس جلسه وسفارت کبرای پاکستان کمال تشکر را
دارم که بمن تکلیف فرمودند تا در این جلسه باشکوه درباره علامه مرحوم
اقبال لاهوری سخن گویم، روزیکه این پیشنهاد بمن شد نزدیک بود بعلت
گرفتاری اداری واشتغال بامرامتحانات به بخت خویش پشت پا بزنم واز اقبالی
که بمن رو کرده است روبرگردانم ولی از آنجاکه از دیرباز در ساعات فراغت
برسبیل تفنن بادیوان اقبال عشق ورزی میکردم وغبار غم واندوه زندگی
را بامعجون فکراقبال ازدل میزدودم دریغم آمد کفران نعمت کنم واین
پیشنهاد را نپذیرم لذا بامیلی اندک قدم پیش نهادم واین مهم را پذیرفتم.

این بار دواوین اشعار و آثار اقبال را نه از روی تفنن بلکه بمنظور تحقیق و تتبع مطالعه کردم دیدم در کنار چه گنج گرانبهائی عمری بوالهوسی کردم و از روی جد به آن ننگریستم وقتی در ژرفنای دریای افکار او فرو رفتم گذشت را مانند طفلانی دیدم که در کنار دریا با سنگ ریزه ها بازی میکنند و از گوه رهای درون آن بیخبرند اکنون که در مقابل شما استادان معظم و سروران گرام ایستاده ام به خود میبالم و از بخت خویش خرسندم که پس از عمری غفلت معرفت کامل بحال معشوق خویش پیدا کرده ام و از شادمانی چنانم که عاشقی در محضر اهل دل وصف معشوق کند و حدیث عشق گوید پس جاداشت با آنهمه ادب و احترام در صدر مقال از جناب آقای رئیس جلسه و سفارت کبرای پاکستان اظهار امتنان کنم چه مرا از خواب غفلت بیدار کرده و عاشق و معشوق را بهم نزدیکتر کردند ولی با این وجود اقرار میکنم در این مدت کوتاه و فرصت کم از اینهمه در حکم بقدر طاقت و استعداد فطری خود کمی بیچنگ آورده ام باشد که شمع هدایتی شود و روزگاری به عمق افکار آن مصلح کبیر و فیلسوف شهیر دست یابم . اما قبل از هر چیز باید دید این فرزند سرزمین هند چرا پارسی گوی شد و مکنونات قلبی خویش را باین زبان در جهان منتشر کرد .

همه میدانیم مردمان پاکدل و روشن ضمیر هند بدست ایرانیان اسلام آوردند و بهمین مناسبت همراه بادین اسلام زبان فارسی را نیز بحکم اقترا ن سعدین پذیرفتند و باین زبان شیرین باخدای خویش راز و نیاز کردند . نزدیک به سیزده قرن زبان پارسی در هند رواج داشت و از این قد پارسی که بهندوستان رفت طوطیان آن سامان شکرشکن شدند . در عهد مغولان و سپس سلاطین صفوی چنان هنر و شعر فارسی در سرزمین هند رونق گرفت که بلاد معموره هند آینه تمام نمای شهر اصفهان گشت و صنایع ایرانی در هندوستان رواج کامل یافت . شعر و ادب فارسی در سرزمین هندوستان تا آنجا رونق گرفت که هر صبحدم شاعری زودرنج از حکمرانی ادب شناس سرگرانی میدید شامگاهان چون آفتاب از کشورش خارج میشد و بهندوستان میرفت .

گرفلك يك صبحدم بامن گران گردد سرش

شام بیرون میروم چون آفتاب از کشورش

دربار سلاطین هندوستان که همه مسلمان و غالب ایرانی نژاد بودند محفل علم و ادب گشت و کانون شعر و ادب فارسی از اصفهان و شیراز و هرات به دهلی و آکره و پنجاب انتقال یافت .

تعلیمات عالییه اسلامی و ذوق و هنر ایرانی و استعداد پذیرش هندی

در این سرزمین تمدنی بوجود آورد که هندیان مسلمان را از برادران هموطن خویش مجزا کرد تا امروز در عهد ما آثار آن تمدن، مملکت پاکستان دوست و برادر ایران را بوجود آورده است.

در چنین اوضاع و احوالی علماء هندی ترجیح میدادند افکار و عقاید خود را بازبان شیرین فارسی بیان کنند تا زبانهای محلی هندی بخصوص در آن روزگاران که زبان فارسی در قسّم اعظم ممالك امروزی آسیا زبان رسمی متداول بود. از طرف دیگر برای بیان معارف اسلامی و عرفان و هنر ایرانی زبان هندی رسا و توانا نبود و آن لهجه‌های محلی مجال بیان آنهمه ریزه کاری‌های فکری و هنری را نداشت.

چه بهتر است در این باره سخن کوتاه کنم و با ذکر ابیاتی چند از خود گوینده توانا از ابراز دلیل بی‌نیاز گردم.

هندیم از پارسی بیگانه‌ام ماه نو باشم تهی پیمان‌هام
گرچه هندی در عذوبت شکر است طرز گفتار دری شیرین‌تر است
پارسی از رفعت اندیشه‌ام در خورد با فطرت اندیشه‌ام
بلی رفعت اندیشه و بلندی فکر فیلسوف مارا پهنه زبان فارسی
جوابگوی بود نه تنگنای قفس لهجه‌های محلی هندی. اما به بینیم اوچه میگفت و چه میخواست.

اقبال در وجود انسان قائل بیک نوع شخصیت خاص بود که از آن تعبیر بخودی میکرد و معتقد بود باید از این موهبت الهی حداکثر استفاده بشود. میبایست بلندپرواز بود و به ننگ و ذلت تن در نداد. در حالی که میگفت:
این علفزار جهان هیچ است هیچ تو بر این موهوم ای نادان هیچ
معتقد بود: هستی یعنی کوشش و مجاهدت و نیستی سکوت و آرامش. با اینکه دنیا فانی است و زود گذر باید قطع امید و آرزو نکرد و همیشه در تقلا بود.
چه پرسی از کجایم چیستم من بخود پیچیده‌ام تا زیستم من
درین دریا چو موج بقرارم اگر برخود نه پیچم نیستم من
در کتاب اسرار و رموز با الفاظ شیرین و بیان لطیف خودی را چنین تعریف میکند:

پیکر هستی ز آثار خودی است	هر چه می‌بینی ز اسرار خودی است
چون حیات عالم از زور خودی است	پس بقدر استواری زندگی است
باده از ضعف خودی بی‌پیکر است	پیکرش منت پذیر ساغر است
کوه چون از خود رود صحرای شود	شکوه سنج جوشش دریا شود

موج تا موج است در آغوش بحر می کند خود را سوار دوش بحر
شمع هم خود را بخود زنجیر کرد خویش را از ذره ها تعمیر کرد
نفی شخصیت و خودی را از افکار مردمان شکست خورده و بدبخت
میداند و میفرماید :

هر که در قعر مذلت مانده است ناتوانی را قناعت خوانده است
در حکایت شیر و گوسفندان آنجا که از زبان گوسفند جهان دیده
به شیران درنده میگوید :

جستجوی عظمت و سطوت شراست تنگدستی از امارت خوشتر است
ذره شو صحرا مشو گر عاقلی تا ز نور آفتابی برخورداری
نشان میدهد گوسفند اسیر شیر نر خونخواره باین الفاظ میخواهد
دل شیر را بکف آرد و از خونخواری باز دارد . اینکار را ننگ میدارد
و بهمین جهت وقتی در وصف مولای متقیان علی سخن میگوید چنین ابراز
عقیده میکند :

در جهان نتوان اگر مردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگی است
یا جای دیگر میگوید :

مثل حیوان خوردن آسودن چه سود گریختن محکم نیی بودن چه سود
اقبال مرگ با نام را بر زندگی ننگین ترجیح میدهد . میگوید
آمال و آرزو یعنی زندگی ، باید آرزو کرد تا زنده بود . هر شکست در زندگی
باید نردبانی برای توفیق باشد و آرزوها را باید در دل پروراند و کوشش کرد
تا به آنها رسید .

زندگی در جستجو پوشیده است اصل او در آرزو پوشیده است
آرزو را در دل خود زنده دار تا نگرده مشت خاک تو مزار
ما زتخلیق مقاصد زنده ایم از شعاع آرزو تابنده ایم
اما متوجه این نکته هست که این خودی ها خودپرستی نشود و دنیا
بصورت آدمی گرگ آدمخوار در نیاید . لذا میگوید این خودی با عشق
و محبت استحکام میپذیرد و باید خودیها را بهم پیوند زد و باهم آشناساخت .
چون بیان شاعر وافی بمقصود است از توضیح صرف نظر میکنم و از زبان
خود او میگویم :

نقطه نوری که نام او خودی است زیر خاک ما شرار زندگی است
از محبت میشود تابنده تر زنده تر سوزنده تر پاینده تر
باید خودیها را با خودی دیگران آمیخت و هر جا به مرشدی کامل

و پیری واقف بر خوردی خودی خود را در خودی او بسوزان و محو کن .
 کیمیا پیدا کن از مِشت گِلی بوسه زن بر آستان کاملی
 شمع خود را همچو رومی بر فروز روم را در آتش تبریز سوز
 که اشاره به سر سپردن ملای روم به شمس تبریز و محو شدن آن شخصیت کامل
 و تواناست در وجود والای شمس تبریز و مکالمه ملای روم و شمس تبریز
 و طرز بر خورد و فتنای خودی ملارا در خودی شمس بدین الفاظ شیرین بیان میکند :

پیر تبریزی از ارشاد کمال جست راه مکتب ملا جلال
 گفت این غوغا و قیل و قال چیست این قیاس و وهم و استدلال چیست
 مولوی فرمود نادان لب به بند بر مقالات خردمندان مخند
 پای خویش از مکتبم بیرون گذار قیل و قال است این ترا باوی چه کار
 سوز شمس از گفته ملا فزود آتشی از جان تبریزی گشود
 بر زمین برق نگاه او فتاد خاک از سوز دم او شعله زاد
 آتش دل خرمن ادراک سوخت دفتر آن فلسفی را پاک سوخت
 مولوی بیگانه از اعجاز عشق ناشناس نغمه های ساز عشق
 گفت این آتش چنان افروختی دفتر ارباب حکمت سوختی
 گفت شیخ ای مسلم ز نژادار ذوق و حال است این ترا باوی چه کار
 این خودیها وقتی درهم آمیخت و با معجون مهر و محبت استحکام
 پذیرفت همه باید منتقل شود بخودی سرور کائنات و اشرف مخلوقات پیغمبر
 اکرم محمد (ص) رسول خدای که نقطه پرگار هستی است . در اینجا است که
 دم از وحدت اسلام میزند و امتیازات نژادی و ملی را کنار میگذارد و در وصف
 رسول خدا میگوید :

امتیازات نسب را پاک سوخت آتش او این خس و خاشاک سوخت
 و معتقد است ممالک اسلامی باید اختلاف نظر را کنار گذاشته همه در تحت پرچم
 اسلام و تعلیمات قرآن بسوی ترقی و تعالی پیش بروند . از تقلید ممالک
 اروپائی پرهیزند و با شهر اسلام و آئین خویش در آسمان تمدن به جولان
 در آیند . همه مسلمانان جهان را به برادری و برابری میخواند و میگوید :
 از حجاز و چین و ایرانیم ما شبنم یک صبح خندانیم ما
 این خودی که وصف آن گفته شد اساس فلسفه و چکیده عقیده اوست
 که در هر مورد و در هر مسئله این رنگ اصلی و اساسی را حفظ کرده است .
 وقتی مسائل سیاسی و اجتماعی را پیش میکشد این شخصیت در دل گفته های او
 خودنمایی میکند . در کتاب جاوید نامه که مانند دانه بسیر و سیاحت افلاک

میپردازد و از زبان ملائک سخن میگوید این شخصیت را اساس گفتار خویش قرار میدهد. هر کجا از زبان حیوانات برای تنبه بشر قصه‌یی میسازد و حکایتی آغاز میکند برای اظهار این عقیده و اثبات این خودی است.

درارمغان حجاز با دویته‌های دلنشین، با کلامی لطیف و جانسوز همین شخصیت را توجیه و تفسیر میکند که بعثت کمی فرصتی که باینجانب داده شده است از ذکر این مسائل خودداری میکنم ولی برای آنکه این مقال با اختصاری که دارد جامع باشد گوئیم شاعرو فیلسوف توانای ما با ادبیات فارسی آشنائی کامل داشت، در طرز گفتار و سبک شعر رویه جلال‌الدین خراسانی معروف بملای روم را تقلید میکرد و در تمام آثار خود از او با احترام یاد کرده و بنامهای مختلف ملا جلال، مرشد کامل، پیر روم و عناوین دیگر مطالبی از او ذکر میکند. دیوان اشعار اغلب از شعرا و عرفای ایران را دیده است و با افکار آنان آشنائی کامل دارد. روی تعصب مسلمانی بکلیه ممالک اسلامی مهر میورزد و آنها را ارشاد میکند. در یک دویته لطیف چنین میگوید:

گهی شعر عراقی را بخوانم گهی جامی زند آتش بجانم
ندانم گرچه آهنگ عرب را شریک نغمه‌های ساربانم

از تألیفات او که بدوزبان فارسی وارد است صرف نظر میکنیم فقط در شرح حال او میگوئیم که فیلسوف شهیر پاکستان در سال ۱۸۷۷ در یکی از شهرهای پنجاب دنیا آمد. در هندوستان و انگلستان تحصیل کرد و در سال ۱۹۳۸ جهان فانی را وداع گفت و شاید این دویته را هم در اواخر برای مدعیانی چون حقیر که ادعای آشنائی با اوداریم سروده باشد.

چورخت خویش بر بستم از این خاک همه گفتند با ما آشنا بود
ولیکن کسی ندانست این مسافر چه گفت و با که گفت و از کجا بود



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از عبور از مقابل صف دانش‌آموزان دختر و ابراز
مرحمت نسبت بآنان برای بهبود وضع تحصیلی دانش‌آموزان اوامر لازم صادر فرمودند
۱۳۳۳/۱۲/۲۰

نظر بازرسان نسبت بمدارس ایرانی در عراق

مدارس ایرانی بابهترین مدارس عراقی برابری میکند :

شاید بنظر غریب آید که چگونه ممکن است مدارس ایرانی در این
خطه که بلسان عرب تکلم میکنند با مدارس عراقی یارای برابری
داشته باشند . عجبترا آنکه در مدارس عراقی فقط برنامه مصوب وزارت فرهنگ
عراق تعلیم داده میشود و حال آنکه در مدارس ایرانی باستناد مدلول قرارداد
منعقد فیما بین دولتین ایران و عراق هر دو برنامه مصوب ایران و عراق
الزاماً و تنوفاً تدریس میشود . مسلم است که انجام این مهم برای معلمان
بویژه اطفال دانش‌آموز خالی از اشکال و دشواری نیست چه طفل غالب
اوقات شبانه روز را بحکم ساختمان جسمانی باید بیازی و استراحت بپردازد



اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از آقای رهنما سرپرست آموزشگاههای ایران در عراق
نسبت بوضع مدارس و کیفیت تحصیل دانش آموزان پرسشهایی فرمودند
۱۳۳۳/۱۲/۲۰

وازانجام هرگونه وظیفه ومسئولیت سنگین بدورباشد ولی باوجود موانع ومشکلات یاد شده این بشارت را میدهد که اطفال وجوانان مستعد وهوشمند ایرانی درسرزمین عراق علاوه برآنکه هردوبرنامه را بخوبی فرا میگیرند دوشادوش دانش آموزان عراقی دربرنامه عربی پیش میروند ودر بعضی موارد گاهی پیشی میگیرند کما اینکه مدارس ایرانی چنددوره در امتحانات نهائی عربی از لحاظ تعداد قبولشدگان وسطح نمرات در میان کلیه مدارس عراقی در کربلا یا نجف حائزرتبه اول گردیده اند . شور و علاقه متصدیان ومعلمان ایرانی در تمشیت امور مدارس و کیفیت تعلیم وترتیب نیز قابل توجه ومایه بسی امیدواری وسرفرازی است بقسمیکه بازرسان تعلیماتی عراق باوجود دقت نظروباریک بینی نه تنها نتوانستند انتقاد کنند بلکه هنگام بازرسی بحسن جریان اموراتاداری وتعلیماتی مدارس ایرانی صحنه گذاشته اند که بعنوان شاهد مثال چند نمونه از نظرات آقایان بازرسان عراقی را ذیلا مینگارند :

۱ - نظریه راجع دبیرستان شرافت بغداد

در تاریخ ۳ و ۴ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۱ از دبیرستان شرافت بغداد بازدید نمودم امور اداری و درسی دبیرستان رضایت بخش بود آقای جعفر سلماسی در راه پیشرفت مدرسه سعی و کوشش فراوان مبذول داشته و توانسته است که پس از انتقال مدیر سابق استقرار و آرامش کامل در مدرسه برقرار نماید بدین مناسبت خوشوقتم که از ایشان تشویق و قدردانی نمایم . موفقیت و پیروزی بی نهایت مشارالیه را آرزو مندم . ضمناً از آقایان دبیران که با اداره دبیرستان همکاری میکنند و برای بالا بردن سطح معلومات علمی و ریاضی دانش آموزان کوشا میباشند تشکر میکنم . پیشرفت و پیروزی همه را خواهانم . امضاء : جوادالحصانی بازرس مخصوص اداری فرهنگ عراق

۲ - نظریه راجع دبستان دخترانه ثریا بغداد

در بازدیدیکه از مدرسه ثریای ایرانیان در بغداد بعمل آمدنکات زیر قابل ملاحظه بوده است :

روابط بین مدیره و معلمین خوبست . بانوی مدیره نسبت بوضع زندگی دانش آموزان از نظر روانی و بهداشتی توجه خاص مبذول میدارد . اقدامات بانوی مدیره در حفظ انضباط دانش آموزان بحدا علی قابل ستایش است . توجه بانو مدیره دبستان در بالا بردن سطح معلومات مدرسه عالیست و دروس معلمین بنحو مطلوب توزیع میشود . نظارت بر آموزش و رسیدگی بحال دانش آموزان و توجه بنظافت مدرسه و دفاتر مدرسه همه عالیست از اینرو بدینوسیله صمیمیت و علاقه شمارا نسبت ببهبود وضع مدرسه و دانش آموزان تقدیر کرده و مراتب تشکرات خود را اعلام میدارم . احمد مصطفی الخطیب

۳ - نظریه راجع دبستان ودبیرستان علوی نجف

صبح روز سه شنبه ۲۶/۱۲/۱۹۶۵ جهت ملاحظه جریان امتحانات از آموزشگاه علوی نجف بازدید بعمل آمد و ملاحظه گردید . امتحانات دو قسمت ابتدائی و متوسطه حقیقتاً نمونه بود و آقای مدیر و معاون و اعضای کادر آموزشی محترم جهت تطبیق کلیه دستورات صادره از مدیریت کل شئون فنی (دستورات وزارت تربیت عراق) کوششهای فوق العاده ای که شایان

یادآوری و تشکر است مبذول نموده‌اند . نظم و انضباط و تسلط کامل بر جریان امتحانات ممتاز و مراعات شرائط و اصول تربیتی در آن شده بود . آری مطالب مذکور در حین بازدید از کلاسهای اول و سوم دبیرستان و کلاسهای ششم یک و ششم دو ابتدائی مشاهده گردید . از مشاهده این نظم و ترتیب حقیقتاً بسیار خوشنودشدم . این خود مرثه پیروزی بی نظیری جهت استفاده عموم میباشد . ضمن اینکه تشکر و قدردانی خالصانه و بی آلایش خود را به آقای مدیر مدرسه و هیئت آموزشی محترم تقدیم میدارم از هیئت آموزشی مدرسه خالصانه درخواست همکاری بیشتری را با آقای مدیر مینمایم زیرا اطمینان دارم خواسته همه آقایان خدمت بمصلحت عمومی است و خداوند توفیق دهنده و کمک کننده است . والسلام علیکم . امضاء باز پرس پرورش نجف - مکی معله

۴ - نظریه راجع بدبستان دخترانه شهربانو کاظمین

در تاریخ ۷/۴/۶۵ از دبستان شهربانو کاظمین بازدید نمودم طرز تدریس معلمین و تنظیم اداره مدرسه مورد رضایت کامل است ، ضمن تشکر از مسئولین دبستان تمنی دارم که همیشه در این راه بیش از پیش کوشا باشید . موفقیت همرا آرزو مندم . امضاء و دیده الدوری

تاریخچه پیش آهنگی ایرانیان در عراق

شاید هنگامی که (بیدن پاول) در سال ۱۹۰۰ میلادی بفکرایجاد مکتب پیشاهنگی در انگلستان افتاد - باور نمیکرد که چندین سال بعد این روش جهانگیر گشته در خاور و باختر در دورترین بخشهای آمریکای جنوبی تا شمالی ترین قسمتهای آسیا و اروپا مورد استقبال مردم قرار گیرد و وسیله ای برای گسترش برادری و دوستی بین ملت های گوناگون دنیا گردد ، بدون توجه بر ننگ پوست یا مذهب و روش سیاسی آنان .

وی در سالهای نخستین سده بیستم هرگاه در اردوهای ملی یا اجتماعات بین المللی پیشاهنگان و جمہوریها شرکت میکرد هیچگاه خرسندی و شادمانی خود را از دیگران پنهان نمیداشت و از اینکه توانسته بود با ایجاد این مکتب پیامبر برادری و دوستی بین ملت های مختلف دنیا باشد سخت شادمان و مسرور بود.

از سال ۱۹۱۰ میلادی پیشاهنگی در سرتاسر اروپا و آمریکا تعمیم یافت . جنگ بین الملل اول با گرفتاریهایی که برای بیشتر ملل دنیا ایجاد کرد چند سالی مانع از این گشت که ملت های غیر اروپائی و آمریکائی - جز هندوستان و سنگاپور از این مکتب آگاه باشند . لیکن چند سال پس از پایان جنگ پیشاهنگی در بیشتر کشورهای آسیائی و از جمله ایران بعنوان مکتبی مطلوب برای ایجاد دوستی و برادری و نیکوکاری رواج پیدا کرد . در آن موقع که مقارن با آغاز سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بود آقای احمد



مربیان و پیشاهنگان دبیرستان الجعفر بغداد در مقابل اداره روابط عمومی آبادان

امین‌زاده بعنو ان رئیس پیشاهنگی باکمک چندتن از رجال و فرهنگیان توانست پیشاهنگی را در مدارس کشور تعمیم داده و حتی اجباری سازد. پس از چند سال آقای امین‌زاده بعنو ان سرپرست مدارس ایران در عراق بعراق آمد و به پیشاهنگی مدارس ایرانی که از سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در آموزشگاههای ایرانی عراق ایجاد شده بود رونق داد. پیشاهنگان آموزشگاههای ایرانی عراق هنگام سلطنت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر بهترین پیشاهنگان عراق بشمار میرفتند. هنوز بزرگان و سالمندان ایرانی و عراقی هرگاه سخنی درباره پیشاهنگی بمیان آید بیاد میآورند و مخصوصاً ذکر میکنند که چگونه خیابانهای بغداد، کاظمین، کربلا نجف زیرپای پیشاهنگان ایرانی و همراه باصدای هماهنگک طبلها و شیپورهای آنان بلرزه در میآمد و مردم را از گوشه و کنار برای تماشای تحسین آنان بیرون میکشید. بدنبال جنگ بین‌المللی دوم و حوادث شوم شهریور، همچنان که در ایران برای پیشاهنگی دوره رکود بود در مدارس ایرانی عراق هم

فعالیتی مشهود نگردید .

پس از آنکه بدستور اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر پیشاهنگی ایران بهمت آقای دکتر بنائی و چند تن از پیش کسوتان دوباره احیا گشت ، در مدارس ایرانی عراق نیز جنب و جوشی برای فعالیت در این زمینه پدید آمد . مرحوم ابرپوش دیبوروزش دبیرستان شرافت ایران در بغداد در سال ۱۳۳۰ یك رسد پیش آهنگی در دبیرستان نامبرده بوجود آورد که تاهنگام فوت آن مربی دلسوز (۱۳۳۳) در مگه) فعالیت قابل توجه و خوب داشت . لیکن با ازدست دادن اینمرد شریف دوباره ستاره پیشاهنگی در دبیرستان شرافت افول کرد . تا اینکه باز بهمت آقای علی حسینی نژاد رئیس اسبق دبیرستان شرافت و سرپرست پیشاهنگان آن و با کمک و یاری آقای پاکزاد دانش آموز فعال دبیرستان دوباره در سال ۱۳۳۹ پیشاهنگی دبیرستان رونق یافت و دودرسد در آن بفعالیت پرداختند .

متأسفانه دوسال بعد با انتقال آقای حسینی نژاد بایران و سفر آقای پاکزاد بقصد ادامه تحصیل باروپا فعالیت پیشاهنگان دبیرستان منحصر بایام برگزاری جشنهای ملی و فرهنگی ، زیر نظر مربیان ورزشی دبیرستان گردید . در سال تحصیلی جاری آقای محمد حسین مجاهد دبیر دبیرستان شرافت که چندین سال مربی پیشاهنگان مسجد سلیمان و دزفول بوده است سرپرستی پیشاهنگان دبیرستان را بعهده گرفته است . اکنون باتشکیل دودرسد کامل مرکب از (۶۴) پیش آهنگ جلسات پیشاهنگی بطور منظمی برگزار میگردد و پیشاهنگان بفعالیت میپردازند . در مدت چند ماهی که ازتشکیل این رسدها گذشته است پیش آهنگان چندین اردو نیز در نقاط مختلف عراق تشکیل داده اند .

امید می رود که در تابستان آینده حداقل یك رسد برای شرکت در اردوهای تعلیماتی کشور عازم وطن شود تا بیشتر و بهتر بتوانند از نزدیک با ترقیات ایران و هموطنان ایرانی آشنا گردند .

اقدامات رایزنی فرهنگی در زمینه وظایفی که بر عهده دارد

۱ - کتابخانه

در کتابخانه رایزنی مقداری کتاب و مجلات فارسی موجود بود که صورت مرتبی نداشت. تعداد این کتب ازدو هزار جلد تجاوز نمیکند ولی از نظر کیفیت تقریباً متنوع و قابل استفاده بنظر رسید. اولین اقدامی که در این زمینه بعمل آمد تمرکز و فیش کردن کتب بسبک و سیستم دیوئی بود تا هر کتاب بتناسب موضوع و مؤلف و مترجم شماره مخصوص داشته باشد. اینکار باتشربك مساعی همکاران فرهنگی انجام گردید و اکنون کتابخانه رایزنی در معرض استفاده ارباب حاجت و اطلاع قرار دارد. اشکال کار در حال حاضر موضوع جا و مکان مناسب است که امید می رود پس از عقد قرارداد فرهنگی بین ایران و عراق بایجاد و تأسیس کتابخانه عمومی در یکی از خیابانهای بغداد اقدام و از این رهگذر باشاعه و تعمیم زبان و ادب فارسی کمک مؤثری بشود. بدیهی است هرگاه این آرزو تحقق پیدا کند از دانشمندان - مؤلفین و مصنفین و ارباب بجراید و مجلات علمی و ادبی ایران استمداد خواهد کرد تا ضمن ارسال چند نسخه آثار و نشریات خویش بارایزنی همکاری فرمایند.

۲ - تاریخ فرهنگ عراق

یکی از اقدامات مؤثر راینی فرهنگی مطالعه در سیر و تحول تاریخ فرهنگ عراق و ارتباط آن با فرهنگ و تمدن ایرانست که خوشبختانه در این زمینه گامهای سودمندی برداشته شد. اکنون راینی مشغول رفع نقص و تکمیل مطالعه درباره تاریخچه مزبور میباشد تا اثر مفیدی بمنظور استفاده ارباب تحقیق و اطلاع بدست آید.

۳ - آثار تمدن و فرهنگ و هنر ایران در عراق

تحقیقات راجع بآثار تمدن و فرهنگ و هنر ایران در عراق از مسائل و برنامه های مهم راینی فرهنگی بود که پس از مدتها مطالعه و مذاقه جمع آوری و برای جناب آقای شجاع الدین شفا مشاور مطبوعاتی دربار شاهنشاهی ارسال گردید تا بمنظور تکمیل و تألیف کتاب (جهان ایران شناسی)



طاق کسری

مورد استفاده قرار گیرد. این مجموعه متضمن مطالب سودمندی است راجع بمراکز علمی (از قبیل آکادمی، انستیتو، انجمن هائیکه ممکن است

تحقیقات و تتبعات آنها با تمدن و فرهنگ ایران مربوط شود. مراکز تدریس فارسی در عراق ر کتابخانه‌های عراق که کتب خطی فارسی دارد - آثار ایران در موزه‌های عراق - آثار معماری و تاریخی و مذهبی در عراق که بدست ایرانیان ساخته شده یا با ایران ارتباط دارند - کتب فارسی که در عراق ترجمه شده است. شرح حال ایران‌شناسان کنونی عراق و غیره) که بکمک همکاران فرهنگی و بعضی ایران‌شناسان عراقی جمع‌آوری گردیده و بمنظور مطالعه ارباب تحقیق و تتبع درخور توجه و اهمیت میباشد.

۴ - همکاری نزدیک با باستانشناسی عراق

اشتراک تاریخی ایران و عراق ایجاب میکند که در زمینه حفاری و تبادل ظروف و مسکوکات و اشیاء مکشوفه بین باستانشناسان دو کشور همکاری نزدیک وجود داشته باشد و با تبادل معلومات و اطلاعات بکشف گوشه‌های تاریخ تاریخ دو کشور قیام و اقدام نمایند. در اینمورد فعلا مبادله کتب و نشریات باستانشناسی بین ادارات باستانشناسی ایران و عراق از طریق رایزنی فرهنگی ادامه دارد و مشغول مذاکره هستیم که تبادل ظروف و اشیاء مکشوفه تاریخی نیز در آتیه نزدیک بین دو کشور آغاز گردد.

۵ - توزیع کتب و مجلات فارسی

بمنظور شناساندن فرهنگ و تمدن ایران در خارج از کشور هیچ عاملی مؤثرتر از نشر و توزیع کتب و مجلات نیست چه مطالعه کتب و نشریات موجود از جهت ترویج زبان فارسی و آگاهی بمعالم تمدن باستانی و مظاهر ترقیات شگفت‌انگیزی که بهمت شاهانه جامد تحقیق و تکوین یافت از اقدامات مؤثر فرهنگی است که خوشبختانه در نزد ایرانیان مقیم و ایران‌شناسان و ایران‌دوستان عراقی حسن اثر بخشیده است.

در حال حاضر برای چهارده نفر از دانشمندان و استادان دانشگاه بغداد و ۲۵ کتابخانه عمومی و خصوصی کتب و مجلات فرستاده میشود. نوع کتب ارسالی ادبی و تاریخی و اجتماعی است و مجلاتیکه توزیع میشود عبارتند از: مجله آموزش و پرورش - مجله راهنمای کتاب - مجله سخن (علمی و ادبی)

مجله یغما - مجله وحید - مجله عربی الاخاء - الدراسات الادبیه منتشره در بیروت .

صورت اسامی فضلا ودانشمندانیکه کتب ومجلات فارسی برای آنان فرستاده میشود باینشرح است :

- | | |
|--|------------------------|
| ۱ - حضرت آیت الله آقا شیخ عبدالکریم زنجانی | |
| ۲ - آقای ضیاء بحر العلوم | مستشار دیوان عالی کشور |
| ۳ - » دکتر مصطفی جواد | استاد دانشگاه |
| ۴ - » صالح شرع الاسلام | » » |
| ۵ - » دکتر حسینعلی محفوظ | » » |
| ۶ - » جعفر آل یاسین | » » |
| ۷ - » محسن جمال الدین | » » |
| ۸ - » محمد محمد صالح | » » |
| ۹ - » جعفر خلیلی | نویسنده و ایرانشناس |
| ۱۰ - » دکتر صالح تقی فهمی | دانشیار دانشگاه |
| ۱۱ - » میخائیل عواد | منشی مخصوص وزیر |
| | آموزش و پرورش |
| ۱۲ - » احمد حامد الصراف | وکیل دادگستری |
| ۱۳ - » محمد خان بهادر | نویسنده ومحقق |

کتابخانه های معتبری که کتب ومجلات فارسی بین آنها توزیع میشود

- | | |
|---------------------------------|-------|
| ۱ - کتابخانه دانشگاه المستنصریه | بغداد |
| ۲ - » مرکزی | » |
| ۳ - » اداره کل باستانشناسی | » |
| ۴ - » المجمع العلمی العراقی | » |
| ۵ - » خالانی | » |
| ۶ - » جمعیه الرابطة الادبیه | نجف |
| ۷ - » مدرسه قزوینی ها | » |

۸ -	کتابخانه کلیة الفقه العامه	نجف
۹ -	آية الله ابوالحسن اصفهانی	»
۱۰ -	جمعیت قرآن کریم	»
۱۱ -	آية الله حکیم	»
۱۲ -	الحجة	»
۱۳ -	حاج آقا بزرگ طهرانی	»
۱۴ -	العلوية العامة	کربلا
۱۵ -	الامام علی بن ابیطالب	»
۱۶ -	حسینیة طهرانیها	»
۱۷ -	عمومی	»
۱۸ -	مدرسه میرزا عبدالکریم الشیرازی	»
۱۹ -	جوادین	کاظمین
۲۰ -	شخصی آقای مجلسی	»
۲۱ -	صاحب الزمان	»
۲۲ -	الاخاء الاسلامی	کوفه
۲۳ -	الامام الحسین (ع)	یعقوبیه
۲۴ -	جامع الحسینیة	گرکوک
۲۵ -	اولاده سلم بن عقیل	مسیب

۶- تعویض محل دبستان دخترانه ثریا

محل دبستان دخترانه ثریا بغداد درجای بسیار نامناسبی واقع شده بود . اغلب اوقات دختران مدرسه مورد اهانت و اعمال خلاف رویه پسران جوان قرار می گرفتند . از طرفی عمارت دبستان فی الواقع بیک زندان تنگ و تاریک بیشتر شباهت داشت تا مدرسه ، همینقدر کافیست تصور کنیم عمارت دوطبقه ای که از چهار سمت در فضائی بمساحت سیصد متر مربع که حیاط آن از ۸۰ متر مربع تجاوز نکند ساخته شده باشد . نور آفتاب مطلقاً باین ساختمان نمیتابد و در کلاسها بعضاً چراغ روشن میکردند . اکنون دبستان ثریا بمحل نوسازی انتقال یافت که با مال الاجاره کمتر اجاره شده و مخصوصاً باغچه زیبایی دارد که مورد استفاده دختران میباشد .

۷- تفکیک دبستان ودبیرستان شرافت بغداد

از کارهای اصولی و اساسی دیگر که در سال تحصیلی جاری انجام گردید موضوع تفکیک دبستان ودبیرستان شرافت بغداد بود چه اختلاف سنین اطفال دبستانی و دانش آموزان دبیرستانی از نظر تربیت و اخلاق مقتضی نبود که این دودسته متمایز در یکجا و مکان بایکدیگر آمیزش داشته باشند . سالها بود که سرپرستی قصد داشت دبستان ودبیرستان را از یکدیگر جدا کند ولی جاهای مناسب پیدا نشد و از طرف دیگر چون قرار بود از اعتبارات موجود ساختمانهای مناسبی برای مدارس ایران در بغداد بنا گردد لذا هر سال بامید تحقق این آرزو تفکیک دومدرسه در عهده تعویق قرار می گرفت . در سال جاری مسلم گردید که بنای ساختمان مدرسه باین زودبیا عملی نخواهد شد و شاید سالها بگذرد و بر اثر موانع موجود این اندیشه لباس عمل نباشد . بهمین جهت وبا توجه بمشکلاتیکه از رهگذر اخلاق و تربیت وجود داشت درنگ را جایز ندانسته در مقام تفکیک برآمد ودبستان ودبیرستان شرافت را بدو محل مستقل وجداگانه انتقال داد . بدیهی است موضوع بنای ساختمان برای مدارس ایرانی همیشه در صدر برنامه ودستور سرپرستی است و هرگاه مقتضی موجود و مانع مفقود شود بلافاصله اقدام خواهد نمود .

۸- تعویض محل دبستان شرافت

محل دبستان شرافت در خیابان الرشید (شارع الرشید) بغداد واقع شده بود که هر کس آنرا دیده باشد بخوبی میداند که دانش آموزان در چه وضع ناراحت کننده ای تحصیل میکردند . قطع نظر از آنکه غوغای بازار و سروصدای گوشخراش بازاریان ودستفروشان دوره گرد با اصل تعلیم و تربیت منافات داشت اصولا ساختمان دبستان بقدری خراب و ویرانه بود که رعایت بهداشت اطفال را دشوار میکرد . اطاقها خراب ، شیشه ها شکسته ، هوای محیط آلوده ، عفونت مستراحها وآبریزهای مجاور . خلاصه گردوغبار از درودیوارهایش متصاعد بود .

پس از ماهها تفحص وجستجو بالاخره ساختمان مناسب با فضای باز و وسیعی در محله وزیریه اجاره شد و در بهمن ماه ۴۴ دبستان شرافت بمحل جدید انتقال یافت . این ساختمان اگرچه با اصول آموزش و پرورش انطباق

کامل ندارد ولی هر چه باشد بهتر از محل اولیه و بسیاری از مدارس عراقی است چه از بازار و خیابانهای شلوغ بغداد بدور است . اطاقهای بزرگ و روشن دارد ، حیاط ساختمان برای بازی اطفال مناسب میباشد .

۹- مراسم صبحگاهی در آموزشگاهها

برنامه صبحگاهی نه تنها در مدارس ایرانی بین‌النهرین اجرا میشود بلکه بعد مسافت و دوری از وطن مألوف موجب گردید که سایر جوانان و دانش‌آموزان ایرانی این مراسم را با شور و علاقه و گرمی بیشتر اجراء نمایند. همه روزه صبحها نیمساعت قبل از شروع کلاسها دانش‌آموزان مدارس ایرانی در صفوف مرتب و منظم می‌ایستند . بدواً چند سطر از آیات کلام‌الله مجید بوسیله یکی از دانش‌آموزان بالحنی جذاب و دلنشین تلاوت میشود آنگاه مراسم برافراشتن پرچم و دعای صبحگاهی انجام میگردد و پس از آن اشعار میهنی که محرك حس وطنپرستی و شاهدوستی دانش‌آموزان باشد وسیله یکی از دانش‌آموزان قرائت میشود برای نمونه دو قطعه شعر در زیر درج میشود:

مهر وطن

هر کرا مهر وطن دردل نباشد کافر است
معنی حب‌الوطن فرموده بیغمبر است
هر که به‌ریاس عرض و مال و میهن داد جان
چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغراست
از خدا و ز شاه و زمیهن دمی غافل مباش
زانکه بی این هرسه مردم از بهائم کمتر است
قلب خود از یاد شاهنشاه مکن هرگز تهی
خاصه در میدان که شاهنشاه قلب لشکر است

از تویی آئین و بی سلطان نیاید هیچ کار
 زانکه آئین روح و کشوری که و سلطان سراسر است
 موبد والا گهر دانی بفرزندان چه گفت ؟ ! !
 گفت حکم پادشاهان همچو حکم داور است
 عیش کن گردادت ایزد پادشاهی دادگر
 پادشا چون دادگر شد روز عیش کشور است

(اقتباس از قصیده ملک الشعرا بهار)

يك عمر خدمت

ای شهنشاهی که عمری صرف ملت کرده‌ای
 سالها بر کشور دلها حکومت کرده‌ای
 قلب پاکت مظهر الطاف یزدانی بود
 درجهان با نیک نامی کسب شهرت کرده‌ای
 همچو خورشیدی که تابد بر فراز کوه ودشت
 روشن ایران را ز انوار عطوفت کرده‌ای
 هم رضای خاطر یاران فراهم ساختی
 هم بجان دشمنان رحم و مروت کرده‌ای
 کشور ایران بدست همت آباد شد
 کسب این قدرت بنیروی محبت کرده‌ای
 سر بسر املاک خود تقسیم کردی بیدریغ
 از دل و جان فکر بهبود رعیت کرده‌ای
 گشته‌ای پشت و پناه مردم بی خانمان
 درغم و اندوهشان مردانه شرکت کرده‌ای
 شهریارا خالق ایران مددکار تو باد
 زانکه بر خلق خدا یک عمر خدمت کرده‌ای

۱۰ - لباس و غذای دانش‌آموزان

از آنجائیکه توجهات شاهنشاه آریامهر همواره معطوف بر فاه حال ایرانیان در اقصی نقاط جهانست و پرتو این عنایت شامل ایرانیان مقیم عراق نیز میباشد علیهذا در بهمن ۱۳۳۳ حسب الامر ملوکانه و والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیہ جمعیت شیروخورشید سرخ ایران مبلغ پنجاه هزار ریال بوزارت آموزش و پرورش حواله گردید که بمصرف تهیه و تدارک لباس جهت دانش‌آموزان بی‌بضاعت در مدارس ایرانی در عراق برسد .

وزارت آموزش و پرورش در اجرای این نظریه مزبور را پارچه خریداری کرده بعراق ارسال داشت و برای اولین مرتبه به ۱۳۱ نفر اطفال بی‌بضاعت مدارس ایران در بغداد و کاظمین و نجف و کربلا و بصره داده شده است . در اردیبهشت ۱۳۳۴ حسب الامر والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالیہ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اعتباری بمنظور تهیه ۴۵۰ دست لباس حواله شد و در سال تحصیلی ۳۴ - ۱۳۳۳ رویهمرفته ۵۸۱ دست لباس بین دانش‌آموزان بی‌بضاعت توزیع گردید . وجوه اهدائی تدریجاً افزایش یافت و هریک از مؤسسات خیریه مزبور تا سال ۱۳۴۳ سالیانه مبلغ هزار دینار عراقی حواله کرده‌اند . کمیسیون حج و زیارت نیز از کمکهای سازمانهای خیریه شاهنشاهی و شیروخورشید سرخ آگاهی حاصل کرده در جلسه ۲۵/۱۲/۳۶ تصویب نمود که همساله مبلغ سیصد هزار ریال از محل عوارض پنجاه ریالی پروانه زیارتی برای تهیه لباس دانش‌آموزان ایرانی در عراق تخصیص داده شود و تاکنون مبلغ مزبور را مرتباً حواله کرده‌است . ناگفته نماند که از مبلغ اهدائی فقط برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت دبستانها لباس تهیه میشد ولی از بدو ورود جناب آقای دکتر سید مهدی پیراسته سفیر کبیر شاهنشاهی و مساعی و اقدامات مجدانه معظم له نه تنها موضوع لباس تعلیم یافت و دانش‌آموزان دبیرستانها نیز از آن بهره‌مند گردیدند بلکه یکوعده غذای روزانه که همواره مطمح نظریه ولی عملی نمیشد بهمت و پایداری ایشان جامه عمل پوشید . توضیح آنکه جناب آقای دکتر پیراسته در یکی از شرفیابهای اخیر مراتب را بشرف عرض ملوکانه رسانیدند . و امر به مبارک مبنی بر تهیه و تدارک یکوعده غذا شرف صدور یافت . . در اجرای نیات مقدس شاهنشاه آریامهر از ابتدای سال تحصیلی جاری مقدمات کار فراهم گردید و هم‌اکنون بتمام دانش‌آموزان ایرانی در بغداد و کاظمین و نجف

و کربلا و بصره که تعداد آنان بچهار هزار نفر میرسد هنگام ظهر غذای گرم داده میشود و اولیای اطفال که اکثراً بی بضاعت هستند شب و روز دوام و بقای خاندان جلیل سلطنت پهلوی را مسئلت دارند. بمنظور نظارت در هزینه و چگونگی غذای دانش آموزان کمیته های اجرایی مرکب از سرکنسول شاهنشاهی و مدیر مدرسه و چند نفر از معتمدین محلی در کربلا و نجف و بصره تشکیل گردید همچنین نظارت بر غذای مدارس ایران در بغداد و کاظمین بطور کلی بعهده یک کمیته مرکزی در بغداد اداره میشود.

اعضای کمیته مرکزی از آقایان جعفر رائد مستشار سفارت کبرا . سمیعی سرکنسول شاهنشاهی ایران در بغداد . کوثری مستشار فرهنگی و سرپرست مدارس ایران در عراق . سلماسی بازرس مدارس ابراهیم مسلم و جمشید کاشی معتمدین محل . حاجی اسماعیل نیا حسابدار سفارت کبرا برای شاهنشاهی و حکیمزاده حسابدار سرپرستی ایران در عراق تشکیل میشود که ریاست عالیه آن باسفر کبیر شاهنشاهی میباشد .

توزیع غذا بین دانش آموزان دبستان شرافت بغداد





آقای ابراهیم مسلم
از ایرانیان مقیم بغداد و عضو
کمیته اجرائیه غذا

دانش‌آموزان در حال صرف غذا





آقای دکتر صالح تقی فهمی استاد
زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه
بغداد



آقای دکتر حسین علی محفوظ
استاد زبان و ادبیات فارسی در
دانشگاه بغداد

استادان زبان فارسی دانشگاه بغداد :

۱- آقای دکتر حسین علی محفوظ در اردیبهشت ۱۳۰۵ هجری شمسی متولد شدند و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه باخذ درجه لیسانس از دانشسرای عالی بغداد نائل آمدند آنگاه به تهران عزیمت کرده در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول تحصیل شدند و در سال ۱۹۵۳ درجه لیسانس و فوق لیسانس و در سال ۱۹۵۵ درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی را اخذ کردند و از سال ۱۹۵۶ تاکنون استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بغداد هستند .

آقای دکتر محفوظ در انجمن ادبی فرهنگستان ایران و انجمن سلطنتی آسیائی در لندن و مجمع اللغة العربیة در قاهره عضویت دارند .
از آثار آقای دکتر محفوظ تاکنون ۱۹ جلد کتاب بچاپ رسیده

که از آنجمله کتاب معروف (متنبی و سعدی) است و در حدود ۶۰ مقاله و رساله درباره ادبیات و زبان فارسی منتشر کرده‌اند.

۲- آقای دکتر صالح تقی فهمی - شرح تحصیلات ایشان که بقلم خودشان نگاشته شده عیناً نقل میشود :

اینجانب دکتر صالح تقی فهمی فارغ‌التحصیل دانشسرای عالی بغداد در سال ۱۳۳۲ در رشته زبان انگلیسی . در مهرماه همان سال دعوتی از دانشگاه تهران بوزارت فرهنگ عراق رسید که از دو فارغ‌التحصیل دانشگاه دعوت میشود که بهزینه دانشگاه برای مدت یکسال در دانشگاه تهران بفرآ گرفتن زبان فارسی بپردازند . بنده این دعوت را غنیمت شمرده و داوطلب شدم و خوشبختانه از بین عده‌ای از داوطلبان بنده و دوستم آقای اسعدالکبیری انتخاب شدیم و روز ۱۸ آذرماه ۱۳۳۲ رهسپار تهران شدیم . در ابتدا شروع بفرآ گرفتن زبان فارسی نمودم و پس از طی این مرحله داوطلب ورود بدوره دکتری ادبیات فارسی شدم . موافقت حاصل شد بشرطیکه اولاً دوره لیسانس فارسی را طی کنم . دوره لیسانس فارسی با موفقیت طی شد و در دوره دکتری ثبت‌نام نمودم . این دوره سه‌سال بطول انجامید که با پایان‌نامه دکتری درباره (تثنی‌سان عرب ایرانی نژاد) بدرجه دکتری در ادبیات فارسی بدرجه تحسین نائل گردیدم و در بهمن‌ماه ۱۳۳۸ تهران را ترك گفته و بمبهن خود بازگشتم . در عرض شش‌سالی که در تهران گذراندم مورد لطف و محبت فراموشی ناپذیر دانشگاه تهران قرار گرفته بودم .

اکنون دو سال است که کرسی زبان فارسی را در دانشکده زبان در دانشگاه بغداد بعهده دارم . این زبان در رشته کردی این دانشکده از کلاس دو تا چهار و در هفته چهار ساعت تدریس میشود که دو ساعت آن ادبیات فارسی است و یک ساعت دستور و ساعت چهارم قرائت فارسی است . البته در نظر هست که در سال تحصیلی آینده رشته مخصوصی برای زبان و ادبیات فارسی در این دانشکده تأسیس شود . علاوه بر دانشکده زبان در دانشکده ادبیات و دانشکده الجامعه نیز این زبان در دو کلاس سوم و چهارم تدریس میشود .

البته امید می‌رود که این رشته با کوشش فراوان سفارت کبرای شاهنشاهی در بغداد و کمک جدی اداره سرپرستی آموزشگاههای ایران در عراق توأم با نیت خاصانۀ دانشگاه بغداد آینده درخشانی داشته باشد .

جشن فرهنگی در اداره رایزنی فرهنگی ایران در عراق

ساعت هشت عصر روز شنبه هیجدهم تیرماه ۱۳۴۵ بمنظور تکریم و تجلیل از استادان زبان فارسی دانشگاه بغداد و تشویق و اهداء جوایز بشاگردان اول زبان فارسی دانشکده‌های زبان و ادبیات بغداد مجلس جشنی باحضور جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی ورؤسای دانشکده‌ها و جمعی از استادان دانشگاه بغداد درچمن رایزنی فرهنگی ایران در بغداد تشکیل گردید و از مدعوین بصرف شام پذیرائی بعمل آمد. در این جلسه يك قطعه زری و يك جعبه خاتم که قبلا از طرف وزارت فرهنگ و هنر ارسال شده بود بوسیله آقای سفیر کبیر شاهنشاهی به آقایان دکتر حسینعلی محفوظ و دکتر صالح تقی فهمی استادان زبان فارسی دانشگاه بغداد و چند جلد کتاب بشاگردان اول زبان فارسی اهداء گردید. آقای علی اکبر کوثری رایزن فرهنگی و سرپرست آموزشگاههای ایران در عراق در جلسه مزبور نطق مبسوط و مؤثری ایراد کردند که از جهة احتوای بعضی مسائل ادبی و تاریخی درج آنرا در این کتاب خالی از فایده ندانست.

بیانات آقای کوثری :

جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی ، آقایان رؤساء و استادان محترم دانشگاه بغداد :

یکسال دیگر بر عمر فرهنگ جهان افزوده شده و فرهنگیان دلسوز و علاقمند درسراسرجهان ازاینکه وظایف خویش را با حسن وجه انجام داده و بتعالی و پیشرفت تمدن عالم کمک کرده اند سرفراز و شادمانند . سرپرستی مدارس ایران درعراق اگر از جمله اینگروه باشد توفیقاتیکه نصیبش شده است دردرجه اول مدیون شاهنشاه آریامهر و سپس خدمتگزاران صدیق شاهنشاه جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی ایران و جنابان آقایان وزرای آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر میباشد که در اجرای منویات ملوکانه و سائل کار را از هر جهت فراهم فرموده اند که اگر آن تقاوی و توجه نبود این اندازه توفیق حاصل نمی گشت . در درجه دوم لطف و عنایتی است که فرهنگیان عزیز عراق و دانشگاهیان دانشگاه بغداد نسبت باینجناب مبذول داشته اند . حال نمیدانم این لطف و عنایت فرهنگیان محترم عراقی پاداش خدمتی است که در ایران بمدارس عراق کرده ام یا ناشی از سوابق و علائق دیرین تاریخی است که بین ملتین ایران و عراق پیوند ناگسستنی بوجود آورده است . شك نیست که بمصداق (خیرالاشیاء جدید و خیرالاحیاء قدیم) دولت ایران و عراق از قدیم بیکدیگر علاقمند بودند و بهترین جهت جامعه و مابه الاشتراك آنها در دوام و قوام دوستی و مودت ، اشتراك در یادگارهای گذشته است که باشیر اندرون شد و با جان بدر رود .

زمانیکه در فرهنگ خوزستان انجام وظیفه میکردم علاقمند بودم بمدرسه عراقی اهواز آنچه بتوانم خدمت کنم و اصرار داشتم که همچون مدارس ایرانی بآن موسسه عراقی توجه خاص مبذول گردد و مشکلات آن مرتفع شود .

روزی اطلاع یافتیم که اولیاء مدرسه عراقی اهواز گرفتار طمع و ورزی موجر عمارت مدرسه شده و صاحب عمارت ، برای ازدیاد مال الاجاره مزاحمت برای کارکنان مدرسه ایجاد کرده است .

موجرا خواستم و باو گفتم عراقیها قطع نظر ازاینکه مهمان ما هستند و سابقه روح مهمان نوازی ایرانیان ایجاب میکند که نسبت بمیهمان ملایم و مهربان باشند اصولاً ما عراقیهارا بعلت اشتراك دین و تاریخ از خود میدانیم و جدائی و افتراقی در میان نمی بینیم . هر چه ادعا داری از من بخواه و محبت و میزبانی را که سرشت ایرانیانست آنهم در مورد چنین مهمانان عزیز و گرامی هرگز فراموش مکن . دیدم بارقه شوق و علاقه در چشمان آن جوان مرد

ایرانی چنان درخشید که از همه ادعاهای خویش صرف نظر کرد. اگر چه
شیخ اجل فرمود :

تو نیکی میکنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز
ولی من خدمت ناچیزی در بیابان انداختم و در کنار دجله از آن
بهره یافتیم. در مدت سه سالی که باین خدمت مقدس مشغولم اشهد بالله هر بار
بوزارت تربیه یا دانشگاه بغداد مراجعه کردم مرا با روی خوش پذیرفته
در پیشرفت مقاصدم کمال محبت و عنایت را مبذول داشتند بقسمیکه نمیتوانم
مکنون خاطر خود را که ناشی از آن احساسات است تقریر و تصویر کنم. اگر
بیانم از تقریر عاجز باشد این دلخوشی را دارم که بعضی مواقع برخورد
دیدگان تفسیر ضمیر میکند و کوتاهی بیان و سخن را مدد میرساند. بقول
و ثوق الدوله :

عشق را طئی لسانی است که صد ساله سخن

دوست بادوست بیک چشم زدن میگوید

علی کل حال از لطف و عنایت فرهنگیان عراق که در همه حال بیدریغ
بوده اند تشکر میکنم. حق هم همین است چه برای علم و دانش حدومرزی
نمیتوان قائل شد و خدمتگزاران فرهنگ در سراسر جهان يك هدف و مقصد
دارند که آنهم تأمین آسایش جامعه بشریت است لاغیر. الفت و محبت
فرهنگیان ایران و عراق ارتباطی بدیروز و امروز ندارد و از چند هزار سال
قبل، حتی قرون و اعصاریکه بشرا از حالت انفرادی بکسوت اجتماع درآمد
مسبوق بسابقه بوده است فلذا نسبت بیکدیگر احساس بیگانگی نمیکند خاصه
آنکه وجود اعتاب مقدسه نیز بیوستگی این دولت را تشدید کرد و آنرا
چنان بهم آمیخت که تمیز و تشخیص ایرانی و عراقی از لحاظ اشتراك منافع
و ادراك غم و شادی خالی از اشکال نیست. بضرر قاطع میتوانم عرض کنم
دولت ایران و عراق تا اثری از شور و شوق و سخنی از ذوق و معرفت در پهنه
گیتی باقیست هر گز در کشاکش زمان از یکدیگر انفکاک و جدا پذیری
نخواهند داشت. ایرانی و عراقی در واقع دو واژه مرادفی هستند که تنها
از حیث لفظ تفاوت دارند ولی معنی و مفهومشان یکیست. همانگونه که
عراقی نسبت بایران احساس شوق و علاقه میکند ایرانی بیشتر و صریحتر
نسبت بعراق شوق و دلبستگی نشان میدهد. هر بار که بشط دجله نگاه میکنم
زمزمه دل انگیز امواج خروشان ادبیات و اشعار شورانگیز شعرای متقدم

ایران را درسویدای خاطر م زنده میکند که در کنار دجله درافشانیها کرده
یادرگوشه وکنار ایران ازآن برای تجسم سیل اشك فراق وهجران ارسال
مثل نموده اند وسر شك دیده عشاق شبزنده دار را که درجفای معشوق جریان
داشت بدان تشبیه وتمثیل کرده اند .

در آندقایقی که رفتارمستانه دجله را سلمان ساوجی وامثال آن مشاهده
میکردند چه توصیفها که از آن نکرده اند وچه درر شاهواری که از کلک
آبدارشان برصحایف دواوین وتذکره های ادبیات فارسی نمیچکید . بطور
قطع یقین میتوان گفت آنقدر شعر که درمقام توصیف دجله وفرات ازطرف
شعرای ایران سروده شده درباره سپیدرود وزنده رود وکرخه وکارون
نگفته اند . گاهی که بفکر فرو میروم - سیبویه ، جریرطبری ، ابن خردادبه ،
رازی ، فارابی ، غزالی وشیخ طوسی را درگوشه وکنار عراق وحتى بعضاً
برکسی استادی نظامیه ومستصریه بغداد بافاضه وتدریس می بینم ودرگوشه
دیگر سعدی شیرازی در پیش چشمانم مجسم میشود که در محضر استادان
فن بکسب فیض اشتغال دارد تا مس وجودش جلا یافته آثاریدیع گلستان
وبوستان ازلطایف افکاروعقایدش تراوش نماید . قدری دورتر درضلع
جنوبی بغداد خاقانی شروانی بچشم میخورد که دریای ایوان ۱۵۰۰ ساله
مدائن عالیتین احساسات رقیق انسانی را بزبیاترین سخن در سلک نظم
کشیده آن طاق سربلک کشیده را چون آئینه عبرت در مقابل دیدگان
عالمیان جلوه وتجسم میبخشد . هرگاه که از ناحیه کرخ میگذرم سلسله
شوریدگان جهان حسین بن منصورحلاج را بخاطر میآورم که اناالحق گویان
دست افشانی میکند وازفرط مستی پای برسر هستی میکوبد . گهگاه که توسن
فکرت بجانب ایران عطف عنان میکند صدها تن فضلا ودانشمندان عراق را
دردار العلمهای اصفهان ونیشابور وغزنه وبلخ ومرو وسمرقندوبخارا مشاهده
میکنم که بکسب علم ودانش مشغولند ومعارف ومعالم زمان را در گنجینه
خاطر میسپارند . خلاصه علماء ودانشمندان این دوسرزمین چنان بهم آمیخته اند
که شناخت موطن وملیت آنان خالی از اشکال نیست وچنانچه بخواهیم
آمیختگی وبهمبستگی این دومت عزیز را یادآور شویم سخن بدر از کشیده
از حوصله این مقام ومقال که مجمع اساتید فن وآشنا بتاریخ وادبیات هر دو
سرزمین هستند خارج خواهد شد .

این سخن را ترجمه پهناوری گفته آید در مقام دیگری

مجلس امشب ما برای تکریم باستاندانی است که باین پیوستگی و همبستگی کمک کرده اند . اگرچه باصطلاح عرفاء (همدلی از همزبانی بهتر است) ولی این استادان ارجمند باقبول تدریس زبان فارسی دردانشکده های عراق همدلان را همزبان میکنند و بدینوسیله بعشق و علاقه فیما بین میافزایند . آقایان دکتر حسین محفوظ و دکتر صالح فهمی کاملاً معروف حضارند و شخصیت ادبی آنان نیازی بتوصیف ندارد . سال گذشته وقتی خدمات وزحمات ایشان را که در راه اشاعه و تعمیم زبان و ادب فارسی در عراق مبذول میدارند ، بجناب آقای وزیر فرهنگ و هنر عرض کردم اظهار تمایل فرمودند هدیه ای بآقایان اهداء شود . بمن دستور فرمودند بنمایشگاه هنری وزارت فرهنگ و هنر بروم و هر چه را پسندیدم برای آنان انتخاب کنم . دوهدیهموجود را شخصاً انتخاب کردم . اگر کوچک و یا کمأ ناقابل باشد گناه ازبخت و سلیقه من است که بمصداق (ان الهدا یا علی مقدار مهدیها) این دورا پسندیدم و گرنه سعه صدر بخشند هاش بقدری بود که مرا درانتخاب هر چه که درخور شأن و مقام علمی آقایانست مختار فرمودند . اما اکنون برای آنکه جبران کوتاهی همت خود را بکنم قصه ای از مثنوی مولوی را البته با کمی تحریف و تغییر بمناسبت مقام و موضوع بعرض میرسانم شاید رفع خجلت و شرمندگی شود :

در مثنوی نقل است که یکی از خلفاء دربذل و بخشش و دستگیری از افتادگان شهرت عالمگیر یافت . عربی بدوی که باعائله اش در صحرا بسختی زندگی میکرد اینخبر را شنید و باهمسرش مشورت کرد تا هدیه ای تدارك ببینند و بخدمت خلیفه برده عنایتی بیابند و از فقر و بدبختی نجات یابند . برای يك بدوی که در صحرای بی آب و علف زندگی میکند بدیهی است هیچ تحفه و هدیه ای گرانیهاتر از آب شیرین نیست بهمین جهت گمان میبرد کاینچنین اندر همه آفاق نیست جز رحیق و مایه اذواق نیست از حسن تصادف باران رحمت الهی باریدن گرفت . ظروف موجود را زیر باران نهادند و بزحمت مشگی آب جمع کردند . عرب بدوی مشك آب را برداشت و با پای پیاده بدارالخلافه شتافت :

دید درگاهی پر از انعامها اهل حاجت گستریده دامها
دمیدم هر سوی صاحب حاجتی یافته زان در ، عطا و خلعتی
آن عربی از بیابان بعید بر در دارالخلافه چون رسید

نگهبانان و دربانان خلیفه جلوش را گرفتند .
 پس بدو گفتند یا وجه العرب از کجائی چونی از رنج و تعب
 گفت وجهم گر مرا وجهی دهید بی وجوهم چون پس و پشتم نهید
 من غریبم از بیابان آمدم بر امید لطف سلطان آمدم
 نگهبانان چون مشک آب را دیدند بسخره اش گرفتند و درممانعت
 پافشاری نمودند . کار بنزاع و مجادله کشید . این گریبان گرفت و آن دامن .
 جریان قضیه بسمع خلیفه رسید و فرمان داد عرب را وارد کنند .
 چون خلیفه دید احوالش شنید آن سبو را پر ز زر کرد و خرید
 داد بخششها و خلعتهای خاص آن عرب را کرد از فاقه خلاص
 سپس به نگهبانان دستور داد او را از طریق بسوی بادیه راهی کنند
 که چشمش بسط و خروشان دجله نیفتد و از حقارت و ناچیزی هدیه اش شرمندة نشود .
 اکنون منم از جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی خواهشمندم این
 هدایا را بادست مبارکشان به آقایان دکتر محفوظ و دکتر صالح فهمی طوری
 مرحمت فرمایند که من خجل و شرمندة نشوم .

تجلیل از بازنشستگان فرهنگ

۱ - بمناسبت بازنشسته شدن آقایان اسماعیل علوی مدیر دبستان پسرانه اخوت کاظمین - محمدعلی ازغندی آموزگار دبستان شرافت پسران بغداد - نجم الدین بلادی و محمد کاظم اقبال آموزگاران دبستان حسینی ایرانیان کربلا ساعت ۷ عصر روز پنجشنبه ۱۶ ر ۱۰ ۴۴ مجلس تجلیل و تودیی در سالن دبستان دخترانه شهربانو کاظمین منعقد گردید . در این جلسه که صرفاً متشکل از خانمها و آقایان فرهنگیان بود ابتدا دانش آموزی يك قطعه شعر در پیرامون (مقام معلم) قرائت کرد آنگاه آقای مهدی پرتوی معاون سرپرستی شرح مبسوطی مبنی بر (مفهوم لذت معنوی) ایراد کردند که بجهت تجلیل از فرهنگیان بازنشسته و ارزش معنوی خدمات فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت . در پایان جلسه آقای علی اکبر کوثری راین فرهنگي و سرپرست مدارس مختصری از خدمات آقایان بازنشستگان صحبت کردند و سپس جوایزی که از طرف سرپرستی و فرهنگیان تهیه شده بود بوسیله آقای کوثری با آقایان بازنشستگان داده شد . جلسه پس از صرف چای و شیرینی در ساعت ۹ عصر پایان یافت .

۲ - عصر روز جمعه ۱۳ اسفند ۱۳۴۴ بمناسبت میلاد حضرت ثامن الائمه علیه آلاf التحیه و الثناء جشن باشکوهی در حیاط دبیرستان علوی ایرانیان نجف منعقد گردید . قریب دویست نفر از فرهنگیان بازنشسته و شاغل نجف و کربلا و بغداد

و کاظمین و دانش‌آموزان دبیرستان و پیشاهنگان مدارس ایرانی بغداد و کاظمین در این جلسه حضور داشتند. بدو آ آیاتی از کلام‌الله مجید بوسیله آقای هادی ترشیچی دانش‌آموز کلاس سوم دبیرستان علوی تلاوت گردید. آنگاه آقای اقبال دهقان رئیس دبیرستان علوی نجف ضمن ادای خیرمقدم، میلاد با سعادت امام هشتم (ع) را بحضار جلسه تبریک و تهنیت گفتند. یک‌قطعه شعرومقالاتی درمدح و منقبت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از طرف دانش‌آموزان (محمودپرنیانی و احمد علوی و حمید میرمنتظمی) قرائت گردید. آقای محمدباقر غروی دبیر دبیرستان علوی نجف نیز خطابه‌ای راجع بمقام علمی و فضائل معنوی امام هشتم ایراد کردند. سپس آقای کوثری راین فرهنگی و سرپرست مدارس ایران در عراق که افتخار خدمتگزاری رسمی آستان قدس رضوی را نیز برعهده دارند مطالبی راجع بعلم و عوامل عشق و علاقه باطنی ایرانیان بآل علی (ع) و توجهات مخصوصه ذات اقدس شهرباری بآستان مقدس حضرت رضا (ع) اظهار داشتند و خدمات سلاطین ایران بخصوص اعلیحضرت فقید و شاهنشاه آریامهر را بدربار ولایتمدار امام هشتم توجیه نمودند.

در خاتمه از این فرصت میمون و مبارک استفاده شد و از خدمات آقای محمدباقر تاجبخش کفیل سابق دبیرستان علوی ایرانیان نجف که اخیراً بافتخار باننشستگی نائل آمده است تجلیل بعمل آمد و هدایائی که از طرف سرپرستی و فرهنگیان و دانش‌آموزان دبیرستان علوی نجف تهیه شده بود بآقای تاجبخش اهداء گردید یکی از این هدایا سکه طلالی یادبود بیست و پنجمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر بود که از طرف فرهنگیان شاهدوست نجف بآقای تاجبخش هدیه شده است.



آقای ناصر دانشزاد
از فرهنگیان بازنشسته



آقای محمد کاظم اقبال
از فرهنگیان بازنشسته



آقای محمد باقر تاجبخش
از فرهنگیان بازنشسته



آقای حسن ارفع
از فرهنگیان بازنشسته



آقای کاظم مستوفی
مدیر سابق دبستان اخوت که
اکنون بازنشسته است



آقای محمود غروی
از فرهنگیان بازنشسته



آقای عاصمی
از فرهنگیان بازنشسته



آقای سیدعلی سیدشیرازی
از فرهنگیان بازنشسته



آقای محمدرضا مجاهد از
فرهنگیان بازنشسته



آقای اسمعیل علوی
از فرهنگیان بازنشسته



آقای مشکوة از فرهنگیان
بازنشسته

مقالات

دارالعلم نجف یا دانشگاه جعفر بن محمد (ع)

پیدایش شهر نجف اشرف

قبل از اینکه با اهمیت علمی و مرکزیت روحانی شهر نجف سخن بگوییم، باید ناگزیر باید از تاریخ ایجاد این شهر مقدس شمه‌ای ذکر شود. نجف که در لغت بمعنای بلندی و تپه که در جلگه‌ای واقع و از تسلط آب بر آن محصون باشد آمده شهری است که پس از پیدایش شهر تاریخی کوفه در نه کیلومتری ساحل راست رود فرات ایجاد گردیده با مراجعه بتاریخ ثابت میشود که این مکان شریف تا قبل از ظهور مرقد مطهر حضرت علی بن ابی طالب (ع) صحرائی بیش نبوده و آبادی آن از موقعی شروع شده که شیعیان و دوستان خاندان نبوت از وجود قبر مطهر درین سرزمین بوسیله صفوان جمّال (یکی از شیعیان خلص و یاران وفادار حضرت جعفر بن محمد (ع) آگهی حاصل مینمایند. اولین قبه‌ای که بر این مرقد مطهر بنا گردید در سال ۱۷۰ هجری بفرمان هارون الرشید خلیفه عباسی بوده که آنرا قبه هارونیه مینامیدند کم‌کم علویان و شیعیان پروانه شمع آن آستان مقدس شده برای آنکه بتوانند بهتر و بیشتر فیض آستان بوسی نایل گردند در پیرامون آن مسکن اختیار نموده و در واقع میتوان گفت مایه و شالوده شهر مقدس نجف از اواخر سده دوم هجری گذاشته شده و چون بترتیب عمر بن یحی و ابن الزید الداعی نیز تعمیرات اساسی در این مرقد مطهر بعمل آورده و از طرفی دیگر اولین

شاهنشاه عظیم الشان ایران عضدالدوله دیلمی عمارت جدیدی برآرامگاه مقدس ایجاد نمود بدین واسطه بر شهرت و توسعه و جمعیت آن افزوده گردید .
مرقد مطهر علوی در اواخر قرن هشتم هجری طعمه حریق و آتش سوزی شد و در سال ۷۶۰ هجری مجدداً تعمیر ولی در تواریخ نامی از بنای ذکر نشده است .

جای هیچگونه شك و تردید نیست که بنای فعلی صحن و رواق و حرم مطهر علوی از طرف پادشاهان صفویه ساخته شده ولی تعیین اینکه کدام يك از پادشاهان مزبور باین عمل سترك اقدام نموده اند اختلاف است .
ملت ایران دین مبین اسلام را توأم بادوستی و محبت خانواده پیغمبر پذیرفته و در هر مناسبت تمسك خویش را بدوستی ائمه اطهار بظهور و ثبوت رسانیده است همین سنت پسندیده بوده که این ملت اعم از شاه و رعیت همواره در صدد خدمت باستان قدس ائمه اطهار سلام الله علیهم برآمده آنرا موجب رستگاری دنیا و آخرت خویش میدانند چنانچه پس از تعمیرات شادروان عضدالدوله دیلمی هریك از پادشاهان عظیم الشان ایران بویژه سلاطین صفویه و افشاریه . زندیه و قاجاریه و پهلوی بفراخور حال خویش اثری جاویدان در این مرقد مطهره باقی گذارده اند از جمله ساختمان صحن و حرم مطهر کربلا و نجف و کاشی کاری آنها از طرف سلاطین صفویه و طلائعاری گنبد و گلدسته و ایوان مطهر نجف از طرف نادرشاه افشار و نصب صندوقهای خاتم کاری و نفیس روی قبور ائمه اطهار در نجف و کربلا و کاظمین و سامراء از طرف سلاطین صفویه و زندیه و گنبد طلا و ضریح و درهای طلا و نقره مشاهده مشرفه از طرف پادشاهان قاجاریه و پهلوی ساخته شده است .

شاهنشاه محبوب و جوان بخت دین پرور ما اعلی حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی از نقطه نظر علاقه و عقیده بدین و مذهب و ولاء و دوستی ائمه اطهار و خاندان نبوت از سلاطین سلف گوی سبقت ربوده ابتداء بهریك از مراقد مطهره يك چهلچراق طلا اهداء و سپس بآینه کاری رواق و حرم مطهر حضرت مولی الموالی علی علیه السلام در نجف اشرف و سایر مشاهد مشرفه قیام فرموده و این اثر جاویدان که صرفاً نماینده عقیده مذهبی و ارادت درونی شاهنشاه بائمه اطهار میباشد هر بامداد و پسین در انظار زائرین جلوه گر و آنان را بدعای دوام عمر و عزت و بقای شوکت و سلطنت آن شاهنشاه عدالت گستر و دین پرور در کنار آن قبور مطهره که محل استجابات

دعای هر حاجتمندی است و ادا می نماید . بحکم (الناس علی دین ملوکهم) رجال بزرگ و افراد شرافتمند ملت ایران نیز بمرور زمان هریک بفراخور حال ارمغانهای باستانهای مقدس ائمه اطهار (ع) تقدیم نموده اند که شرح وتفصیل آن موجب تطویل کلام است بطور خلاصه تمام مفروشات گرانها ومتعلقات نفیس این مراقد مطهره وجواهرات و اشیاء پرقیمتی که درخزائن آنها موجود و چشم بینندگان را خیره میسازد تقدیمی افراد ملت نجیب ایران میباشد . پایه تاسیسات آب و برق نجف و بعضی اماکن مقدسه را ایرانیان نهاده اند درب طلای رواق حرم مطهر نجف که بسیار نفیس و یکی از شاهکارهای صنعتی ایران میباشد توسط یکی از رجال خیر ایران در سال ۱۳۷۳ هجری قمری تهیه و نصب گردیده است .

مرکزیت علمی نجف :

خاک پاک نجف ابدان بزرگترین مردان اسلام را پس از حضرت رسول اکرم دربردارد و مدفن شخصیت بزرگواری است که دین مقدس اسلام در سایه جانبازی وفداکاری و شجاعت و از خود گذشتگی اوضیح گرفته و احکام دین اسلام پس از رحلت رسول اکرم (ص) بوجود مقدس او باقی و پایدار مانده است . فضائل و مناقب مولای متقیان (ع) بحدیست که زبان و بیان دوست و دشمن از توصیف آن عاجز و شخصیتش آنچنان است که در زندگی منبع فضل و دانش و پس از وفات مدفنش الهام بخش مردان عالیقدر اسلام و مرکز علم و فضیلت و کانون و دانشگاه علوم دینی و روحانی و پرورشگاه دانشمندان و فقهایست که در حقیقت نگهبانان پرچم اسلام و سلسله جنبانان دانشگاه دینی جعفر بن محمد ع بشمار می آیند .

چهار صد میلیون مسلمانان دنیا بادیده احترام و تجلیل باین شهر مقدس نگر بسته و در واقع نجف اشرف برای فرقه حقه اثنا عشری قلب عالم تشیع محسوب میگردد . گرچه با مراجعه بتاریخ ثابت شده که پس از پیدایش مرقد مطهر مولای متقیان بلافاصله نجف مرکز علم و دانش گردید ولی اهمیت و تمرکز روحانیت در این شهر از موقعی شروع میگردد که شیخ الطائفه محمد بن حسن بن علی الطوسی (تولد ۳۸۵ - وفات ۴۶۰ ه) اعلی الله مقامه در اثر حادثه و غایله ای که در سال ۴۴۸ هجری در بغداد بین ابناء عامه و شیعیان رخ داد و منجر بحریق کتابخانه و اهانت بشیخ طوسی گردید و موجبات تألم و اتزجار روحی معظم له فراهم آمد ، از بغداد بنجف اشرف نقل مکان کرد و بفاصله

کمی در قسمت شمالی صحن مطهر در محلیکه فعلا مرقد و مسجد شیخ طوسی میباشد سکونت اختیار نمود و بتألیف و تدریس و ترویج فقه آل محمد (ص) در پرتو توجهات خاص و برکات انفاس طیبه مولی الموالی قیام نمود.

پس از آنکه خبر هجرت شیخ الطائفه بنجف در اطراف و اکناف عالم تشیع منتشر گردید دانشمندی که تشنه استفاده و استفاضه از دریای بیکران علم و دانش آن علامه بزرگ بودند از دور و نزدیک بصوب این شهر مقدس روی آورده از منبع علم و فضیلت و سرچشمه کمال و دانش شیخ طوسی بهره مند میگردد و در واقع شالوده دانشگاه جعفر بن محمد (ع) و دارالعلم نجف بدست فقیه بزرگوار و نابغه طوس علیه الرحمه ریخته شده است که از آن تاریخ تا کنون بیش از نه قرن میگذرد.

ذکر و معرفی علمای بزرگ و دانشمندی که از این دانشگاه فارغ التحصیل و مرجع تقلید گردیده بعالم اسلام و خاصه مذهب شیعه خدمات گرانبهائی نموده اند خود موضوعی است جداگانه که از حوصله و مجال این مختصر خارج است ولی آنچه را که میتوان ذکر نمود اینست که در مدت این نه قرن اعلیت و ریاست عامه و مرجعیت غالباً با علماء و دانشمندان ایرانی بوده است که علاوه بر مرجعیت دینی و مذهبی در مواقع حساس از هیچگونه خدمتی در راه استقلال و عظمت وطن خود ایران عزیز و سایر ممالک اسلامی دریغ نداشته اند از آنجمله اقدامات اساسی علمای متأخر و حجاج اسلام مرحوم آیت الله ملامحمد کاظم خراسانی و مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آیت الله حاجی شیخ عبدالله مازندرانی و عده دیگر از علما است که در راه مشروطیت ایران مبذول داشته اند. ناگفته نماند که بیداری و آگاهی ملت ایران بحقوق حقه خویش مرهون قیام و فتوائی است که مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد حسین شیرازی اعلی الله مقامه درباره الغای امتیاز (رژ) تنباکو فرموده و کشور ما را از خسارات مادی و معنوی کمرشکنی رهایی بخشید استقلال کشور دوست و همسایه و همکیش ما عراق که در سایه جنبش و رستاخیز مذهبی مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره و جمعی دیگر از علماء اعلام بوجود آمده و این کشور را از قید استعمار و اسارت بیگانگان رهایی بخشیده نیز یکی از اقدامات پیشوایان مذهبی این شهر میباشد که ملت مسلمان و حق شناس عراق خدمات گرانبهائی مرحوم آیت الله معظم له را هیچگاه فراموش نکرده و نخواهد کرد علمای اعلام نجف در حالیکه

نگهبانی دین مقدس اسلام و ترویج آنرا در عهده داشته‌اند شخصیت‌های مآل‌اندیش و روشن‌فکری نیز بوده‌اند چه بمحض اینکه پی بردند که طرز تعلیم قدیم برای نوباوگان ایرانی و مسلمان با تحول زمان سازگار نبوده و خواه ناخواه باید با روش نوینی جوانان را تربیت نمود که با مقتضیات زمان وفق دهد، بموازات مشروطیت ایران در سال ۱۳۲۶ ه. ق در صدد تأسیس يك باب دبستان برآمده و تیمناً و تبرکاً آنرا بنام نامی حضرت ولی اعظم پروردگار (دبستان علوی ایرانیان) نامیدند.

این دبستان که اولین مؤسسه فرهنگی در این شهر بود در موقعی تأسیس شد که نامی از فرهنگ جدید درین شهر وجود نداشت و برای تأمین هزینه آن از بذل هیچگونه مساعدت مادی و معنوی دریغ نداشتند. از آن تاریخ تا کنون که تقریباً شصت سال می‌گذرد این دبستان موفق گردید یک‌عده جوانان متدین و وطنپرست که توانسته‌اند شایسته‌ترین خدمات را بایران و ایرانیت انجام دهند بجامعه ایران و اسلام تقدیم نماید.

حوزه علمیه نجف فعلاً دارای عده کثیری محصل (طلبه) است که تقریباً نصف آنها ایرانی و بقیه از اتباع دولت عراق و افغانستان و هندوستان و پاکستان و غیره میباشند و اکثراً در مدارسی که برای علوم دینی مهیا و ساخته شده است بتحصیل اشتغال دارند. مجموع آن مدارس ۲۰ باب است که بهترین آنها دانشگاه نجف میباشد که بوسیله یکنفر بازرگان ایرانی بنام حاجی اتفاق باب‌هترین اسلوب معماری مطابق اصول بهداشت ساخته شده و سپس مدرسه مرحوم حضرت آیت‌الله بروجردی، مدرسه مرحوم آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و مدرسه بزرگ و وسطی مرحوم آیت‌الله خراسانی و مدرسه مرحوم آیت‌الله خلیلی و مدرسه صدر اصفهانی است که قدیمی ترین آنها محسوب میگردد.

علی کیست ؟

بمناسبت درج تاریخیچہ نجف اشرف و مرقد مطہر امام اول شیعیان و ذکر نام مقدس علی علیہ السلام ، قصیدہ ایکہ در مدح آن حضرت از طبع وقاد شاعر توانا و دانشمند مؤمن بخاندان رسول اکرم (ص) آقای جمشید امیربختیاری تراوش کرده است تیمناً زینت افزای این کتاب میگردد .
 آقای امیربختیاری درنوروز سال ۱۳۴۳ خورشیدی بزبارت آستان مقدس مولای متقیان نایل آمده واین قصیدہ شیوا رہ آورد آن سفر است .

دیرزمانی بُد این هوام بسر ، در	سایم از جان برآستان علی سر
بوسم و بُویم مطاف خیل ملایک	بویم و بوسم مزار ساقی کوثر
بوسم ایوان عرش سائی ، آن کاو	طاق و رواقش زندبکیوان تسخر
بوسم آن آستان که بردرش ازعجز	سوده و ساینده سر ، شہان فلک فر
بوسم آن تربتی کہ مدفن و مدفونش	آن یک بس طاهر آمد ، این یک اطہر
بوسم آن مرقدی کہ پشت فلک خم	گشته بتعظیم او ، چو بنده و چاکر
بوسم آن بارگہ کہ صفزده گردش	شاه و گدا ، شیخ و شاب ، مؤمن و کافر
بوسم آن خالک پاک ، کرسرف و قدر	خوانند از خانہ خدایش برتر
شب همه شب بادلی شکسته و افکار	زار و پریش و ترند و خسته و مضطر

دست نیاز و جبین عجز و نیایش
 کای احد لایزال قادر قاهر
 دست کرم زاستین برآورو بنیوش
 بُودم سرگرم راز و مست تمنا
 ناگه بانك سروش و هاتف غییم
 کرد دعای تو مستجاب، خداوند
 مولا جویان و شیر مردان گویان
 جستم بر پشت خینگ گردون پیم
 خنگی گیهان نور دو صاعقه کردار
 روی نهادم بدو بدیده نه، با دل
 لختی بعد آن سما خُرام فلک پوی

✱

بردم زی آستان خالق اکبر
 وی صمد ذوالجلال غافر داور
 ناله این خسته و آرزوش برآور
 دیده مشتاق، از سرشك روان تر
 گفت، رواگشت حاجت تویرین در
 مژده که گردید وصل دوست میسر
 گام بنه، با سرور و شوق بره بر
 چُست و سبک سیر با دوروئین شهر
 تیزتک و گرم سیر و کوهین پیکر
 راه بُریدم بدو پپای نه، با سر
 یکسره دل داده را رساند به دلبر

دیدم کاخی رفیع و صحنی دلکش
 فرشش برتر زعرش و ایوان زرین
 پودش از تارماه یافته تکوین
 خاک و گیش شوشه ای زسیم و زرناب
 از تزه و لطف با گلستان همدوش
 شور و نشاط است در محیطش معجون
 گوئی خالق براین همایون خرگاه
 بُودم مبهوت آن جلالت و شوکت
 شیفته آن شکوه و قدس، سراپای
 گشتم سرمست شور و جذبه، که در داد
 دیدی پروانه در طواف رخ شمع
 دیدی بلبل چو گل گرفت در آغوش
 دیدی ماهی چو ره بقلزم جَوید
 در ره عشق از هزار و شب پره هرگز
 خیز و ازین موهبت بمجمع احباب
 شعر بخوان و زطنین نام علی ساز
 از خُم توحید و مهر و عشق بنوشان
 با خود کردم حدیث نفس و بگفتم

سقف و ستون و رواق، پُر ز رویور
 خاکش چون مشک تر، فضا شمع طر
 تارش با پود خلد گشته مخمر
 آب روان، رشته هائی از درو گوهر
 از فرح و خرمی، بگلشن همبر
 مشک و عیبر است در هوایش مضم
 از غرفات جنان گشوده بسی در
 واله و حیران آن بهشتی منظر
 غرقه بدریای شور و جذبه، سراسر
 هاتف غییم ز نوصلائی دیگر
 چونان سوزد بشعله گاه سحر، پر؟
 نغمه کند تا که خون چکدش ز حنجر؟
 در دل دریا شود چگونه شناور؟
 نیستی ای مدعی عشق، تو کمتر
 شور فکن، گل فشان، گلاب بیاور
 گوش فلک را ز شور نغمه گری کر
 بر همه صاحبان پپایی ساغر
 ناید هرگز زبخت خویشم باور

کاین منم و شاهد وصال در آغوش ؟
این منم و پا نهاده بر زبر چرخ ؟
دست من است این ربوده خنجر مریخ
این من و آغوش من بود که گرفته است

این منم و کعبه مراد برابر ؟
این منم از فرق مه گرفتم افسر ؟
پای من است این که سوده بر سر اختر ؟
تنگ چو جان ، مرقد علی را دربر ؟

✱

کیست علی شاهکار عالم خلقت
کیست علی شهسوار عالم اسلام
کیست علی آیت فضیلت و تقوی
کیست علی موج قلزم ابدیت
کیست علی نفس فضل و ذات تهوّر
کیست علی قهرمان غزوه خندق
کیست علی یگانه تاز عرصه پیکار
کیست علی یار مهربان ستمکش
کیست علی بر سپهر رفعت خورشید
کیست علی ذات عدل و کان مروت
کیست علی چهره خدایا مرآت
کیست علی آنکه بی ریا بهمه عمر
کیست علی آنکه قرنهایست درخشد
کیست علی آنکه نام اعی و سبحان
کیست علی آنکه پاس جان نبی را
کیست علی آنکه چشم دهر نبیند
کیست علی آنکه ساخت بادم شمشیر
کیست علی آنکه محو کرد و بر افکند
کیست علی آنکه در مکارم اخلاق
کیست علی آنکه مال و جاه جهان بود
کیست علی آنکه چون ز کعبه تنقذد
کیست علی آنکه قلب عالم امکان

کیست علی هستی و بقا را محور
کیست علی ابن عم و صهر پیمبر
کیست علی مظهر حقیقت داور
کیست علی ناو معرفت را لنگر
کیست علی شهر علم و دانش را در
کیست علی فاتح دلاور خیبر
کیست علی پهلوان عرشه منبر
کیست علی خصم بی امان ستمگر
کیست علی بر سریر همت سرور
کیست علی خیل بیکسانرا یاور
کیست علی جمع اتقیا را رهبر
امر بمعروف کرد و نهی ز منکر
خورشید آسا ز فرق طارم اخضر
شت ، ز سحریان خویش ز دفتر
دست ز جان شست و آرمید به بستر
اورا مانند ، تا بدامن محشر
لشکر ایمان بجیش کفر مظفر
نام بت و دوده و سلاله بتگر
دیگر همتای او نزاید مادر
در نظر او چو سنگریزه محقر
کرد جهان را بنور محض منور
کرده ز فر نبوغ خویش مسخر

✱

یا علی ای برتر از قیاس و تمثوّر

ای ز مفاهیم پا نهاده فرا تر

وجه شبه با مقام و شأن تو درخور معنی و لفظ و جمل در آنره ابتر اذعان بر فضل او نموده مگر گشت بهشت خدای بر تو مقدر بر همه پابوس بوتراب مقدر	با که قیاست توان نمود که باشد با چه لسانت توان ستود که ناید دوست چه گوید بوصف آن کاودشمن با این شیوا چکامه «جمشید» ایدون بو که دگر ره شود به همت مولا
---	--

قصیده دیگر

در مدح و منقبت مولای متقیان امیر المؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام

اثر طبع آقای پرتوی معاون اداره سرپرستی

مهد سلطان السلاطین است این مرد حق لبیک آمین است این فخر دنیا مفخر دین است این آن سخن را شرح و تبیین است این سراخلاص است والتین است این لاجرم منطوق یاسین است این عاصم دین است و آئین است این در صف هیجا چو شاهین است این قهرمان جنگ صفین است این با محمد سر بیالین است این اقتران ماه و پروین است این ماورای مدح و تحسین است این شهنشوار کلک زرین است این	بارگاه خسرو دین است این صاحب این درگاه و دربار عام پیشوای اتقیای عالم است آنکه آمد هلائی در شأن او حافظ اعراف و نور و طور و نجم ناطق طه و فرقانست و فتح عالم ایجاد را قائم بود شیرمرد بیشه جنگاور است از جمل تا نهروان نام علی است نازنین داماد پیغمبر بود شوهر زهراست اورا کم مگیر در فصاحت ، رقت مضمون و طبع صاحب شمشیر و خلاق سخن
--	---

یکه تاز آن وهم این است این نوشداروی مساکین است این خالق آن لوح سیمین است این مرهم درمان و تسکین است این بر بساط عشق کابین است این عاشقان را جمله تضمین است این آری آن فرزانه فرزین است این صاحب آن خون رنگین است این رد استدلال چوبیسن است این آن اسامی را نخستین است این مظهر حق اصل تکوین است این «پرتوی» را جان شیرین است این	فارس میدان و سلطان قلم خامه او نیش جان جابران از قصار او مرا قاصر بیان بر قلوب عاشقان پاکباز سالکان هفت وادی را دلیل داور دادار شد در رستخیز آنکه در معراج با احمد نشست آنکه در محراب فائز شد بفوز صعب نبود جمع اضداد این مقام هرچه از اسماء اعظم بشنوی ضرس قاطع بشنو از من این سخن جز ولای او تولا ئیم نیست
--	--

جان بقرانش که جانان من است

عشق و امید من ، ایمان من است

نجف اشرف - اردیبهشت ۱۳۴۳ خورشیدی



آقای خدامراد مرادیان
دبیر ادبیات دبیرستان شرافت
و مترجم مقالات کتاب بیوتات
کربلا

هدیه شاهانه

چهارمقاله راجع به تشریفات نصب چند چلچراغ درحرمین مطهر
حضرت حسین بن علی و ابوالفضل العباس علیهما السلام اهدائی شاهنشاه آریامهر
وهمچنین آئینه کاری حرم مقدس حضرت علی علیه السلام وشرح مسافرت
هیئت خدام آستان قدس رضوی به کربلا - که بوسیله آقای خدامراد
مرادیان دبیر دبیرستانهای ایرانی درعراق - اقتباس از کتاب (مشهدالحسین
بیوتات کربلا) ترجمه و تحریر یافته است ، درزیرنقل میشود :

اهداء دوچهلچراغ بحرم حضرت امام حسین (ع)

درماه جمادی الثانی ۱۳۸۳ هجری قمری شب تولد حضرت فاطمه
زهرا علیها السلام رضا پهلوی ولیعهد ایران درکنار پدرش اعلیحضرت
شاهنشاه ایران نشسته ویکى ازچلچراغهای کاخ چشم دوخته بود . شاهنشاه
ازاوپرسیدند : فرزندم چرا اینقدر باین چهلچراغ نگاه میکنی ولیعهد پاسخ

داد بیاد چهلچراغی افتاده‌ام که چندی پیش بنام من برای حرم مولا قمر بنی‌هاشم ابی‌الفضل‌العباس (ع) فرستادید. چون شاهنشاه سخن ولیعهد را شنیدند او را در آغوش کشیده بوسیدند.

سپس ولیعهد بشاهنشاه عرض کردند آیا همانطور که برای حرم ابی‌الفضل (ع) چهلچراغ فرستادید برای حرم ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) نیز فرستاده‌اید؟ شاهنشاه فرمودند: آری، در آغاز نشستیم بتخت سلطنت دوچهلچراغ برای حرم حسین (ع) فرستادم. ولیعهد عرض کردند خواهش میکنم که آنها را بنوع جدید و بهتر تبدیل فرمائید. شاهنشاه فرمودند باکمال میل و لبهای ولیعهد را بوسیدند. سپس بوزیر خارجه دستور دادند که دو چهلچراغ بیک شکل خریداری نماید، وزیر خارجه از چکسلواکی دو چهلچراغ بمبلغ ۵۰۰ دینار عراقی خریده بتهران آوردند و از تهران بسفارت کبرای شاهنشاهی ایران در بغداد و از آنجا سرکنسولگری ایران در کربلا فرستاده شد و در روز نوزدهم ماه رمضان ۱۳۸۳ در حرم حضرت امام حسین (ع) یکی بالای سرمرقد و یکی دیگر بالای مرقد حضرت علی‌اکبر آویزان شد و روی هر یک از آنها پرده‌ای کشیدند.

اینک گزارشی از برقراری جشن

در این هنگام آقایان رحیم هیراد رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی و جواد بهنام سرکنسول شاهنشاهی ایران در کربلا و اعضای سرکنسولگری و آقای ابراهیم فرزند جعفر زیارت‌نامه خوان مخصوص ایرانیان در کربلا و رئیس خدام سید جعفر رزوق آل‌سید مصطفی و رئیس فراشان صحن محمد فرزند علی‌اصغر در اطاق کلیددار در صحن مطهر اجتماع کرده بودند. پس از توقف کوتاهی در حالیکه کلیددار و آقای هیراد در جلوعمیت بودند همگی متوجه حرم حضرت امام حسین (ع) شدند. همینکه داخل حرم گردیدند پرده از روی چهلچراغها برداشته شد و مانند خورشید حرم را روشن کرد. سپس آقای ابراهیم فرزند جعفر متصدی زیارت و دعا بپاخته پس از حمد و ثنای خداوند متعال و درود بر پیغمبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام و حضرت سیدالشهداء (ع) و موقعیت آن حضرت و دعا در حق مسلمانان چنین گفتند: خدایا سلطان عمرو شاه عجم و وارث دین و تخت ایران و حامی حوزه اسلام و استوارکننده احکام حضرت سیدالانام، پادشاه باشکوه و جلال، زنده‌کننده آثار دین، مدافع حقوق مسلمین، خسرو دادگر بخشنده مفتخر

بتقدیم چهلچراغ بحرم مطهر حسینی ، مؤید من عندالله شاهنشاه اسلام پناه سلطان بن سلطان اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه کشور ایران (خلدالله ملکه و افاضالله علی المسلمین بتره وعدله و امانه) را تأیید و بسپاه فتح و ظفر مدد فرما . در اینجا بسخنان خود خاتمه دادند .

روز نصب این دو چهلچراغ باروز یاد بود ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ هجری شمسی روزیکه شاه در دانشگاه تهران هدف گلوله قرار گرفت ، مصادف گردید و بشکرانه نجات شاهنشاه ایران از این سوء قصد این روز تعطیل رسمی اعلام شد و مردم بدین منظور جشنهای شادی و شکرگزاری برپا کردند و چون این روز با ضربت خوردن حضرت امام علی ابن ابیطالب (ع) و همچنین باروز یاد بود نجات شاهنشاه از خطر تبه کاران نیز مصادف است ملت ایران بدین مناسبت این روز را جشن نمیگیرد و در کربلا نیز بمنظور عزاداری علی ابن ابیطالب (ع) در روز نصب چهلچراغها جشن گرفته نمیشود . آقای شیخ باقر دامغانی متولی کارهای چهلچراغها و شخص دیگر متصدی تنظیف آنها گردیدند و برای آنها نیز ماهیانه مقرر شد و مخارج برق و روشنائی چهلچراغها در هر شش ماه ۵۶ دینار عراقی میباشد که تمام این مخارج از مال شخصی شاهنشاه پرداخت میشود . شاهنشاه در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی بکربلا مشرف شده از حرم حضرت امام حسین (ع) زیارت نمودند و از ایشان برای بازگشت بتخت و تاج استمداد نمودند و پس از یک هفته بآرزوی خود نائل شدند .

(نقل از کتاب مشهدالحسین بیوتات کربلا جلد سوم صفحه ۱۹۵ تا صفحه ۲۰۱)

اهداء چهلچراغ ولیعهد ایران بحرم حضرت

ابی الفضل العباس (ع)

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران محمدرضا پهلوی ابتدا با فوزیه دختر احمد فؤاد پادشاه مصر و سپس با ثریا اسفندیاری و پس از آن با فرح پهلوی ازدواج فرمودند و هیچکدام از آنان فرزندی نیاوردند و شاهنشاه

از این که خداوند فرزند پسر بایشان عطا فرموده بسیار اندوهگین بودند در یکی از شبها که با ملکه فرح بودند سخن از حضرت ابی الفضل (ع) و باب الحوائج بودن ایشان بمیان آمد. از این رو هر دو با قلب شکسته متوجه حضرت ابی الفضل شدند که پیش خداوند شفاعت نماید تا فرزند پسر صحیح الخلقه و تندرست بایشان عطا فرماید. چیزی نگذشت که ملکه بارور گردید و آنچه آرزو داشتند ببار آورد. از این موضوع دولت و ملت ایران خشنود گردیدند. در این هنگام شاهنشاه و ملکه تصمیم گرفتند که چهلچراغ زیبا و با ارزشی بنام ولیعهد برای حرم ابی الفضل (ع) بفرستند. شاهنشاه بوزیر خارجه دستور فرمودند که اینکار را بانجام رساند.

از طرف وزارت امور خارجه با آقای عباس آرام سفیر کبیر شاهنشاهی ایران در بغداد دستور داده شد که در این باره اقدام نماید. آقای آرام بچکسلواکی رفت و بکارخانه های آنجا سفارش داد که یکی از بهترین چهلچراغها را بدین منظور تهیه نمایند. چهلچراغ پس از اتمام سفارت کبرای ایران در بغداد و از آنجا بسر کنسولگری شاهنشاهی ایران در کربلا فرستاده شد. سر کنسولگری کربلا تصمیم گرفت که در ساختمان سر کنسولگری جشنی برپا سازد و اعیان و اشراف کربلا را بدان دعوت نماید و چهلچراغ را مدعوین از کنسولگری بحرم حضرت ابی الفضل (ع) بیاورند لیکن حضرت آیت الله زنجانی این را مناسب ندانستند و فرمودند که بهتر است جشن در صحن حضرت عباس برپا شود و جمعیت از صحن داخل حرم شده از چهلچراغ پرده بردارند. همه رأی او را پسندیدند و آنرا تصویب نمودند. چون کلیددار حرم ابی الفضل از این تصمیم باخبر شد صلاح را بر این دانست که مخارج جشن را خود بعهده گیرد و نظر خود را بسر کنسولگری اطلاع داد و اداره سر کنسولگری از ایشان تشکر و سپاسگزاری نمود. سر کنسولگری شاهنشاهی ایران در کربلا کارتهای دعوت برای رجال و معتمدین کربلا فرستاد و جشن در صحن حرم حضرت عباس (ع) در سمت جنوبی مقابل اطاق کلیددار در روز عید قربان سال ۱۳۸۲ هجری قمری برپا شد. برای دعوت شدگان صندلی و وسائل لازم آماده گردید و جشن در ساعت ۵ بعد از ظهر شروع شد و مدعوین همه حاضر گردیدند. عده ای از حاضرین در اطاق کلیددار نشسته و آنان عبارت بودند از آقای عبود شوکت استاندار استان کربلا و رئیس شهرداری آقای صادق خطیب و رئیس مدرسه دینی کربلا آقای شیخ عبدالحسین خطیب و آقای سعید آل ثابت

و برادرش محمدرضا آل ثابت ورؤسای دوائر دولتی و حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی و سید نورالدین میلانی و سید عباس کاشانی و سید مرتضی طباطبائی و کاردار سفارت کبرای شاهنشاهی ایران آقای دکتر مشایخ فریدنی و سرکنسول ایران در کربلا آقای ابراهیم زرین قلم و اعضای سفارت و سرکنسولگری و فرهنگیان ایران در عراق و میرزا عبدالحسین شیرازی آنگاه بین همه حضار صحن و داخل اطاق کلیددارچای و قهوه و شربت و شیر و کیک توزیع گردید. آقایان خدام آستان قدس رضوی نیز که بدین منظور آمده بودند با خدام حرم امام حسین و حضرت عباس (ع) و عده زیادی از علماء و رجال دین از جمله آقای شیخ عباس حائری پدراستاد جعفر رئیس بانک لبنانی در جشن شرکت نمودند. جشن ابهت و جلوه خاصی داشت. سپس آقای دکتر مشایخ فریدنی از طرف شاهنشاه خطابه ای ایراد نمودند. پس از آن کسانی که داخل اطاق کلیددار بودند شربت و شیرینی خوردند و جمعیت از اطاق کلید دار برای حرم ابی الفضل حرکت نمودند تا بموضع چهلچراغ رسیدند. چهلچراغ ۴۸ شاخه و بسیار زیبا بود. حضرت آیت الله زنجانی پیش آمدند و پرده از روی آن برداشتند و برق آنرا روشن نمودند و حرم از نور آن روشن گردید. سپس آیت الله زنجانی سخنانی ایراد کرد و در آن مسلمانان را باخوت و برادری خواند و در خاتمه دعا های سودمندی خوانده شد و همه از حرم مقدس خارج گردیدند و بار دیگر عده ای بداخل اطاق کلیددار رفتند و شربت و شیرینی صرف نمودند. بهای چهلچراغ ۶۰۰ دینار عراقی شده است و کنسولگری ایران در کربلا هر شش ماه ۶۰۰ و ۵۷ دینار عراقی برای مصرف برق آن میپردازد.

(نقل از کتاب شهداالحسین بیوتات کربلا جلد ۲ از صفحه ۹۰ بعد)

آئینه کاری حرم مطهر

برحسب دستور اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران دیوارها و ایوانهای حرم مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب باشیشه و آئینه‌های زیبا و دارای اشکال هندسی و قیمتی شیشه کاری و مرصع گردیده و در فواصل معین لابلای آنها چراغهای زیبای برقی کار گذاشته شده است . و هزینه آن نیز که ۱۲۰۰۰ دینار عراقی است بحساب معظم له بوده است . ابتدای اینکار از ۱۳۷۰ و انتهای آن ۱۳۷۱ تحت سرپرستی سرکنسول محترم ایران در نجف اشرف جناب آقای عبدالفاضل ظلی پور و نظارت آقای سیداحمد مصطفوی بازرگان معروف و پرهیزکار که از ایران بدین منظور بعراق آمده انجام پذیرفته است . استادکار آن استاد فنی و مشهور ایرانی آقای حسین کیانفر و معمار آن آقای حاج سعید معمار بوده اند . و بمناسبت اتمام آن يك انجمن ادبی در نجف اشرف تشکیل گردید و تعیین ماده تاریخ آنرا شعرا بمسابقه گذاشتند . قصائد بسیار در این باره سرودند که همه آنها از نظر مرحوم حضرت آیت الله مصلح بزرگ شیخ محمدحسین کاشف الغطاء گذشت . ایشان از میان همه آنها ماده تاریخهای زیر را انتخاب فرمودند . چنانکه در نامه خود که ترجمه آن در اینجا نقل میشود بدانها اشاره نموده اند :

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مہذب کامل آقای میرزا عباس کرمانی سلمہ اللہ بیوست
سہ مادہ تاریخ برای اتمام تزیین حرم مطہر حضرت علی بن ابیطالب
امیر المؤمنین بآئینہ های درخشان و چراغهای روشن برقی کہ بہزینہ اعلی حضرت
معظم شاہنشاہ ایران (محمدرضا شاہ پهلوی) دامت دولۃ (کہ خداوند
انشاء اللہ سعیش را مشکور و او را در اینگونہ کارهای خیر موفق گرداند)
انجام پذیرفته است ارسال میگردد . این سہ مادہ تاریخ کہ آنہارا انتخاب
نمودہ ام از ہمہ مادہ تاریخہائی کہ در اختیار من گذاشتہ اند بہتر است خدا
شمارا موفق گرداند .

۱۲ رجب ۱۳۷۰
محمد حسین کاشف الغطاء

اینک مادہ تاریخہا :

۱- لرضا شاہ کم بدت آیاد
مرقد المرتضی کسہ مرا یا
طاء طاء الامین قدا کملتها
خالدات مثل الکواکب ترہر
نیترات من غرة الشمس انور
ارخ خواہا یدالشاہ تشکر
(۱۳۷۰)

۲- ذی روضۃ للمرتضی من عرفہا
محمدالشاہ اہتدی لنور ہا
لناظر یہازیئت فاصحبت
تعطّر الغرب و ضاء المشرق
بالکہرباء ہوالکریم المرق
ارخ بانوار علی تشرق
(۱۳۷۰)

۳- انظر الی حسن القواریر علی
نال الرضا فیہا من اللہ الرضا
کانہا زہر الربی مذارخوا
مرقد خیر الاوصیاء حیدرۃ
وفاز بالاجرو نیل المغفرۃ
اوأنہا الکواکب المنتشرة
(۱۳۷۰)

(نقل از کتاب مشہد الحسین بیوتات کربلا جلد ۳ صفحہ ۱۹۰ ببعد)

هیئت خدام آستان قدس رضوی در کربلا

هنگامیکه خداوند متعال بشاهنشاه ایران محمدرضاشاه پهلوی پسر و ولیعهد عطا فرمود بدین مناسبت زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف گردیدند. دولت و ملت با خوشحالی و سرور از اعلیحضرت همایون استقبال نمودند و میلاد مبارک ولیعهد را بدیشان تبریک عرض کردند. عده‌ای از خدام آستان قدس رضوی که بعضی جارو کش و بعضی کفشدار بودند بحضور شاهنشاه تشریف یافته خواهش نمودند که بایشان اجازه داده شود که زیارت حضرت سیدالشهداء حسین علیه السلام مشرف شوند. همینکه شاه بقصد تهران مشهد را ترک فرمودند باین عده که ۶۰ نفر بودند اجازه زیارت عتبات داده شد و دستور نیز داده شد که درجشی که بمناسبت چهلچراغ اهدائی ولیعهد ایران در کربلا برپا میشود شرکت نمایند.

خدام آستان قدس رضوی از مشهد بسوی عراق حرکت نموده همه جا جاروهای خود را که دسته‌هایشان از نقره اندوده شده بود در دست داشتند. در این سفر حرم و مرقد های سامراء (امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام) و کاظمین (امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام) و حرم و مرقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و حرم حضرت امام حسن و حضرت ابی الفضل العباس را زیارت نمودند. این عده در هر حرمی که وارد میشدند دایره‌ای تشکیل میدادند و هر کدام حرم را جارو میکردند و سرودهای مذهبی حزین آوری میخواندند و مردم در اطراف آنان با صدای بلند شیون نموده و گریه میکردند چنانکه درودیوار از این منظره مینالیدند و میگریستند.

آقای شیخ عبدالحسین مکونه رئیس طائفه مکونه بافتخار حضرت امام حسین (ع) ایشان را در خانه خود بصرف ناهار دعوت نمود. آقایان خدام رضوی در منزل آقای مکونه مرثیه‌های سوزناک درباره حضرت امام حسین و اصحاب حسین (ع) چنانکه همه بناله و گریه درآمدند خواندند. سپس در جشن چهلچراغ صحن حضرت ابوالفضل حاضر شدند و در واقع در این جشن منظره جالبی داشتند. پس از آن در حالیکه جاروهای خود را دراعتاب مقدسه برای یادگاری بجا گذاشتند بکشور خود بازگشتند.

(نقل از کتاب مشهدالحسین بیوتات کربلا - جلد دوم از صفحه ۸۸ بعد)

بقلم آقای مهدی پرتوی
معاون رایزنی فرهنگی

این عون کیست ؟

کسانی که بعثت‌ات‌عالیات مشرف شده‌اند قطعاً مرقد مطهر عون را در سر راه مسیب و کربلا زیارت کرده‌اند. من خود چندبار در این محل توقف کردم و از انفاس قدسیه این قربانی راه حق و حقیقت حَقّ و نصیب یافتم. این بزرگوار در نزد شیعیان عراق باسامی «عون» و «عون بن علی» و «عون بن عبدالله جعفر» معروفیت دارد ولی نام صحیح حضرت در سطح جانبی ضریح بنام عون بن عبدالله جعفر نوشته شده است. همه میدانیم که مادر عون بن عبدالله جعفر حضرت زینب کبری سلام الله علیها بود. از حضرت زینب (ع) دو فرزند کور در واقعه کربلا شهید شدند که یکی بنام محمد و دیگری همین عون بوده است. سنّ این دو جوان بروایت غالب مورخان و صاحبان مقاتل بین دوازده الی هیجده سال بود و از طرف دیگر در هیچیک از کتب تاریخی مشاهده نشد که فرزندان حضرت زینب (ع) از صحنه کربلا و آغوش مادر بزرگوارشان بدور افتاده یا برای انجام امری بمیان قبائل و عشایر مجاور رفته باشند. راست است که بعضی از شهیدان سرزمین کربلا با سپاهیان دشمن قرابت و بستگی نسبی و سببی داشته‌اند و پس از کشته شدن برای آنکه اجسادشان در زیر سمّ ستوران منکوب و متلاشی نگردد اجساد را اقارب و بستگان‌شان که در سپاه عمر بن سعد بودند از صحنه میدان خارج کرده در نقاط دوردست مدفون ساختند مانند جسد حَبْر بن یزید رباحی و بسیاری شهدای دیگر که اسامی آنها صحیحاً مشخص نیست ولی مزارشان بشعاع چند کیلومتر از کربلا قرار دارد.

با قبول این مطلب این سؤال پیش می‌آید که عون بن عبدالله جعفر نه در سن و سالی بود که برای انجام مأموریت یا ضمن جنگ و گریز بفاصله

چندین کیلومتر از معرکه دور شده باشد و نه در میان سپاهیان دشمن دوستان و بستگانی داشت که جسدش را بمحل فعلی انتقال داده باشند چه مادر بزرگوارش حضرت زینب (ع) و پدر بخشنده اش عبدالله بن جعفر طیار برادرزاده حضرت علی بن ابیطالب (ع) بود پس بضرس قاطع باید دانست که محل فعلی مرقد مطهر عون بن عبدالله جعفر نیست و عون بن عبدالله در آغوش دای بزرگوارش جان داد و در محل شهداء واقع در درون حرم مقدس سلطان العاشقین حضرت حسین بن علی (ع) مدفونست .

حال ببینیم این عون کیست و این بقعه و بارگاه واقع در سر راه مسیب و کربلا بچه کسی تعلق دارد که اینهمه بدان اخلاص و ارادت ورزیده مستجاب الدعوه اش میخوانند . بدون شك این بزرگوار از شهیدان کربلا است و بیهوده سخن باین درازی نشود . برای روشن شدن حقیقت مطلب لازم میآید اسامی شهیدان کربلا را از مدنظر بگذرانیم تا معلوم شود که عون دیگری هم در سرزمین کربلا شهید شده یا فقط همین عون بن عبدالله جعفر بوده است . آنچه که از کتب تاریخی و مقاتل بر میآید در واقعه کربلا دونفر عون شهید شده اند که یکی عون بن علی بن ابیطالب (ع) و دیگری عون بن عبدالله جعفر بوده است .

توضیح آنکه حضرت علی (ع) پانزده فرزند ذکور داشت که باصح روایات نه تن از فرزندان برومندش در کربلا شهید شده اند و این نه تن عبارت بودند از حسین بن علی (ع) فرزند حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و حضرت ابوالفضل العباس (ع) و عثمان و جعفر و عبدالله فرزندان لیلی بنت عمیس خثعمیه ملقب و مکنی به ام البنین (ع) - عبدالله و ابوبکر فرزندان لیلی بنت مسعود بن خالد تمیمی - یحیی و عون فرزندان اسماء بنت عمیس . در روایات مختلف آمده است که حضرت سیدالشهداء (ع) وقتی متوجه شد یکی از دوشق (بیعت یا جنگ) را باید انتخاب کند تصمیم بجنگ و پیکار گرفت و چند نفر از یاران و همراهان خویش را برای استمداد و اعزام قوای کمکی بقبائل اطراف فرستاد . یکی از افراد منتخبه برادرش عون بن علی (ع) بود که اتفاقاً در انجام مأموریت توفیق یافت و با تعداد کافی از افراد قبائل که بآل علی عشق میورزیدند بجانب کربلا شتافت . چون عمر بن سعد از جریان قضیه آگاه شد عده ای از لشکریان را بمقابله با عون و همراهانش گسیل داشت و در محل فعلی که بنام عون بن عبدالله جعفر موسوم است جنگ سختی در گرفت و عون بن

علی (ع) بدرجه شهادت نازل آمده هم در آنجا مدفون گردید. باتمهید مقدمه بالا فکر میکنم مقبره فعلی متعلق بعون بن علی باشد نه عون بن عبدالله جعفر.

در خاتمه ناگزیر از ذکر این نکته میباشد که در عراق از چند نفر اهل اطلاع بمسائل تاریخی و مذهبی شنیدم که میگفتند در واقعه کربلا از یاران حسین بن علی (ع) چند نفر زخمی شدند ولی نمرند که از آنجمله یکی (طرماع) صحابه معروف حضرت امیر بود. این طرماع همان کسی است که چند بار از طرف علی برای معاویه پیام و نامه بشام برده است و با معاویه گفتگوهای شیرین دارد. چند بار از معاویه بسبب همین سخنان جالب و حاضر جوابی هایش مله و انعام گرفت درحالی که تمام سخنانش بطرفداری از حقانیت علی و بر علیه معاویه بوده است. یکبار معاویه از او پرسید: تو که علی را برحق و مرا غاصب خلافت میدانی چگونه حاضر میشوی این پولهارا از من بگیری. طرماع بدون تأمل جواب داد: پول را که قابلیت ندارد، من حاضرم جانت را هم بگیرم. باری این طرماع واقعه کربلا را درک کرد و زخمی شد. افراد قبائل اطراف کربلا او را بقبیله خویش برده معالجه کردند و طرماع سالها زنده ماند. یکی دیگر از زخمیهای کربلا بطوریکه میگویند عون بن عبدالله جعفر فرزند حضرت زینب کبری سلام الله علیها بود که آنچنان زخم مهلك برداشت که سپاهیان دشمن گمان بردند او نیز شهید شده است ولی پس از آنکه غبار کثروفر فرونشست چند نفر از افراد بنی اسد او را نیمه جان یافته بقبیله خویش بردند و معالجه کردند. عون بن عبدالله جعفر مدتها در میان آن قبیله پنهان از انظار دشمنان زندگی کرد، پس از چندی بمرگ طبیعی از دardنیا رفت و در محل فعلی مدفون شد.

این روایات را نمیتوان جزء اقوال صحیحه تلقی کرد چه در صورت صحت میبایستی از واقعه شام که همه اسراء با تجلیل فراوان بمدینه بازگشتند عون بن عبدالله هم بمدینه میرفت نه آنکه سالها در آن قبیله زندگی کند و همانجا بمرگ طبیعی بمیرد. علی کل حال از اینکه مزار مزبور متعلق بعون بن علی باشد بیشتر مقرون بحقیقت است تا آنکه وابسته بعون بن عبدالله جعفر بدانیم مگر آنکه محققان آینده حقایق روشنتری در اختیار عاشقان و زائران اعتبار مقدسه بگذارند.

پایان

تذکر

جای بسی مسرت است که این کتاب نیازی پیدا نکرد تا حسب المعمول صفحه‌ای از آن به غلط‌نامه اختصاص یابد - اگر هم اندک لغزش و اشتباهی در آن مشاهده شود توقع اغماض دارد .

یکی از این اشتباهات در صفحه ۸۵ دیده شد و آن رقم عدد شاگردان کلاس ششم دبستان پسران اخوت کاظمین و دبستان دختران شهربانو است که رقم اولی باید ۷۰ و دومی ۲۸ باشد .

دیگر اینکه در صفحه ۳۵ عکس آقای جعفر سلماسی رئیس اداره امور تربیتی اشتبهاً جزء سرپرستان سابق چاپ شده است .